



## خدمت همدلانه برای ایران

این شماره ماهنامه مشعل تقدیم می‌شود  
به تلاشگران گمنام صنعت گاز کشور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَعَلَىٰ آلِهِ صَلَواتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ خَالِدِينَ

وَعَلَىٰ آلِهِ صَلَواتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ خَالِدِينَ

وَعَلَىٰ آلِهِ صَلَواتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ خَالِدِينَ

وَعَلَىٰ آلِهِ صَلَواتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ خَالِدِينَ

تاسوعا و عاشورای حسینی تسلیت باد



تابست جهان، شور محرم باقیست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.iranica.com

© 1395

- مدیر مسئول  
سامان قدوسی
- رئیس امور انتشارات و مستندنگاری  
جعفر پورفرجودی
- سردبیر  
مهناز محمد قلی
- دبیر تحریریه  
سعید محمدبگی
- همکاران تحریریه  
نیوشا روزیان، فاطمه دهقان نیری،  
یونس صادقی، حمیدرضا زینلی،  
علیرضا عبدی
- همکاران فنی  
طراح گرافیک: بهاره افتخاری  
محمود محرابی  
ویراستاری: زهرا شهبازی  
مرضیه بیگی فرانی  
حروفچین: رقیه مصطفوی
- مدیر اجرایی و ارتباطات  
عباس لطفی
- عکس  
واحد عکس اداره کل روابط عمومی  
وزارت نفت
- خدمات IT  
مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات  
روابط عمومی وزارت نفت



گفت و گو با خانواده ورزشی  
ایلیا صالحی قهرمانی که  
با مدال المپیک راضی می شود

## رام کردن غرور پهلوانی

۵۴

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران  
از خدمت پایدار تلاشگران این مجموعه در  
روزهای سخت می گوید:

**همدل مردم  
همراه ایران**

۸

وزیر نفت:

**طرح ضربتی  
افزایش تولید  
گاز کلید خورد**

۴

قلب تپنده ای که به فوتبال ایران جان داد

## فرزند نفت و آفتاب جنوب

۳۸



تیر ۱۴۰۵



خدمت همدلانه  
برای ایران

این شماره همدلانه، فصل قدیمی می شود.  
به تلاشگران تمام صنایع کارگزار

عکس جلد: مجتبی محمدقلی

نشریه مشعل رادر  
WWW.MASHAL.IR  
دنبال کنید

نشانی  
تهران، خیابان طالقانی،  
رو به روی ساختمان مرکزی وزارت نفت  
ساختمان شماره ۳۴ نفت-طبقه چهارم  
تلفن: ۶۱۶۲۶۰۸۴  
فکس: ۶۶۴۹۱۳۰۹  
اداره کل روابط عمومی وزارت نفت  
جمهوری اسلامی ایران

• Email: mashal@mop.ir



از طریق  
اسکن بارکد  
«کیو آر»  
وارد سایت  
مشعل  
شوید.



وقتی نفت ایران  
به امتیاز گذاشته شد

## امضای داری در صاحبقرانیه

۶۶



امدادگران گاز ثانیه های سخت را  
تا پای جان ایستادگی می کنند

## خطر و خدمت

۱۴

ایثاری ماندگار که مرزهای انسانیت را درنوردید

## شهید زندگی بخش

۳۶

اینجا سامانه ۱۹۴ شرکت گاز استان تهران است جایی که  
عشق در خدمت به مردم معنا می شود

## قهرمانان امنیت

۲۲



۳۴

# قدردانی رئیس جمهوری از وزارت نفت در مدیریت مصرف انرژی



آینده باید گزارش عملکرد دستگاه‌های زیرمجموعه را در این زمینه دریافت و ارزیابی کنند. پزشک‌ها یادآور شد: از استان‌ها و بخش‌هایی که موفق به تحقق بیشترین مقدار صرفه‌جویی شوند، قدردانی می‌شود و به عنوان الگو معرفی خواهند شد. رئیس جمهوری با تأکید بر ضرورت تحول در رویکردها و رفتارهای مدیریتی گفت: برای دستیابی به شرایط بهتر، باید رقابت در کارآمدی، بهره‌وری و بهترین شدن را در همه سطوح مدیریتی کشور نهادینه کنیم تا بتوانیم در عرصه‌های مختلف موفق و پیشرو باشیم.

هوا و دیگر زیرساخت‌های مورد نیاز برنامه‌ای نداشت. پزشک‌ها ادامه داد: هر مدیری که توسعه را بدون توجه به منابع طبیعی دنبال کند، در حق نسل‌های آینده جفا کرده است. در این مسیر باید از ظرفیت دانشگاهیان و متخصصان بهره‌گرفت. وی همچنین با تأکید بر ضرورت تدوین برنامه‌های عملیاتی برای کاهش مصرف انرژی افزود: هر فرماندار، بخشدار و مدیر اجرایی باید وضع کنونی مصرف انرژی در حوزه مسئولیت خود را احصا و برنامه‌های اصلاحی و اهداف کاهش مصرف را مشخص کند. رئیس‌جمهور گفت: استانداران نیز در نشست‌های

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری در نشست بررسی و تدوین چارچوب‌های اجرایی طرح فراگیر بهینه‌سازی مصرف انرژی در اداره‌ها، محیط‌ها و اماکن دولتی با قدردانی از اقدام‌های وزارتخانه‌های نفت، نیرو و کشور در مدیریت مصرف انرژی طی زمستان گذشته گفت: عبور موفق از دوره اوج مصرف نیازمند تداوم سیاست‌های مدیریت مصرف و تبدیل نهضت بهینه‌سازی مصرف انرژی به یک فرهنگ عمومی و رفتار سازمانی پایدار در سراسر کشور است. در این نشست که وزیر کشور، وزیر نیرو، رئیس سازمان برنامه و بودجه و رئیس سازمان مدیریت راهبردی و بهینه‌سازی مصرف انرژی در آن حضور داشتند، پزشکیان، تحقق سریع، مؤثر و پایدار این برنامه ملی (طرح فراگیر بهینه‌سازی مصرف انرژی در اداره‌ها، محیط‌ها و اماکن دولتی) را مستلزم حرکت در چارچوب‌های علمی، دقیق و مبتنی بر نظام حکمرانی اجرایی خواند. وی تصریح کرد: عبور موفق از دوره اوج مصرف نیازمند تداوم سیاست‌های مدیریت مصرف و تبدیل نهضت بهینه‌سازی مصرف انرژی به یک فرهنگ عمومی و رفتار سازمانی پایدار در سراسر کشور است. رئیس‌جمهوری بر ضرورت تعمیم آموزش‌های تخصصی و برنامه‌های مدیریت مصرف به تمامی سطوح دستگاه‌های اجرایی تأکید کرد و گفت: این اقدام‌ها باید در قالب آموزش‌های فراگیر به تمام واحدهای سازمانی تسری یابد و به بخشی از فرهنگ و رفتار سازمانی دستگاه‌های دولتی تبدیل شود.

## مدیریت مصرف انرژی از اولویت‌های حیاتی کشور است

رئیس‌جمهوری همچنین در همایش سراسری «حکمرانی هم‌افزا» که با حضور جمعی از اعضای هیئت دولت، استانداران و بیش از ۳ هزار و ۵۰۰ نفر از فرمانداران و بخشداران سراسر کشور برگزار شد، مدیریت مصرف انرژی را از اولویت‌های حیاتی کشور دانست و با تأکید بر نقش استانداران، فرمانداران و بخشداران در این حوزه بیان کرد: نخستین گام در این مسیر، آگاهی بخشی و اصلاح فرهنگ مصرف است. وی ادامه داد: باور ندارم که تنها با بخشنامه و اجبار بتوان به نتیجه رسید. آموزه‌های دینی ما سرشار از توصیه‌ها و هشدارها درباره پرهیز از اسراف و تبذیر است و باید این مفاهیم را برای مردم تبیین کرد. رئیس‌جمهوری گفت: اصلاح الگوی مصرف باید از مجموعه‌های اداری آغاز شود و سپس به دیگر بخش‌ها و محلات تسری یابد. با مشارکت مردم، امکان تحقق حداقل ۳۰ درصد صرفه‌جویی انرژی وجود دارد و این موضوع، بیش از هر مسئله‌ای نیازمند اراده و پیگیری مدیران است. پزشکیان تأکید کرد: نباید شرایط به‌گونه‌ای پیش برود که ناچار به قطع برق و گاز بخش صنعت و تولید شویم.

## طراحی راهکارهای مؤثر برای مدیریت مصرف انرژی

رئیس‌جمهوری افزود: لازم است برای مدیریت مصرف، راهکارهای عملیاتی و مؤثر طراحی شود و مدیران محلی می‌توانند در این زمینه نقش آفرینی مؤثری داشته باشند. وی با اشاره به الزام‌های توسعه پایدار گفت: توسعه باید متناسب با ظرفیت‌ها و منابع طبیعی کشور باشد. نمی‌توان شهرها و روستاها را گسترش داد؛ اما برای تأمین آب، برق،

## وزیر نفت:

## رئیس‌جمهوری در ترغیب مردم به کاهش مصرف نقش تاریخی ایفا کرد

محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت ضمن قدردانی از حمایت رئیس‌جمهوری در ترغیب مردم به مشارکت در کاهش مصرف، در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: فراموش نمی‌کنیم رئیس‌جمهوری نقش تاریخی ایفا کرد. وی در این پیام یادآور شد: رئیس‌جمهوری از فعالیت وزارت نفت در زمستان گذشته قدردانی کرد که این موفقیت حاصل تلاش همه کارکنان صنعت نفت بوده و ایران مقتدر متکی به وجود آنان است. ضمن تشکر از حمایت بی‌دریغ رئیس‌جمهوری، فراموش نمی‌کنیم دکتر پزشکیان در ترغیب مردم به مشارکت در کاهش مصرف نقش تاریخی ایفا کرد.



## طرح ضربتی افزایش تولید گاز کلید خورد

محسن پاک نژاد، وزیر نفت از اجرای طرح ضربتی افزایش تولید گاز در بخش خشکی خبر داد و گفت: با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های موجود، برنامه افزایش تولید گاز در کنار توسعه میدان‌ها و جمع‌آوری گازهای همراه، با شتاب در حال پیگیری است. حتی در دوران جنگ ۱۲ روزه و ۴ روزه، فعالیت‌های صنعت نفت در حوزه‌های مختلف متوقف نشد و توسعه میدان‌های نفت و گاز در سراسر کشور با جدیت ادامه یافت. وی افزود: افزون بر فعالیت‌های جاری در میدان‌های پارس جنوبی و سکوه‌های دریایی، در بخش خشکی نیز طرح ضربتی افزایش تولید گاز تعریف و وارد مرحله اجرا شده است. وزیر نفت با بیان اینکه این طرح همه میدان‌های تحت پوشش شرکت نفت مناطق مرکزی را در برمی‌گیرد، تصریح کرد: براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، از همه ظرفیت‌های موجود برای افزایش تولید گاز استفاده خواهیم کرد و در همه میدان‌ها شاهد افزایش تولید خواهیم بود.

### بهره‌برداری از ۵ طرح جمع‌آوری گازهای همراه

پاک نژاد همچنین با اشاره به روند اجرای طرح‌های جمع‌آوری گازهای همراه گفت: این پروژه‌ها به صورت جدی در دستور کار قرار دارند و اکنون ۳۰ قرارداد در زمینه جمع‌آوری گازهای همراه در حال اجراست. وی ادامه داد: طبق برنامه‌ریزی‌ها، پنج طرح جمع‌آوری گازهای همراه در آستانه بهره‌برداری قرار دارد. اجرای این پروژه‌ها ضمن کاهش مشعل سوزی و ارتقای شاخص‌های محیط‌زیستی، زمینه بهره‌برداری از گازهای همراه در بخش تولید را فراهم می‌کند و این منابع را به چرخه ارزش‌آفرینی صنعت نفت بازمی‌گرداند. پاک نژاد با اشاره به دستاوردهای اخیر صنعت نفت یادآور شد: طی یک سال و نیم گذشته چند طرح بزرگ جمع‌آوری گازهای همراه اجرا شده و روند اجرای آن‌ها با مشارکت بخش خصوصی نسبت به دوره‌های گذشته شتاب بیشتری گرفته

### مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران خبر داد:

## جبران ۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت فراورشی گاز

سعید توکلی، معاون وزیر نفت در امور گاز با اشاره به خسارت‌های جنگ تحمیلی سوم گفت: متأسفانه یکی از بخش‌هایی که بسیار آسیب دید، فراورش و تولید گاز کشور بود که در طول جنگ از سوی دشمن آمریکایی - صهیونیستی مورد اصابت قرار گرفت و بخشی از ظرفیت تولید کشور از دست رفت؛ اما با مدیریت یکپارچه وزارت نفت و گام‌های مناسب مهندسی و فرایندی در قالب اقدام‌های کوتاه‌مدت پس از جنگ تحمیلی سوم، اکنون ۲ مورد از برنامه‌های زودهنگام به نتیجه رسیده و ۳۰ میلیون مترمکعب از تولید روزانه گاز شیرین به شبکه بازگشته است. وی با بیان اینکه از همان روز اول حمله، برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت پیش‌بینی شد، افزود:

است و در مسیر توسعه قرار دارد.

وزیر نفت همچنین در نشست مجازی مجلس شورای اسلامی از آمادگی وزارت نفت برای اجرای راهکار ارتباط کارت بانکی با کارت سوخت خبر داد و گفت: زیرساخت‌های اجرای کارت بانکی آماده و نیازمند همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی است که تاکنون اتفاق مؤثری در این باره رخ نداده و نیازمند پیگیری است. وی با اشاره به اینکه روزانه حدود ۱۱۰ میلیون لیتر بنزین تولید می‌کنیم و این مقدار، حداکثر توان ماست، ضمن اینکه حدود ۳۰ میلیون کارت هوشمند سوخت فعال در کشور وجود دارد، افزود: اگر به تولید داخل متکی باشیم، با فرض اینکه نمی‌توانیم واردات داشته باشیم، آیا می‌توان سوخت را مدیریت کرد؟ این واقعیت میدانی ماست و در چارچوب این موضوع، شماری از راهکارها ارائه می‌شود که راهکارهایی مؤثر هستند. وزیر نفت تأکید کرد: راهکارهای دیگری هم برای مدیریت سوخت در حال انجام است. وظیفه وزارت نفت تولید، تأمین، انتقال و توزیع سوخت است؛ اما برای رهایی از مشکل تأمین سوخت، نیازمند همراهی مردم هستیم. اکنون نمی‌توان تنها قیمت‌هایی را برای سوخت مطرح کرد؛ زیرا شرایط اقتصادی و اجتماعی پاسخگو نیست و البته مشکل را هم حل نمی‌کند. پاک نژاد بیان کرد: راهکارهایی نظیر اینکه به ازای هر کد ملی، سوخت تخصیص داده شود، مطلوب است؛ زیرا عدالت اجتماعی رعایت می‌شود؛ البته نمی‌دانم زیرساخت چنین طرحی چه زمانی آماده می‌شود. اگر الگوی کالابریک برای ارائه سوخت پاسخگوست، باید برای جلوگیری از رویارویی با این مشکل در آینده، همین‌الگورا جمع‌بندی کنیم. بنده فقط طرح مسئله کردم. برای مدیریت مصرف سوخت نیازمند همفکری هستیم، پیشنهادهایی هم ارائه کرده‌ایم که در کارگروه بررسی شده است.

### رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس

### شورای اسلامی:

## خدمات وزارت نفت با وجود حملات دشمن ستودنی است

رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی گفت: از نیروهای عملیاتی در خط مقدم تا وزیر و معاونان وزارت نفت که برای جلوگیری از بروز اختلال در تأمین سوخت کشور تلاش کرده‌اند و با وجود فشارها و حملات دشمن به زیرساخت‌های صنعت نفت، خدمات این وزارتخانه بدون وقفه ادامه یافت، قدردانی می‌کنم. نصرالله پژمانفر در نشست اعضای کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی با وزیر نفت با تأکید بر اینکه در حوزه مأموریت‌های وزارت نفت خللی ایجاد نشد، بیان کرد: مردم در این زمینه به ویژه در تأمین سوخت با کمبودی روبه‌رو نشدند. وی با اشاره به برگزاری دومین نشست بررسی عملکرد وزارت نفت پس از جنگ، گفت: در این نشست، موضوع مدیریت و تأمین منابع سوخت کشور در حوزه گاز و فراورده‌های نفتی بررسی شد و براساس گزارش‌ها و برنامه‌ریزی‌های انجام شده و همچنین همراهی مردم، نگرانی در زمینه تأمین سوخت وجود نخواهد داشت. پژمانفر افزود: کاهش مصرف بی‌رویه سوخت و حرکت به سمت الگوهای استاندارد مصرف جهانی، موضوعی است که حتی پیش از شرایط جنگی نیز در قوانین کشور بر آن تأکید شده بود.

### سوخت‌رسانی وزارت نفت بی‌نظیر بود

عضو کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی نیز با قدردانی از عملکرد وزارت نفت در زمان جنگ تحمیلی سوم گفت: با وجود حضور بیش از ۱۵ میلیون مسافر، سوخت‌رسانی در کشور به‌ویژه در استان‌های شمالی کشور با نظمی بی‌نظیر و بدون بروز اختلال مدیریت شد. علی‌کشوری با بیان اینکه دشمن در بسیاری از مواقع تلاش می‌کند با تمرکز بر موضوع تأمین سوخت و ایجاد صف‌های طولانی در جایگاه‌ها، ناراضی‌بانی عمومی ایجاد کند، افزود: در این شرایط، شاهد نظمی بی‌نظیر در سوخت‌رسانی به ویژه در استان‌های شمالی کشور بودیم. وی تصریح کرد: بیش از ۱۵ میلیون نفر مسافر در ایام جنگ تحمیلی سوم در استان‌های شمالی حضور داشتند که با اهتمام وزیر نفت و تلاش کارکنان این وزارتخانه، تأمین سوخت مورد نیاز آنان به خوبی مدیریت شد. کشوری بر ضرورت اطلاع‌رسانی شفاف به مردم تأکید کرد و گفت: باید به صورت صریح و شفاف با مردم سخن گفت و اقدام‌های انجام شده در حوزه تأمین سوخت و مدیریت مصرف را به درستی اطلاع‌رسانی کرد.

باتشکیل تیم‌ها، برنامه‌های زودبازده مورد نظر قرار گرفت تا بتوانیم پیش از زمستان امسال، بخشی از ظرفیت تولید را برگردانیم. توکلی با تأکید بر اینکه همه این موارد پس از انجام عملیات آواربرداری، ارزیابی خسارت و اقدام‌های فنی و مهندسی انجام شد، گفت: اکنون فعالیت‌های اولیه برای فرایند بازسازی بلندمدت نیز پیش‌بینی شده است. معاون وزیر نفت در امور گاز با اعلام از دست رفتن حدود یک سوم فراورش گاز، درباره زمان پیش‌بینی شده برای رسیدن به تولید اولیه گفت: بازگشت به نقطه پیش از حمله‌های دشمن آمریکایی - صهیونیستی، نیازمند اقدام‌های بلندمدت و بررسی‌های مهندسی، سفارش‌گذاری، ساخت و اجراست که به زمان زیادی نیاز دارد.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی اعلام کرد:

## بازگشت ۳۸ درصد از ظرفیت پتروشیمی به چرخه تولید

ظرفیت تولید برق و بخار تحت تأثیر قرار گرفت. معاون وزیر نفت تصریح کرد: همچنین، بعضی از واحدهای تولیدی صنعت پتروشیمی به صورت مستقیم مورد اصابت قرار گرفتند و از چرخه تولید خارج شدند.

### اولویت: تأمین نیاز مردم و صنایع پایین دستی

عباس زاده با بیان اینکه بلافاصله پس از وقوع این حوادث، کمیته‌های بازبانی و بازسازی فعالیت خود را آغاز کردند، گفت: هدف این کمیته‌ها استفاده حداکثری از امکانات موجود، بهره‌گیری از منابع پراکنده تأمین بخار و همچنین تأمین برق از ظرفیت‌های موجود صنعت نفت، نیروگاه‌های متصل به شبکه و بورس انرژی بود تا شرکت‌های پتروشیمی با اولویت تأمین نیاز مردم و صنایع پایین دستی هر چه سریع‌تر به مدار تولید بازگردند. مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی تأکید کرد: همه تلاش‌ها بر پایه تأمین نیاز صنایع داخلی استوار شده است. به این منظور، در نشست ستاد تنظیم بازار به ریاست معاون اول رئیس جمهوری، گزارشی برای کنترل و مدیریت بازار محصولات پتروشیمی ارائه شد. عباس زاده با اشاره به اینکه عرضه محصولات پتروشیمی در هفته‌های گذشته افزایش یافته است، تأکید کرد: با افزایش عرضه‌ها، حجم رقابت در بورس کالا کاهش یافته و انتظار می‌رود با عملیاتی شدن دوباره برخی شرکت‌ها، آرامش بیشتری بر بازار این محصولات حاکم شود.



حسن عباس زاده، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با اشاره به آسیب‌های وارد شده به صنعت پتروشیمی در حملات دشمن آمریکایی - صهیونیستی در جنگ تحمیلی سوم و گرامیداشت یاد و خاطره ۶ نفر از همکاران پتروشیمی که در جریان این جنگ به شهادت رسیدند، از بازگشت حدود ۳۸ درصد ظرفیت از دست‌رفته صنعت پتروشیمی به چرخه تولید و ثبات بازار محصولات پلیمری و پلاستیکی خبر داد. وی با اشاره به اینکه بخشی از خسارت‌ها در جنگ مربوط به پالایشگاه‌های گازی بود که بخشی از خوراک صنعت پتروشیمی شامل گاز طبیعی و میعانات گازی را تحت تأثیر قرار داد، افزود: به برخی تأسیسات جانبی صنعت پتروشیمی حملات مستقیم شد و نیروگاه‌هایی که وظیفه تأمین برق و بخار مجتمع‌های پتروشیمی را به عهده داشتند، هدف قرار گرفتند و متأسفانه بخشی از

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران:

## تأمین پایدار سوخت نیروگاه‌ها نیازمند تدابیر ویژه است



تأسیسات انرژی کشور، بویژه در پارس جنوبی و تأسیسات گازی، همچنین بخش‌هایی از صنایع پتروشیمی و فولاد، نیازمند اتخاذ تدابیر ویژه و سریع برای مدیریت تأمین انرژی هستیم. از این رو باید با برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی میان دستگاه‌های مرتبط، تأمین پایدار سوخت نیروگاه‌ها را در فصل زمستان، همزمان با تشدید ناترازی انرژی تضمین کنیم. عظیمی با اشاره به ماهیت بین‌بخشی موضوع تأمین سوخت نیروگاه‌ها تصریح کرد: این موضوع بین وزارتخانه‌های نفت و نیرو مشترک است و از این منظر، کمیسیون انرژی مجلس نقشی مهم در هماهنگی، نظارت و پیگیری اجرای تعهدهای هر یک از دستگاه‌ها ایفا می‌کند.

محمدصادق عظیمی، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران در حاشیه نشست بررسی تأمین انرژی صنایع و نیروگاه‌ها برای تابستان و زمستان پیش‌رو با حضور جمعی از اعضای کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی و شماری از مسئولان وزارت نیرو، به تعامل سازنده وزارتخانه‌های نفت و نیرو در سال ۱۴۰۴ برای تأمین سوخت نیروگاه‌ها اشاره کرد و گفت: با پیگیری و اقدام بخش‌های مختلف، سال گذشته موفق شدیم سوخت نیروگاه‌ها را به صورت پایدار تأمین و از فصل سرد سال عبور کنیم. وی با بیان اینکه امسال در بخش انرژی کشور، اوضاعی ویژه وجود دارد، تأکید کرد: به دلیل آسیب‌های وارد شده به بعضی

نماینده تهران در  
مجلس شورای اسلامی:

## عملکرد مطلوب وزارت نفت در جنگ مانع کمبود سوخت شد

نماینده تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی گفت: وزارت نفت در دوران جنگ عملکردی از خود نشان داد که در عمل مردم دچار کمبود و یا مشکلی در بخش سوخت و انرژی نشدند.

امیرحسین ثابتی منفرد با بیان اینکه مجموعه وزارت نفت یکی از خط‌های مقدم کشور در جریان جنگ تحمیلی سوم بوده است، بیان کرد: یکی از اهداف مهم دشمن در دو جنگ اخیر، آسیب به زیرساخت‌های انرژی، نفت و گاز ما بود، اما وزارت نفت در این مدت عملکردی از خود نشان داد که در عمل مردم دچار کمبود و یا مشکلی در بخش سوخت و انرژی نشدند. وی با بیان اینکه در هر جنگی ممکن است کمبودهایی ایجاد شود و این طبیعت و ذات شرایط جنگی است، افزود: تا امروز دو جنگ سنگین (۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه) را پشت سر گذاشتیم، اما هیچ فردی نمی‌تواند ادعا کند که کشور دچار قحطی یا نارسایی جدی در حوزه سوخت شده است.

نماینده تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس با اشاره به مجاهدت‌های کارکنان صنعت نفت در دوران جنگ تحمیلی سوم تصریح کرد: حدود یک ماه پیش به همراه جمعی از نمایندگان مجلس از پالایشگاه تهران که هدف حمله دشمن قرار گرفت، بازدید کردیم، اما اوضاعی که در این تأسیسات به چشم آمد، مظلومیت افرادی بود که به صورت میدانی و بی‌حاشیه در این پالایشگاه فعالیت می‌کردند.

ثابتی گفت: هرچند دشمن به بخشی از زیرساخت‌های انرژی ما آسیب زد، اما صدها نفر که شاید نامشان در هیچ رسانه‌ای نباشد، برای بازسازی تأسیسات نفتی تلاش می‌کنند. معتقدم همین روحیه و کار جهادی است که کشور را با وجود دو موج سنگین جنگ پابرجا و استوار نگاه داشته است.

وقتی تلاش پایدار در میدان بحران معنای یابد

# خدمت همدلانه برای ایران

**حمیدرضا زینلی** | در روزهایی که آسمان سرزمین پارس زیر سایه التهاب و تهدید قرار داشت و طنین جنگ در گوش شهرها می پیچید، در دل این میدان پرتلاطم، روایتی دیگر از ایستادگی، مسئولیت پذیری و خدمت بی وقفه رقم خورد. در میان همه صحنه های پرتنش جنگ، شبکه عظیم گاز کشور بی آنکه لحظه ای از تپش بازایستد، به حیات خود ادامه داد و چرخه زندگی را پایدار نگاه داشت. پشت این پایداری، خانواده بزرگ شرکت ملی گاز ایران ایستاده بود؛ مدیران، کارشناسان، امدادگران و کارکنانی که در سخت ترین شرایط و حساس ترین لحظات، پیش از آنکه بحران فرصت گسترش پیدا کند، خود را به قلب حادثه رساندند. آنان در حالی که خطر در کمین بود و برخی حتی در مسیر انجام وظیفه آسیب دیدند، به انجام مأموریت خود پرداختند، زیرا نیک می دانستند که حفظ ایمنی و امنیت، صیانت از پایداری شبکه گاز و پاسداری از آرامش و آسایش مردم، تنها یک وظیفه سازمانی نیست، بلکه مسئولیتی ملی و راهبردی است. در شرایطی که هر آسیب به زیرساخت ها می توانست به بحرانی بزرگ تر منجر شود، حضور به موقع و هماهنگ نیروهای عملیاتی، امدادی و مدیریتی صنعت گاز، تهدیدها را مهار کرد و مانع شکل گیری حوادث ثانویه شد؛ تلاشی که پایداری شبکه گاز کشور را حفظ کرد و آرامش عمومی را تداوم بخشید. امروز، عبور سرافرازانه کشور از روزهای بحران، ثمره مدیریت هوشمندانه، منسجم و تلاش بی وقفه خانواده بزرگ صنعت گاز است؛ تلاشی که با تکیه بر تخصص، تعهد و آمادگی، تهدیدها را مهار کرد و نشان داد اقتدار تنها در رویارویی با بحران نیست، بلکه در پیشگیری از گسترش آن و حفظ پایداری و آرامش کشور معنای یابد. در پس آرامش روزهای بحران، ناگفته هایی از پایداری، مسئولیت پذیری و حضور در لحظه نهفته است؛ روایت انسان هایی که در بزنگاه های حساس، بار سنگین اطمینان و پایداری را بر دوش کشیدند. آنچه در ادامه می خوانید، بازتابی از همین تجربه های ماندگار و لحظه های سرنوشت سازی است که در حافظه صنعت گاز کشور ثبت شده اند.





مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران  
از خدمت پایدار تلاشگران این مجموعه  
در روزهای سخت می گوید

# همدل مردم همراه ایران



**مهناز محمدی - علیرضا عبدی |** در روزهایی که آذیر خطر و خبر حمله دشمن آمریکایی-صهیونی به زیرساخت های انرژی، یکی پس از دیگری مخابره می شد، شبکه گاز کشور با سرسخت ترین آزمون تاریخ خود روبه رو بود؛ آزمونی که در آن نه تنها تأسیسات و پالایشگاه ها هدف قرار گرفتند، بلکه پایداری یکی از حیاتی ترین شریان های زندگی مردم نیز در نشانه هدف تجاوز دشمن قرار داشت. با این حال، در میدان عمل روایت دیگری رقم خورد؛ روایت آمادگی، انسجام و مسئولیت پذیری کارکنان صنعت گاز که از پالایشگاه ها و مراکز عملیاتی تا اتاق های مدیریت بحران اجازه ندادند جریان گاز در کشور متوقف شود. سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، در گفت وگویی اختصاصی با خبرنگار «مشعل» از روزهایی می گوید که همزمان با وقوع ده ها حادثه و حمله به برخی تأسیسات گازی، شبکه گاز کشور پایدار ماند؛ روزهایی که تعهد کارکنان، مدیریت یکپارچه و همراهی مردم، مهم ترین سرمایه صنعت نفت و گاز در عبور از شرایط جنگی بود. مشروح این گفت وگویی اختصاصی را در ادامه می خوانید.

**🔥 با توجه به شرایط ویژه جنگ تحمیلی سوم (جنگ رمضان)، صنعت نفت، به‌ویژه شرکت ملی گاز ایران، مسئولیت سنگینی در تأمین پایدار انرژی کشور به عهده داشت؛ بفرمایید در این مجموعه چه اقدام‌هایی انجام شد تا پایداری شبکه تولید و توزیع گاز حفظ شود؟**

در ابتدا از همه همکاران "مشعل" که در بازتاب تلاش‌های کارکنان صنعت نفت و گاز نقش آفرین هستند، تشکر می‌کنم.

در خصوص پاسخ به سوال شما درباره مسئولیت سنگین شرکت ملی گاز ایران برای تأمین انرژی به ویژه در جنگ رمضان؛ در این دوران اتفاقاتی رخ داد و همکاران بنده از ابتدای زنجیره تولید انتقال، توزیع تا بخش‌های پشتیبانی و مدیریت بحران، زحماتی کشیدند که در این گفت‌وگوی محدود قابل ارائه نیست. اگر بخواهیم عملکرد شرکت ملی گاز ایران را ارزیابی کنیم، بهتر است این ارزیابی فارغ از سنج‌ها و معیارهای مختلف به ذی‌نفعان و افرادی واگذار شود که از خدمات شرکت ملی گاز ایران بهره‌مند می‌شوند.

در جنگ رمضان بیش از یک هزار و ۵۴۲ مورد حادثه مربوط به تاسیسات گاز به صورت منفک، رخ داد که تمام این حوادث توسط امدادگران و همکاران بنده در میدان مدیریت شد.

علاوه بر آن یک حادثه بسیار عظیم و به نوعی غیرقابل پیش‌بینی اتفاق افتاد؛ از این لحاظ که هم‌زمان ظرفیت تولید و فرآوری چهار پالایشگاه گاز کشور بالغ بر ۲۳۰ میلیون مترمکعب گاز که در ابتدا بیش از ۳۲۰ میلیون ظرفیت تولید و فرآوری گاز تحت تأثیر قرار گرفت.

اینها مؤید این هستند که شبکه گاز، با وجود همه این مشکلات، پایدار ماند و هیچ مصرف‌کننده‌ای قطع گاز را تجربه نکرد؛ نیروگاه‌ها به بهترین نحو ممکن از گاز برای تأمین برق بهره‌مند شدند و صنایع نیز تا حدی که در سرویس باشند، هیچ‌گونه محدودیتی نداشتند.

همچنین در بخش صادرات، بخش‌های عملیاتی و همه مصرف‌کنندگان خانگی، تجاری و صنعتی نیز از پایداری ۱۰۰ درصدی برخوردار بودند. این موضوع مؤید آن است که به لطف خدا هیچ‌یک از اتفاقات و حوادث جنگی در صنعت نفت و گاز که پس از صنعت هسته‌ای خطرناک‌ترین صنعت دنیاست، به حادثه‌ای منجر نشد که مدیریت آن برای همکاران دشوار باشد. اگر قرار باشد عملکرد شرکت ملی گاز ایران را مورد ارزیابی قرار دهیم، می‌توانم این موضوع را به قضاوت همه مصرف‌کنندگان واگذار کنم. یک اتفاق بزرگ دیگر نیز در ۲۷ اسفندماه سال گذشته رخ داد. ساعت ۲:۰۶ دقیقه بامداد، دشمن آمریکایی-صهیونی با شلیک ۲۶ پرتابه، به عسلویه حمله کرد و در مدت کمتر از سه دقیقه آن ظرفیت فرآوری گاز از دست رفت و آسیب‌هایی هم به بار آورد که بررسی تبعات و پیامدهای آن، همچنین بازگردانی، بازسازی، آواربرداری و ارزیابی خسارات وارده، نیازمند صرف زمان و انجام بررسی‌های دقیق بود.





**دشمن در پی فروپاشی توزیع انرژی بود، امری که به همت کارکنان صنعت گاز محقق نشد. بفرمایید چه میزان از مدیریت بحران حاصل آمادگی های قبلی و چه میزان حاصل تصمیم گیری در شرایط جنگ بود؟**

با توجه به سناریوهایی که تعریف شده، پیش بینی هایی نیز انجام شده بود. شرایط حداکثری را در نظر گرفته بودیم و برای تک تک این موارد، سناریوهایی تدوین و تمرین شده بود. برخی از این سناریوها در قالب انجام مانورهای مختلف، آزمایش و نقاط ضعف آن بررسی شده بود. با این حال، حتی با وجود انجام همه این اقدام ها، جنگ شرایطی را رقم می زند که ابعاد آن قابل پیش بینی نیست و برخی عوامل و متغیرها، خارج از چارچوب پیش بینی های معمول قرار می گیرد. در چنین شرایطی، آنچه نقش تعیین کننده دارد، تخصص، تعهد، حضور مؤثر در صحنه و دانش انباشته و تجربه ارزشمند همکاران است؛ ظرفیت هایی که کمک می کنند تصمیم های لازم با دقت، درست و به موقع اتخاذ و اجرا شوند. بر اساس بررسی هایی که تاکنون انجام داده ام حادثه های بالین وسعت و با این میزان از آسیب و از دست رفتن گاز در پالایشگاه های دنیا ندیده ام؛ می توانم بگویم این بزرگترین حادثه ای بوده که تاکنون اتفاق افتاده است؛ اما حداقل با تجربه ۲۹ ساله خود می توانم اذعان کنم که کم نقص ترین مدیریت بحران برای بازگردانی آرامش و پایداری در شبکه گاز کشور رقم خورده است.



**همکاران در ستاد بحران به دلیل شرایط خاصی که وجود داشت، به مدت ۴۲ روز خانواده هایشان را ندیدند حتی زمانی که به برخی از آنها گفته می شد می توانند در بعضی از روزها مرخصی بگیرند و به خانواده خود سر بزنند، تمایلی به این کار نداشتند**

**مهم ترین تهدید در دوران جنگ برای شبکه گاز کشور چه بود؟ آیا حملات به تأسیسات گازی را پیش بینی می کردید؟**

تصور نمی کردم دشمن تا این اندازه «نامرد» باشد و چنین حملاتی را در پالایشگاه ها انجام دهد. دلیل این تصور هم آن بود که تولید و تأمین گاز کشور ماهیت نظامی ندارد و به طور مستقیم با زندگی روزمره مردم در ارتباط است. در کشور ما ضرب نفوذ گاز بسیار بالاست و عموم مردم از این خدمت بهره مند هستند. همچنین

اما یک نکته حساس وجود داشت؛ اینکه شبکه گاز کشور همانند شبکه خون رسانی در یک سیستم زنده، عمل می کند. اگر رگ های این سیستم دچار آسیب شوند، با بهره گیری از مکانیزم های مقطعی، محلی و بعضاً از طریق برخی مدیریت های شبکه، امکان مدیریت و کنترل بحران وجود خواهد داشت. اما اگر منبع اصلی و قلب این شبکه مورد آسیب قرار گیرد، مدیریت شرایط به سادگی امکان پذیر نخواهد بود؛ زیرا به دلیل پیچیدگی اتصالات، ارتباطات و شبکه خطوط، کنترل و مدیریت چنین وضعیتی با دشواری های بیشتری همراه است. با این حال، به لطف خدا و با آمادگی کامل، کمتر از دو دقیقه پس از وقوع حادثه، جلسه ستاد بحران به صورت ویدئو کنفرانس تشکیل شد و تمام استان ها به شبکه ارتباطی متصل شدند. همکاران بنده در پالایشگاه ها نیز اقدام هایی را که در جریان جنگ ۱۲ روزه مورد توافق قرار گرفته بود و برای پیش بینی شرایط احتمالی آینده، مدیریت بحران و واکنش در شرایط اضطراری ضروری تشخیص داده شده بود، به اجرا درآوردند و به لطف خدا، مدیریت حادثه، کنترل شبکه و جلوگیری از فروپاشی آن بدون هیچ گونه آسیب جانی با موفقیت انجام شد. همکاران بنده در ستاد بحران و مرکز راهبری شبکه گاز وقتی بر شبکه مسلط شدند و یک مدیریت یکپارچه اتفاق افتاد تحت هیچ شرایطی اجازه داده نشد که مصرف کنندگان حساس و عمده تحت تأثیر قرار گیرند. اگر پایداری شبکه حفظ شد، این موفقیت مرمون سه عامل اصلی بود: نخست، آمادگی پیش از وقوع حوادث؛ دوم، آمادگی و واکنش مؤثر در حین وقوع حوادث سوم، مدیریت یکپارچه ای که از نخستین روزهای جنگ در وزارت نفت برقرار بود. در این چارچوب، نشست های مدیریت بحران و شورای معاونان از همان روزهای ابتدایی، به صورت روزانه و بدون وقفه، به ریاست وزیر نفت برگزار می شد. این نشست ها، سیاست ها و راهبردهای لازم برای مقابله با شرایط جنگی را تبیین و ابلاغ می کرد. همچنین، در چارچوب همین سیاست ها، جلسات متعددی در حوزه مدیریت بحران در شرکت ملی گاز ایران برگزار شد. به لطف خدا، همکاران بنده با تمام توان در میدان حضور داشتند و در سراسر کشور اجازه ندادند که گاز به یک بحران یا حادثه ثانویه تبدیل و موجب تأثیرگذاری بر زندگی و آسایش مردم شریف ایران شود.

گاز با نیروگاه ها نیز ارتباط مستقیم دارد و به عنوان خوراک نیروگاه ها برای تولید برق نیز مورد استفاده قرار می گیرد و با توجه به حجم بالای استفاده از برق در کشور، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از آنجا که رفتار دشمن ما غیر قابل پیش بینی بود، از این رو حوادث خاصی را تجربه کردیم؛ اما یک نکته را می توانم عرض کنم؛ اینکه به لطف خدا، همه این تهدیدها فرصت هایی را ایجاد کرد و امیدوارم بتوانیم از آنها به درستی استفاده کنیم. برای مثال، در جریان جنگ ۱۲ روزه، دو واحد از پالایشگاه کنگان و یک فاز از پالایشگاه پارس جنوبی، مورد آسیب قرار گرفتند؛ در حالی که سیستم های گاز در تمام این مراکز فعال بودند. تک تک این حوادث موجب شد نیروهای ما آبدیده تر، زنده تر و آماده تر شوند و شناخت بیشتری از ضعف ها پیدا کنند و تسلطشان بر حوزه ها بیشتر شود. در حوزه گاز نیز همین شرایط وجود دارد، یعنی از آنجا که گاز به خودی خود یک منبع خطر است، پرتابه نیز با توجه به ماهیت و چاشنی جنگی خود، یک منبع خطر دیگر محسوب می شود و زمانی که این دو عامل خطر با هم برخورد کنند، نوعی «سینرژی (هم افزایی) منفی» ایجاد و این شرایط به تخریب و آسیب بیشتر منجر می شود.

**در دوران جنگ، تعهد و مسئولیت پذیری کارکنان صنعت گاز بیش از هر زمان دیگری نمود پیدا کرد. ارزیابی شما از عملکرد همکاران تان چیست و این همدلی و انسجام چگونه شکل گرفت؟**

شاید اگر قبل از جنگ در ارتباط با هماهنگی، همگرایی، هم افزایی و یکپارچه بودن همکاران پرسیده می شد، آنقدر مطمئن صحبت نمی کردم. اما اکنون می توانم بگویم که همکاران من، با هر انگیزه، به این جمع بندی رسیده اند که دو موضوع باید مد نظر قرار گیرد. نخست اینکه به دلیل ارتباط با مشتریان و افرادی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم به گاز وابسته اند، تحت هیچ شرایطی نباید اجازه دهیم خدمات رسانی تحت تأثیر قرار گیرد. مردم خود با دشواری ها و مشکلات ناشی از جنگ مواجه هستند، از این رو نباید اجازه دهیم بار دیگری بر دوش آنان تحمیل شود، به خصوص که موضوع گاز باشد. مطلب دوم این است که بیش از دو هزار جلسه ستاد بحران در شرکت های زیرمجموعه شرکت ملی گاز ایران برگزار شد و ۱۷ ستاد مدیریت بحران مرکزی تشکیل شد؛ البته بجز نشست ستاد هایی که به صورت مقطعی تشکیل جلسه می شد. در تمام این نشست ها، آنچه مدنظر قرار داشت این بود که هدف مشترک و احساس مشترک را در میان نیروهای ارزشمند خود برای تحقق دوهدف اصلی، همسو کنیم. نخستین هدف این بود که هیچ گونه خدشه ای در خدمات شرکت ملی گاز ایران و روند خدمت رسانی به مردم و مشتریان ایجاد نشود هدف دوم اینکه حداقل آسیب را از این اتفاقات متحمل شویم. به هر حال، هیچ کس نمی تواند ادعا کند که جنگ بدون خسارت است؛ اما طرف برنده، طرفی است که خردمندانه، عاقلانه و دقیق عمل می کند و کمترین میزان آسیب را متحمل می شود.

**آیا نمونه ای از فداکاری ها و ایثار کارکنان صنعت گاز در روزهای جنگ سراغ دارید که**



## بخواهید با مخاطبان ماهنامه "مشعل" در میان بگذارید؟

نمونه‌های فداکاری بسیار زیاد است، اما در برخی موارد که توسط دوستان به تصویر کشیده شده بود از دیدن آنها، شخصا احساس خرسندی و رضایت می‌کردم. من بارها در جلسات تأکید کرده‌ام که خداوند چه اندازه به بنده و خانواده‌ام لطف و محبت داشته است که کارمند شرکت ملی گاز ایران شده‌ام و اکنون نیز همچنان به این موضوع اعتقاد دارم. کمتر کسی این فرصت را پیدا می‌کند در جایگاهی قرار گیرد که مشتریان، جامعه هدف یا افرادی که از خدمات و زحمات او بهره‌مند می‌شوند، تا این اندازه گسترده باشد. به لطف خدا، این اتفاق هم برای بنده و هم برای همکارانم حاصل شده است و معتقدم همکارانم در صنعت گاز اتفاقات و دستاوردهای متعددی را رقم زده‌اند. به عنوان مثال برای پالایشگاه هادر شرایط جنگی، وظایفی وجود دارد و اولویت اول این است که به فکر حفظ سلامت و آسیب ندیدن افراد باشید و اولویت‌های بعدی نیز این است که اگر کسی آسیب دید یا دچار مشکل شد، به او کمک کنید. در جنگ رمضان ستاریوهای تمرین شده، بسیار کارآمد بود. از این جهت که همکاران مشاهده می‌کردند دشمن آمریکایی-صهیونی در حال هدف قرار دادن پالایشگاه است و می‌دانستند که پالایشگاه‌های دیگر نیز مورد حمله قرار می‌گیرند، اما با وجود این در صحنه و میدان ماندند و اجازه ندادند که حجم و گستردگی حوادث افزایش پیدا کند. در شرکت ملی گاز ایران نخستین اقدام این است که بتوانیم مسیر را ایزوله و سایت را ترک کنیم زیرا سایت‌های گازی، به ویژه پالایشگاه‌ها، دارای گاز ترش هستند؛ اصطلاحاً گازی که از آن به عنوان «گاز دو تنفس» یاد می‌شود. به این معنا که در صورت مواجهه با آن، فرد ممکن است حتی پس از یک چرخه تنفس، یعنی دم و بازدم، شانس زنده ماندن نداشته باشد. مراکزی که به صورت هدفمند مورد آسیب قرار گرفته بودند، از جمله نقاطی بودند که در صورت نشت گاز و بروز حادثه، می‌توانستند، پیامدهای جدی به همراه داشته باشند و افراد را تحت تأثیر قرار دهند. من فداکاری‌های همکارانم را بسیار دیده‌ام. برخی از همکاران در خود ستاد بحران به دلیل شرایط خاصی که وجود داشت، به مدت ۴۲ روز خانواده‌هایشان را ندیدند. حتی زمانی که به برخی از آنها گفته می‌شد می‌توانند در بعضی از روزها مرخصی بگیرند و به خانواده خود سر بزنند، تمایلی به این کار نداشتند. برخی از همکاران می‌گفتند که اگر جنگ پیش از این نیز ادامه پیدا کند، حاضرند در محل مأموریت بمانند و به کار ادامه دهند. افرادی که مانده بودند، با تمام وجود در صحنه حضور داشتند. گاهی ممکن است تصور شود که فردی به دلیل شرایط، اجبار، نگرانی یا حتی از دست دادن موقعیت خود در محل می‌ماند، اما در این مورد چنین نبود. این افراد مانده بودند و با عشق و باور در صحنه حضور داشتند. آنان معتقد بودند که اگر انسان با دل، عشق و باور کار کند، می‌تواند به لطف خدا از همه این مشکلات به بهترین نحو ممکن عبور کند.

**🔴 چه توصیفی از عملکرد شرکت ملی گاز ایران در دوران جنگ دارید و چه تعبیری برای آن به کار می‌برید؟**

در باره عملکرد شرکت ملی گاز ایران شاید اگر این موضوع را مطرح کنم، برداشت چنین باشد که قصد صحبت درباره خودم را دارم اما از طرفی دیگر و از آنجا که خود نیز جزئی از این مجموعه هستم، نمی‌توانم به آن اشاره نکنم. در برخی مواقع، تعداد حوادث هم‌زمان، به قدری زیاد بود که حتی فرصت نمی‌کردم از همه آنها گزارش‌گیری کنم. برای مثال، در تهران تعداد زیادی حادثه به صورت هم‌زمان رخ داده بود و در همان زمان، برخی استان‌های دیگر نیز حوادث مشابهی داشتند. همه اینها از جمله اتفاقات خاصی بود که در شرایط عادی شاید بتوان بخشی از آنها را با یک توالی زمانی استاندارد، مدیریت کرد، اما زمانی که تعداد حوادث افزایش می‌یابد و اخبار و رویدادها نیز به اشکال مختلف بایکدیگر همپوشانی پیدا می‌کنند، شرایط مدیریت بحران به مراتب پیچیده‌تر می‌شود. اگر چه تعداد حوادث در کشور زیاد بود، هماهنگی‌ها هم به همان اندازه زیبا و دقیق بود. یعنی من ندیدم که مشکلی از این جهت وجود داشته باشد، چون آرایش نیرو، تجهیزات و استعداد نیروی انسانی فقط برای گذر از شرایط عادی نیست. وقتی حوادث پشت سر هم اتفاق می‌افتد، حتی اگر همه جامعه پیرامونی هم برای کمک بیایند، باز هم نیاز به هماهنگی و مدیریت یکپارچه است تا از گسترش آن جلوگیری شود. منظور از گسترش پیدا نکردن حوادث این است که آسیب وارد شده در همان محدوده باقی بماند و موجب ایجاد حادثه ثانویه نشود.

**🔴 در روزهای جنگ رمضان هر کس در هر جایگاهی از شنیدن اخبار متاثر می‌شد و هر خبر می‌توانست بر روحیه افراد تأثیر بگذارد، در آن زمان حفظ روحیه و روحیه دادن به افراد نقش مهمی داشت. چه چیزی به شما انگیزه می‌داد تا با قدرت شرایط را مدیریت کنید؟**

اگر بخواهم در ارتباط با زمانی که حادثه و جنگ اتفاق افتاد، نظر دهم، در این ظرف زمان و مکان، از ظرفیت تجربه شده خودم صحبت می‌کنم. اما اعتقاد من این است که وقتی مشکلی وجود دارد، خداوند به لطف خود، متناسب با آن، ظرفیت تحمل، مدیریت و برخورد با آن را نیز به انسان می‌دهد. برای مثال در جلسات روزانه‌ای که با وزیر نفت داشتیم شخص وزیر به ما انرژی می‌داد. همکاران هم پای کار بودند و به ما انرژی می‌دادند. حتی همکارانی که یا بازنشسته و یا از شرکت رفته بودند، اعلام آمادگی کردند. من در آن مقطع به مدیران عامل استان‌ها، مدیران مناطق و مدیران بالایشگاه‌ها گفتیم فهرستی از همکاران بازنشسته‌ای که اعلام آمادگی کرده‌اند

تهیه و ظرفیت‌های آنها را نیز بررسی کنند تا اگر، خدای نکرده، شرایط جنگی سخت‌تر شد، بتوان از این ظرفیت استفاده کرد. علت اینکه انسان‌ها در مقابل برخی مشکلات می‌توانند، به لطف خدا، مدیریت مناسبی داشته باشند، اتفاقاتی است که در آن زمان خاص به وجود می‌آید. همان طور که جنگ یک انرژی تخریبی ایجاد می‌کند، به همان اندازه نیز به نظر من نوعی انرژی در انسان‌ها آزاد می‌شود و معتقدم که وقتی انسان اتکا و باور به خداوند داشته باشد و بداند که این اتفاقی که در حال رخ دادن است، با لطف خدا، تدابیر اندیشیده شده، عقلانیت، خردمندی و ظرفیت‌های موجود قابل مدیریت است، همه این موارد به او امید می‌دهد. اگر بخواهم جمع‌بندی کنم، لطف خدا، حمایت مردم و پشتوانه مردمی، درک بی‌ظنیر مردم از شرایط سخت و خطیر، همکاران خوب و بی‌ظنیر، خانواده‌های همکاران، مدیریت مناسب وزارت نفت و شخص آقای وزیر و همه مجموعه‌های مرتبط باعث

شد کار جلو برود. همچنین این باور که ما وظیفه و رسالتی داریم که مقدس است و نباید اجازه دهیم خدماتی که به مردم ارائه می‌کنیم دچار خدشه شود. همه این موارد در کنار هم مؤثر بودند. این موضوع برای ما جنبه‌ای مقدس پیدا کرده بود که اجازه ندهیم خدمات‌رسانی به مردم آسیب ببیند. با تمام وجود آمده بودیم و با تمام توان حضور داشتیم. من واقعا کسی را ندیدم که همکاری نکند؛ همه آمده بودند و پای کار ماندند.

**🔴 شما از نخستین مدیران ارشدی بودید که پس از حمله به تأسیسات عسلویه در محل حاضر شدید. حس شما در مواجهه با آن صحنه‌ها چگونه بود؟**

واقعیت این است که من معمولاً وقتی احساسی داشته باشم، خیلی نمی‌توانم آن را پنهان یا کتمان کنم و اعتقاد هم دارم که نباید این کار را انجام دهم. وقتی برای اولین بار دیدم پس از اصابت به محل رفتم، واقعا نمی‌توانستم با خودم کنار بیایم؛ زیرا هیچ‌گاه تصور نمی‌کردم روزی برای بازدید از این تأسیسات بیایم و این حجم از خرابی و آسیب را مشاهده کنم. این موضوع شبیه فردی است که اثری را خلق می‌کند و برای خلق آن اثر، بخش زیادی از منابع و انرژی خود را صرف می‌کند؛ چه انرژی



زمانی، چه انرژی فکری و چه بسیاری از منابع دیگر؛ منابع زمانی، مالی و انسانی. طبیعی است که پس از آن، نوعی علقه و تعلق خاطر نسبت به آن اثر پیدا می‌کند. بعد از همه این اتفاقات، موضوع دیگری که ذهن من را درگیر می‌کرد، تبعات و پیامدهای آن بود. این تبعات و پیامدها در نهایت متوجه مردم است؛ متوجه تأمین منابع کشور و متوجه مملکت است، از این روز همان ثانیه‌های اول، درست مانند تجربه جنگ ۱۲ روزه، به فکر بازگردانی و بازسازی بودیم. الحمدلله یکی از پالایشگاه‌ها از دو پالایشگاهی که در اختیار ما ست، کامل آوار برداری شده است. بعضا فرایندهای جابه‌جایی و اصلاح آنها هم شروع شده. از سوی دیگر اجرای دو پروژه که در تعهدات این شرکت است از تعهدات برنامه‌ای جلوتر هستند. با توجه به خسارت‌های وارد شده حداقل دو سال زمان خواهد برد تا به ظرفیت قبل برسیم.

**🔥 در پایان، اگر بخواهید پیامی برای مردم و مشترکان گاز کشور داشته باشید، چه می‌گویید؟**  
با توجه به اتفاقاتی که افتاد، ما به عنوان خادمین مردم، شاهد بودیم که همه ارکان وزارت نفت، تمام تلاش خود را کردند تا در زمان جنگ، حداقل محدودیت‌ها، آسیب‌ها و پیامدهای ناگوار متوجه مردم نشود؛ اما اکنون یک خواهش دارم. همان‌طور که با همراهی یکدیگر، نقشه‌ها، برنامه‌ها، انتظارات، تفکرات و تخیلاتی را که دشمن در سراسرت، خنثی کردیم؛ چه مردمی که در میدان بودند و چه نیروهای نظامی که واقعا گل کاشتند، مردانه ایستادند و باعث افتخار، غرور و سربلندی شدند؛ امروز نیز با بهینه مصرف کردن، ارزش انرژی را بدانیم و اگر می‌خواهیم نقشی ایفا کنیم و سهمی در پیشرفت کشور داشته باشیم، همین روش‌های بسیار ساده می‌تواند مؤثر باشد. برای مثال، هر فردی می‌تواند متولی شود و بخشی از مصرف خود را



**همه ارکان وزارت نفت، تمام تلاش خود را کردند تا در زمان جنگ، حداقل محدودیت‌ها، آسیب‌ها و پیامدهای ناگوار متوجه مردم نشود**

مدیریت کند. من فکر می‌کنم بتوانیم از ظرفیت خانم‌ها نیز استفاده کنیم؛ خانم‌های خانه‌داری که مدیریت خانه را به عهده دارند. معتقدم که آنها می‌توانند بابه‌کارگیری راهکارهای ساده که بارها مطرح شده است، روش‌هایی را شکل دهند و آداب و رفتارهایی را در خانه‌ها ترویج و تکرار کنند که منجر به کاهش مصرف انرژی شود. کاهش مصرف انرژی، به موفقیت ما کمک می‌کند. اعتقاد دارم که شاید ریشه اصلی این جنگ، موضوع انرژی باشد و تنها راه‌های مقابله با آن، ناکام گذاشتن دشمن در رسیدن به اهدافش در حوزه انرژی است. بنابراین نباید اجازه دهیم دشمن از همان ابزاری که برای رسیدن به اهداف خود در نظر گرفته بود، به نتیجه برسد. راه این است که برای انرژی و حامل‌های آن اهمیت و ارزش قائل شویم و بتوانیم آنها را به بهترین شکل ممکن، بهینه و صحیح مصرف کنیم.



🔥 از نگاه شما «امدادگاز» چه مسئولیت‌ها و نقش‌هایی به عهده دارد؛ تفاوت آن با دیگر نیروهای امدادی در چیست؟

امدادگاز یعنی ورود به نقطه‌ای که حادثه به طور کامل شکل نگرفته است، اما اگر چند دقیقه دیرتر برسیم، می‌تواند به فاجعه‌ای بد و بزرگ تبدیل شود. کار ما مهار نشستی‌ها، کنترل فوران‌ها و قطع جریان گاز در کوتاه‌ترین زمان ممکن است؛ جایی که ثانیه‌ها تعیین‌کننده‌اند. در بسیاری از حادثه‌ها، زمانی که جریان گاز را ایمن سازی نکنیم، هیچ تیم دیگری وارد عملیات نمی‌شود، حتی آتش‌نشانی. چون خطر انفجار یا گسترش حادثه آنقدر بالاست که ابتدا باید شبکه گاز کنترل شود و همین باعث می‌شود امدادگاز در اولین حلقه ایمنی در صحنه حادثه باشد.

🔥 از تجربه‌های خود در شرایط بحران و حضور در دو جنگ اخیر، یعنی جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان بگویید.

هیچ وقت فکر نمی‌کردم چیزی را که فقط در فیلم‌ها و کتاب‌ها دیده و خوانده بودم، از نزدیک تجربه کنم. جنگ یک مفهوم دور بود، اما ناگهان به واقعیت زندگی‌مان تبدیل شد. با اینکه برای حوادث گاز آموزش دیده بودیم و با انفجار و فوران و آسیب خطوط آشنا بودیم، اما قرار گرفتن در شرایط جنگی و بمباران چیزی کاملاً متفاوت بود؛ چیزی که هیچ آموزشی نمی‌تواند کامل برایش آماده‌ات کند. در همان ساعات اولیه جنگ ۱۲ روزه، نیمه‌شب صدای انفجار آمد. اول فکر کردم رعد و برق است، اما خیلی زود فهمیدم حمله شده. همان شب خودمان را به محل رساندیم. از پنج صبح درگیر عملیات بودیم. محدوده وسیعی از تهران زیر پوشش منطقه ۶ گازسانی است؛ از چمران و محلاتی گرفته تا ونک، پاسداران، درکه و حتی تجریش. در همه این نقاط باید سریع می‌رسیدیم و شبکه گاز را ایمن می‌کردیم. در یکی از همین مأموریت‌ها در تجریش، نزدیک محل‌هایی که اصابت رخ داده بود، خط لوله اصلی گاز درست کنار خط لوله آب قرار داشت. اگر آن خط آسیب می‌دید، یک بحران بزرگ‌تر شکل می‌گرفت. در همان روزها بارها بین چند نقطه مختلف جابه‌جا شدیم. در جنگ رمضان که شرایط سنگین‌تر هم شد، بلافاصله بعد از اعلام حادثه به محل اعزام شدیم. هنوز پنج دقیقه از حادثه نگذشته بود که رسیدیم. دو ایستگاه گاز کنار هم بودند و باید سریع از سرویس خارج می‌شدند تا از گسترش خطر جلوگیری شود. آنجا شرایط اجازه نمی‌داد تعداد زیادی وارد شوند، فقط من و یک نفر از نیروهای حفاظتی وارد شدیم. لحظه‌ای که نزدیک ایستگاه بودیم، صدای جنگنده آمد. هنوز فرصت نکرده بودیم واکنش نشان بدهیم که موج انفجار ما را چند متر پرت کرد و من به دیوار خوردم. برای چند لحظه فقط سینه‌خیز حرکت می‌کردیم تا خودمان را از محل خارج کنیم. بعد از بیرون آمدن، دوباره شرایط ناپایدار شد و چند لحظه بعد جنگنده دیگری آمد. در آن درگیری، همکارم ترکش خورد و مجروح شد. بعد از آرام شدن موقت شرایط، برگشتم و عملیات را کامل و ایستگاه را از سرویس خارج کردم. همان روزها گوش‌هایم تا مدت‌ها سوت می‌کشید و بدنم کاملاً تحت فشار موج انفجار بود؛ لباس و صورتم پراز گرد



امدادگران گاز ثانیه‌های سخت را  
تا پای جان ایستادگی می‌کنند

# خطر و خدمت



**مشعل |** در دل روزهایی که پایتخت، زیر آتش سنگین‌ترین تهدیدها قرار گرفت و مردم شهر نفس خود را با هر آژیر و انفجار در سینه‌هایشان حبس می‌کردند، این امدادگران گاز بودند که در سکوت میدان، زودتر از همه پا به قلب حادثه می‌گذاشتند؛ درست همان لحظه‌ای که هنوز هیچ نیروی امدادی، اجازه نزدیک شدن نداشت و کوچک‌ترین جرقه می‌توانست شهر را به آتش بکشد. مردانی کم حرف اما آشنا با پیچ‌وخم شبکه‌های زیرزمینی، با نقشه‌هایی که از پیش در ذهنشان حک شده بود و با وظیفه‌ای که ثانیه‌ها برایشان حکم مرگ و زندگی داشت؛ کسانی که با مهار گاز، پیش از آن‌که فاجعه شکل بگیرد، نبض ایمنی شهر را دوباره به جریان می‌انداختند. جواد مجاور اردستانی، یکی از همین چهره‌هاست؛ امدادگری با ۱۰ سال تجربه در واحد امداد و حوادث شرکت ملی گاز ایران در منطقه ۶ استان تهران. سال‌هایی که میان فوران لوله‌ها، آسیب خطوط اصلی، آماده‌باش‌های نفسگیر و عملیاتی که مرز میان مرگ و زندگی را جابه‌جا می‌کند، او را به چهره‌ای قابل اتکا در خط مقدم امنیت گاز کشور تبدیل کرده است.

گفت‌وگوی خبرنگار «مشعل» با این امدادگر گاز، روایتی است از لحظه‌های بی‌پناهی و ایستادگی؛ از جنگ دوازده‌روزه تا جنگ رمضان. از عملیات نفسگیر تا تصمیم‌های چندثانیه‌ای که جان هزاران نفر را حفظ کرد. روایت از زبان مردی که سختی‌های جنگ را تا پای جان ایستادگی کرده، اما همچنان ایستاده است تا به هموطنان خود خدمت کند.

و غبار و دود شده بود.

**🔥 در شرایط جنگی یا بحران گسترده چه پروتکل‌ها و دستورعمل‌هایی برای حضور تیم‌های امداد گاز تعریف شده است و چگونه اجرایی شود؟**

در چنین شرایطی همه چیز بر پایه آموزش‌های قبلی و شناخت دقیق شبکه گاز پیش می‌رود. ما از قبل نقشه‌ها و موقعیت شیرهای اصلی را می‌شناسیم تا بتوانیم در کوتاه‌ترین زمان جریان گاز را قطع یا کنترل کنیم. این شناخت سبب می‌شود در لحظه بحران سردرگم نشویم و دقیق بدانیم از کجا باید وارد عمل شویم. در جنگ اخیر تنها چیزی که نسبت به شرایط عادی تغییر کرد، نحوه اعزام بود. ابتدا بلافاصله بعد از اعلام حادثه حرکت می‌کردیم، اما بعد از تکرار حملات، با فاصله زمانی و با احتیاط بیشتری اعزام می‌شدیم تا از موج انفجارهای بعدی در امان بمانیم. باقی عملیات‌ها بر اساس آموزش‌ها و تجربه‌های قبلی انجام می‌شد.

**🔥 با توجه به خطرهای بالقوه در عملیات‌ها، حفظ آرامش نکته‌ای کلیدی و مهم است. در چنین شرایطی این موضوع را چگونه مدیریت می‌کنید؟**

در چنین شرایطی هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید ترس یا استرس وجود ندارد. ترس هست، اما مسئله این است که چطور آن را مدیریت کنی و اجازه ندهی جلوی کارت را بگیرد. برای من و خیلی از همکارانم، ساده‌ترین راه این است که ذهنمان را روی هدف اصلی متمرکز کنیم؛ اینکه داریم برای جلوگیری از یک حادثه بزرگ‌تر و برای حفظ جان مردم وارد میدان می‌شویم. گاهی با گفتن ذکر و نفس عمیق، گاهی با چند لحظه مکث و حتی با یک لیوان آب خوردن سعی می‌کنم خودم را کنترل کنم، اما چیزی که بیش از همه کمک می‌کند، همین حس مسئولیت است. اینکه اگر مانرسیم، ممکن است یک انفجار یا حادثه بزرگ‌تر رخ دهد. همین نگاه سبب می‌شود سریع‌تر جمع و جور شویم و دوباره برگردیم به عملیات.

**🔥 برای رویارویی با اینگونه بحران‌ها به خصوص با توجه به دو جنگ اخیر چه پروتکل‌هایی پیش‌بینی شده است؟**

بعد از جنگ ۱۲ روزه، ارزیابی‌های دقیقی انجام شد. یکی از مهم‌ترین کارها، به روزرسانی نقشه‌ها و شناسایی دوباره موقعیت شیرهای گاز در سطح شهر بود. به همکاران تاکید شد که دوباره به صورت میدانی این نقاط را بررسی کنند تا هیچ خطای احتمالی در زمان بحران وجود نداشته باشد. در کنار آن، دوره‌های آموزشی تکمیلی هم برگزار شد؛ از جمله آموزش‌های هلال احمر تا بتوانیم در صورت نیاز، علاوه بر مأموریت‌های گاز، در کمک‌های اولیه هم مؤثر باشیم.

**🔥 در جریان عملیات‌های جنگی آیا شما یا همکارانتان دچار آسیب یا مصدومیت شدید؟**

در چند مورد آسیب‌هایی وجود داشت. خود من در یکی از عملیات‌ها بر اثر موج انفجار دچار مشکل شدم؛ گوشم برای مدتی طولانی دچار سوت‌کشیدن شد و تا حدود یک ماه ادامه داشت. بعد از آن هم برای بررسی پزشکی معرفی شدم. در همان عملیات‌ها هم‌زمان در چند نقطه درگیر بودیم؛ چند ایستگاه مهم در یک بازه زمانی کوتاه هدف قرار گرفته

بود و ما مجبور بودیم سریع بین آنها جابه‌جا شویم. با این حال، توفقی در کار اتفاق نیفتاد. در برخی موارد دیگر هم همکارانم دچار ترکش یا آسیب‌های جسمی شدند، اما چیزی که برای همه ما مشترک بود این بود که هیچ‌کس کار را رها نمی‌کرد. حتی بعضی‌ها بعد از آسیب دیدگی، بدون اینکه منتظر دستور بمانند، دوباره به محل مأموریت برمی‌گشتند. این صحنه‌ها برای من یادآور همان چیزهایی بود که پیش‌تر فقط در فیلم‌ها و روایت‌های دفاع مقدس دیده بودیم؛ اینکه نیروها بعد از مجروحیت دوباره برمی‌گرددند به خط. اینجا اما واقعی بود.

**🔥 از نظر ایمنی و تجهیزات فردی، آبیلباس‌ها و ابزارهای امداد گاز پاسخگوی شرایط سخت عملیات هستند؟**

تجهیزات ما باید متناسب با نوع مأموریت باشد. در امداد گاز، سرعت عمل اهمیت حیاتی دارد، بنابراین لباس‌ها نباید سنگین یا دست‌وپاگیر باشند. لباس‌هایی که استفاده می‌کنیم، معمولاً سبک هستند، اما در عین حال از جنس‌هایی انتخاب شده‌اند که در برابر جرقه و شعله مقاوم باشند. علاوه بر لباس، کلاه ایمنی و سایر تجهیزات فردی هم به شکلی طراحی شده‌اند که هم ایمنی را تأمین کنند و هم سرعت عمل را کاهش ندهند. چون در بعضی از حوادث، چند دقیقه تأخیر می‌تواند باعث انفجار شود. حتی یک نشستی کوچک در فضای بسته اگر چند دقیقه کنترل نشود، به یک حادثه بزرگ تبدیل می‌شود. برای ما مهم‌ترین اصل این است که بتوانیم سریع وارد شویم، محل را ایمن‌سازی و از گسترش خطر جلوگیری کنیم. در واقع تمام تجهیزات در خدمت همین هدف هستند؛ حفظ جان مردم در کوتاه‌ترین زمان ممکن.

**🔥 در دوران جنگ و مأموریت‌های پرخطر، واکنش خانواده به حضورتان در خط مقدم امداد چه بود؟**

در آن روزها نگرانی برای خانواده طبیعی بود. همسرم بیشترین همراهی را با من داشت و درک می‌کرد که در چه شرایطی قرار داریم. خیلی از اطرافیان هم مدام توصیه می‌کردند که این کار را کنار بگذارم، اما واقعیت این است که در چنین موقعیتی نمی‌شود کنار کشید. همیشه با خودم و خانواده‌ام این را مرور می‌کردم که اگر ما نرویم، چه کسی باید برود؟ ما آموزش دیده‌ایم، مسئولیت داریم و برای همین روزها در این جایگاه هستیم. همان‌طور که یک نیروی نظامی پای مأموریتش می‌ایستد، ما هم باید پای کار خودمان بایستیم تا از جان مردم محافظت شود و از یک حادثه بزرگ‌تر جلوگیری کنیم.

**🔥 چه احساسی به شغل امدادگری گاز دارید و چه عاملی سبب شده است که در این مسیر باقی بمانید؟**

برای من این شغل فقط یک کار نیست؛ یک مسئولیت جدی در برابر مردم و کشور است. با تمام سختی‌ها و خطرهایی که دارد، هیچ وقت سبب نشده از آن پشیمان شوم. برعکس، هر بار که یک حادثه را با موفقیت کنترل می‌کنیم، حس می‌کنم در جای درستی هستم. بزرگ‌ترین انگیزه‌ام واکنش مردم است. وقتی در صحنه حادثه با ترس به ما نگاه می‌کنند و فقط می‌خواهند هرچه سریع‌تر مشکل حل شود، و بعد از کنترل شرایط با آرامش و تشکر همراهی

می‌کنند، این برای من ارزش زیادی دارد. همین حس کافی است که ادامه بدهم.

**🔥 در جریان دو جنگ اخیر، همکاری میان امداد گاز و دیگر بخش‌های امداد رسان مانند آتش‌نشانی، هلال احمر و نیروی انتظامی چگونه بود؟**

در این حوادث، همکاری بین همه نهادها هماهنگ و بر اساس وظایف مشخص انجام می‌شد. نقش ما در امداد گاز این بود که در اولین مرحله وارد شویم و شبکه گاز را ایمن کنیم. تا زمانی که گاز مهار نشود، امکان فعالیت کامل برای سایر نیروها وجود ندارد. آتش‌نشانی در مواردی که امکانش بود، وارد عملیات می‌شد و در کنار ما کمک می‌کرد، اما در شرایطی که نشستی شدید یا شکستگی خطوط وجود داشت، اولویت با ما بود. بعد از ایمن‌سازی اولیه، هلال احمر و سایر تیم‌ها وارد مراحل بعدی امداد رسانی و آوار برداری می‌شدند. نیروی انتظامی هم وظیفه کنترل محیط و جلوگیری از ورود افراد غیرمسئول را به عهده داشت تا عملیات بدون مزاحمت و با امنیت انجام شود.

**🔥 مهم‌ترین درس آموخته یا دستاورد عملیاتی این دو جنگ برای ارتقای امنیت شبکه گاز کشور چه بود؟**

مهم‌ترین دستاورد برای من در این تجربه‌ها، چیزی فراتر از مسائل فنی بود؛ قبل از هر چیز، همبستگی و هماهنگی بین همکاران بود که خودش رادرسخت‌ترین شرایط نشان داد. وقتی در چندین نقطه هم‌زمان حادثه رخ می‌دهد، این انسجام تیمی است که اجازه نمی‌دهد کار روی زمین بماند. از نظر فنی هم نقاط ضعف شبکه گاز شهری بهتر شناسایی و همین سبب

شد برای اصلاح و به‌روزرسانی آنها اقدام شود. بعد از جنگ، بازبینی نقشه‌ها و موقعیت شیرهای گاز جدی‌تر شد و نیروها موظف شدند به صورت میدانی این نقاط را دوباره بررسی کنند تا در بحران‌های بعدی، سرعت عمل بالاتر برود. نکته مهم دیگر، تجربه حضور میدانی مسئولان در کنار نیروها بود. در یکی از این دوره‌ها، حضور سرپرستی که خودش در میدان حاضر می‌شد، باعث دلگرمی و افزایش انگیزه نیروها بود. این همراهی مستقیم، تأثیر زیادی در روحیه تیم داشت و باعث می‌شد کار با اطمینان بیشتری پیش برود.

**🔥 اگر پیام یا توصیه‌ای برای مردم، همکاران و خانواده‌ها دارید، بیان بفرمایید؟**

برای من مهم‌ترین حرف، قدردانی از همه همکارانم در واحد امداد و حوادث گاز است؛ کسانی که در این مدت با تمام توان و حتی فراتر از وظیفه رسمی‌شان پای کار بودند. در بسیاری از عملیات‌ها، نیروها حتی خارج از شیفت کاری و به صورت داوطلبانه حضور پیدا می‌کردند تا بار عملیات سبک‌تر شود و کار سریع‌تر پیش برود.



در بسیاری از عملیات‌ها، نیروها حتی خارج از شیفت کاری و به صورت داوطلبانه حضور پیدا می‌کردند تا بار عملیات سبک‌تر شود و کار سریع‌تر پیش برود.

امدادگرانی که برای نجات شهر به دل خطر رفتند

# گام های استوار



**مشعل** | در روزهایی که آسمان تهران با صدای انفجار شکافته می شد و خیابان ها میان دود و آوار گم می شدند، گروهی با لباس هایی که ترکیبی از دو رنگ آبی و زرد است، مصمم، بی درنگ به دل خطر می زدند؛ مردانی که نامشان کمتر شنیده شد، اما حضورشان زندگی بخش بود و بسیاری را از خطر و آسیب های ناشی از انفجار نجات داد. در جنگ ۱۲ روزه، هنگامی که ایستگاه های گاز یکی پس از دیگری در خطر بودند و علمک ها به واسطه انفجار موشک های دشمن زیر آوار مدفون می شدند، آنها پیش از نیروهای آتش نشان و هلال احمر می رسیدند؛ بی آنکه بدانند چند ثانیه بعد ممکن است انفجاری رخ دهد و جان به جان آفرین تسلیم کنند. در جنگ رمضان هم همین دلوران بودند که با سرعتی برق آسا شیرهای گاز را می بستند تا از فاجعه های بزرگ پیشگیری کنند. این روایت، حکایت خط شکنانی است که ایستادگی شان کمتر دیده شد؛ امدادگران گاز، با عنوان سازمانی امداد و حوادث شرکت ملی گاز ایران که هر بار میان آتش و دود ایستادند تا شهر زخمی تر نشود. در میان این چهره ها، بهزاد روزبهانی یکی از همان مردانی است که روایت او، روایت یک نسل فداکار است؛ نسلی که در سکوت، حماسه ساخت.

حساس ترین لحظات بر دوش نیروهای امداد و حوادث قرار گرفت؛ مسئولیتی که با وجود خطر، خستگی و شرایط پیش بینی ناپذیر، لحظه ای متوقف نشد. او با تأکید می گوید: همین احساس تعهد بود که باعث می شد تیم ها بدون تردید وارد میدان شوند، در دل حادثه بمانند و اجازه ندهند بحران از کنترل خارج شود.

## آزمون در آتش

با آغاز جنگ ۱۲ روزه، آنچه سال ها در قالب آموزش و سناریوهای فرضی تمرین شده بود، در یک لحظه به واقعیتی سخت و بی رحم تبدیل شد. روزبهانی روایت می کند که نخستین روز بحران با غافلگیری کامل آغاز شد؛ شرایطی که حتی نیروهای خارج از شیفت رانیز به سرعت وارد میدان کرد. او خود در زمان استراحت بود، اما با شنیدن خبر حوادث متعدد در منطقه، بی درنگ به محل حادثه مراجعه کرد؛ جایی که چندین نقطه از منطقه ۴ گازرسانی که شامل منطقه دو و پنج شهرداری تهران بوده است، هم زمان دچار اصابت و خسارت شده بود.

در همان ساعات ابتدایی، یک ایستگاه گاز در اثر ریزش ساختمان دچار حریق شد. شرایط به گونه ای بود که مسیرهای دسترسی دشوار، حجم تخریب گسترده و حضور هم زمان نیروهای امدادی، عملیات را پیچیده تر کرده بود. با این حال، امدادگران گاز در میان همین آشوب، مأموریت اصلی خود را فراموش نکردند؛ جلوگیری از گسترش فاجعه.

روزبهانی از لحظاتی می گوید که تصمیم ها باید در چند ثانیه گرفته می شد. نقشه شبکه باز شد، مسیر شیرهای اصلی شناسایی شد و هماهنگی میان

جنگ های اخیر (۱۲ روزه و رمضان) سخن می گوید، تصویری از روزهایی را پیش چشم می گذارد که بخشی از مدیریت بحران بر دوش نیروهای امداد و حوادث گاز بود؛ روزهایی که کشور زیر فشار حملات قرار داشت و هر اختلال کوچک در شبکه گاز می توانست به بحرانی گسترده تر تبدیل شود. او با آرامشی که در لحنش موج می زند، توضیح می دهد که در همان ساعات و روزهای پرتنش، نیروهای عملیاتی باید با دقت، سرعت و هماهنگی کامل عمل می کردند تا جریان گاز در هیچ نقطه ای متوقف نشود و زنجیره بحران گسترده تر نشود.

در نگاه او، مأموریت امداد گاز فراتر از یک وظیفه روزمره است؛ مأموریتی که در آن هر تصمیم در چند ثانیه گرفته می شود و هر انتخاب می تواند سرنوشت یک شهر را تغییر دهد. روزبهانی از همکاری یاد می کند که در دل همین شرایط سخت، هر کدام نقش خود را با دقت و مسئولیت پذیری ایفا کردند و با تکیه بر تجربه، مهارت فنی و کار تیمی، عملیات را به نتیجه مطلوب رساندند.

او تأکید می کند که کنترل شرایط در چنین بحران هایی، تنها با آمادگی دائمی ممکن است؛ آمادگی ای که نتیجه سال ها کار میدانی، آموزش و تجربه عملی است. نیروهایی که باید در هر ساعت از شبانه روز آماده اعزام باشند، نقشه شبکه را بشناسند، توان عیب یابی سریع داشته باشند و در کوتاه ترین زمان ممکن تصمیم درست بگیرند. همین آمادگی بود که سبب می شد عملیات ها در سخت ترین شرایط نیز بدون توقف پیش برود.

برای روزبهانی، آن روزها فقط روایت فشار و سختی نیست، بلکه روایت مسئولیتی سنگین است که در

در دل همان شب هایی که شهر با صدای انفجار از خواب می پرید، امدادگران گاز در سکوتی سنگین آماده می شدند؛ وقتی پیام حادثه روی صفحه نمایشگر مرکز امداد ظاهر می شد، زمان برایشان معنای دیگری پیدا می کرد؛ ثانیه هایی که باید میان آتش، خرابی و احتمال انفجار تصمیم می گرفتند. آنها می دانستند رسیدن چند لحظه زودتر می تواند خانه ای را نجات دهد و دیر رسیدن می تواند بخشی از شهر را به خاکستر تبدیل کند. با این همه، هیچ وقت عقب ننشستند. چهره هایشان خاک آلود می شد، نفسشان در دود سنگین گیر می کرد، اما قدم هایشان لرزش نداشت. در جنگ و بحران، آنها فقط به شیرهای گاز فکر نمی کردند؛ به مردم در خانه ها فکر می کردند. همین ایمان بود که تیم های امداد گاز را در سخت ترین ساعات جنگ به نیرویی بی بدیل تبدیل کرد؛ نیرویی که ایستاد تا شهر بایستد.

## با اقتدار در دل بحران ها

بهزاد روزبهانی وقتی از مأموریت های حساس



تیم‌ها شکل گرفت. در میان دود، حرارت و ازدحام، تیم‌های امداد موفق شدند جریان گاز را در دو نقطه حیاتی قطع کنند؛ اقدامی که به گفته او، مانع از تبدیل یک حادثه محدود به انفجاری گسترده شد. فشار جسمی و روحی در این عملیات به اوج رسید. ازدحام جمعیت، گرمای آتش و سرعت بالای عملیات باعث شد برخی نیروها دچار افت فشار و مشکلات تنفسی شوند و حتی یکی از امدادگران نیاز به اکسیژن پیدا کند. با این حال، عملیات تا مهار کامل خطر ادامه یافت و هیچ وقفه‌ای در کار ایجاد نشد. در دل همین صحنه‌های تلخ و آوار و کشتار، امدادگران گاز با وجود مشاهده صحنه‌های دلخراش، برای حفظ روحیه مردم و جلوگیری از تشدید اضطراب، آرامش خود را حفظ می‌کردند؛ اما پس از بازگشت به اداره، فشار روانی و اندوه حوادث را با خود حمل می‌کردند و برای لحظاتی طولانی عمیقاً متأثر می‌شدند.

روزبهانی تأکید می‌کند که در این جنگ، مهم‌ترین عامل موفقیت، هماهنگی لحظه‌ای و سرعت واکنش نیروها بود؛ عاملی که اجازه نداد بحران از کنترل خارج شود، حتی در شرایطی که شهر هم‌زمان با چندین حادثه سنگین درگیر بود.

### نبرد با خطر پنهان زیر آوارها

اگر جنگ ۱۲ روزه آزمون غافلگیری بود، جنگ رمضان آزمون دقت و واکنش در برابر خطر پنهان محسوب می‌شد. روزبهانی از حادثه‌ای در محدوده گیشا می‌گوید؛ ساعتی در حوالی صبح که منطقه هنوز در سکوت بود اما ناگهان با اصابت، آرامش آن فرو ریخت. در این حادثه، علمک گاز زیر آوار مدفون شده بود و خطر اصلی، نشت پنهان و نامرئی گاز در زیر زمین بود.

در چنین شرایطی، هر ثانیه می‌توانست به انفجار ثانویه منجر شود. تیم‌های امداد گاز بدون اتلاف وقت وارد محل شدند و با باز کردن نقشه شبکه، مسیرهای اصلی را شناسایی کردند. تصمیمی حیاتی گرفته شد: قطع فوری جریان گاز از شیر کوچه

بلوچستان؛ اقدامی که در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام شد و از وقوع حادثه‌ای بزرگ‌تر جلوگیری کرد. روزبهانی تأکید می‌کند که در این عملیات، خطر تنها در سطح زمین نبود، بلکه در زیر آوار و در شبکه پنهان جریان داشت. همین موضوع، مأموریت را به یکی از حساس‌ترین عملیات‌ها تبدیل کرده بود. با این حال، تجربه به دست آمده از جنگ ۱۲ روزه، سرعت تصمیم‌گیری و انسجام تیمی را به سطح بالاتری رسانده بود. پس از مهار اولیه، تیم‌های تعمیراتی وارد عمل شدند تا علمک آسیب‌دیده را ترمیم کنند و جریان گاز را به تدریج به مشتریان بازگردانند. در کمتر از دو ساعت، هم خطر رفع شد و هم شبکه به حالت عادی بازگشت؛ نشانه‌ای از آمادگی کامل و عملکرد منسجم نیروهای عملیاتی. تجهیزات و لباس‌های امدادگران گاز نیز کاملاً تخصصی و به‌روز طراحی شده‌اند؛ از لباس‌های مقاوم و ضد الکتریسیته ساکن با جنس کتان گرفته تا کلاه ایمنی، کفش‌های استاندارد، دستگاه‌های گازسنج و تجهیزات تنفسی که همگی متناسب با شرایط سخت عملیاتی انتخاب و به‌طور مستمر به‌روزرسانی می‌شوند.

روزبهانی این عملیات را نمونه‌ای از بلوغ امداد گاز در شرایط بحران می‌داند؛ جایی که تجربه، آموزش و بازنگری در ساختار عملیاتی، به شکل مستقیم در نتیجه میدان اثر گذاشت.

### دانش، سرعت و هماهنگی

پس از تجربه سنگین در جنگ ۱۲ روزه و همچنین جنگ رمضان، ساختار امداد گاز وارد مرحله‌ای تازه شد؛ مرحله‌ای که در آن تنها تجهیزات ارتقا نیافت، بلکه نگاه به مدیریت بحران نیز بازتعریف شد. روزبهانی از افزایش اکیپ‌های امدادی، تعریف خودروهای اضطراری، به‌روزرسانی نقشه‌های شبکه و آماده‌سازی دائمی تجهیزات سخن می‌گوید؛ اقدام‌هایی که نتیجه مستقیم تجربه میدان بود.

در کنار این تغییرات، آموزش‌های تخصصی و مدیریت استرس نیز تقویت شد تا نیروها بتوانند در دل

بحران‌های پیچیده، تمرکز خود را حفظ کنند. اما به گفته روزبهانی، پشت تمام این آمادگی‌ها، یک واقعیت همواره وجود دارد: که آن هم خانواده است. او از خانواده‌هایی می‌گوید که در سکوت و نگرانی، هر بار فرزندان‌شان را به مأموریت بدرقه می‌کنند. خانواده‌هایی که شاید در صحنه حضور ندارند، اما در پس هر عملیات، نقش پشتیبان اصلی را دارند. خودش نیز از نگرانی خانواده‌اش در روزهای بحران یاد می‌کند؛ زمانی که او در دل حادثه بود و آنان با اضطراب اخبار را دنبال می‌کردند. در سطح عملیاتی، همکاری میان نهادها و سایر امدادگران نیز به اوج رسید. آتش‌نشانی، هلال احمر، شهرداری و سایر نیروهای خدماتی در کنار امدادگران گاز، شبکه‌ای هماهنگ تشکیل دادند؛ شبکه‌ای که در آن سرعت عمل و هماهنگی، تعیین‌کننده نتیجه عملیات بود. روزبهانی در کنار تمام این مأموریت‌ها تأکید می‌کند که به کار خود عشق می‌ورزد و شغل امداد گاز را تنها یک وظیفه نمی‌داند، بلکه یک تعهد و علاقه عمیق به خدمت به مردم می‌بیند. او پیام خود را نیز کوتاه بیان می‌کند: اطمینان می‌دهم به



در نگاه او مأموریت امداد گاز فراتر از یک وظیفه روزمره است؛ مأموریتی که در آن هر تصمیم در چند ثانیه گرفته می‌شود و هر انتخاب می‌تواند سرنوشت یک شهر را تغییر دهد

مردم که نیروهای امداد گاز همیشه پای کار هستند و برای حفظ امنیت و آرامش جامعه از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند و توصیه‌اش به همکاران و خانواده‌ها، حفظ همدلی، صبوری و توکل در این مسیر است. روزبهانی امداد و حوادث گاز را «سنگر خاموش شهر» می‌نامد؛ امدادگرانی که دیده نمی‌شوند، اما حضورشان مرز میان حادثه و فاجعه را تعیین می‌کند. او تأکید می‌کند تجربه این دو جنگ نشان داد که در دل بحران، سه عامل دانش، سرعت و هماهنگی است که می‌تواند یک شهر را از فروپاشی نجات دهد.

تلاش کارکنان شرکت گاز استان تهران در جنگ های ۱۲ روزه و رمضان، پایداری شبکه رارقم زد

# بشت خاکریز خدمت



**مشعل |** جنگ رمضان برای شرکت گاز استان تهران تنها یک آزمون عملیاتی نبود؛ محک بزرگی بود که میزان آمادگی، تاب آوری سازمانی و توان خدمت رسانی در شرایط بحرانی را به نمایش گذاشت. در روزهایی که تهران با حوادث متعدد و شرایطی کم سابقه روبه رو شده بود، شبکه گسترده گازرسانی پایتخت بدون قطع گسترده گاز به فعالیت خود ادامه داد و نیروهای عملیاتی در خط مقدم خدمت ایستادند. علیرضا اعوانی، مدیرعامل شرکت گاز استان تهران در گفت و گو با ماهنامه «مشعل»، از تجربه مدیریت بحران، نقش سرمایه انسانی، درس آموخته های جنگ و اقدام هایی می گوید که به حفظ پایداری شبکه و آرامش مشترکان در سخت ترین روزها کمک کرد.

گاهی ارزش یک سازمان نه در روزهای عادی بلکه در لحظه هایی سنجیده می شود که سرعت تصمیم گیری و دقت عمل به عاملی تعیین کننده تبدیل می شود. شرکت گاز استان تهران در روزهای پرلتهاب جنگ رمضان با مجموعه ای از چالش ها و موضوع ها روبه رو بود؛ شرایطی که عبور از آن به آمادگی پیشین، هماهنگی گسترده و حضور میدانی نیروها وابسته بود. علیرضا اعوانی، مدیرعامل شرکت گاز استان تهران، از تجربه ها چالش ها و درس آموخته های آن روزها روایت می کند.

## حفظ پایداری شبکه گاز

جنگ رمضان برای شرکت گاز استان تهران تنها یک بحران عملیاتی نبود؛ آزمونی بود برای سنجش میزان آمادگی، تاب آوری و انسجام مجموعه ای که مسئولیت تأمین گاز بیش از ۱۶ میلیون نفر و حدود ۴ میلیون و ۱۰۰ هزار مشترک را به عهده دارد؛ آزمونی که به گفته علیرضا اعوانی، مدیرعامل شرکت گاز استان تهران، بسیاری از ظرفیت های پنهان سازمان را آشکار کرد و تجربه هایی کم نظیر را برای آینده به

همراه داشت.

اعوانی با اشاره به تفاوت میان جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان می گوید: مهم ترین مزیت شرکت گاز استان تهران در دور دوم، استفاده از تجربه های پیشین بود. به گفته او، یک هفته پیش از آغاز جنگ رمضان و با احتمال وقوع درگیری، جلسه مدیریت بحران تشکیل و ۳۲ مصوبه برای شرایط احتمالی جنگ تدوین شد. همین آمادگی سبب شد مجموعه در نخستین ساعات آغاز بحران، بدون آشفتگی و با برنامه مشخص وارد عمل شود.

## نیروی انسانی متعهد

مدیرعامل شرکت گاز استان تهران بزرگ ترین دستاورد این دوره رانه تجهیزات و امکانات، بلکه نیروی انسانی متعهد می داند و تأکید می کند: همکاران شرکت در شرایطی سخت و همزمان با اوج مصرف زمستانی، سطحی از تعهد، انگیزه و مسئولیت پذیری را به نمایش گذاشتند که برای مجموعه به یک سرمایه ارزشمند تبدیل شد.

به گفته وی، کارکنان عملیاتی و امدادی در بسیاری از روزها ۱۶ تا ۱۸ ساعت به صورت مستمر در میدان حضور داشتند تا کوچک ترین خللی در خدمت رسانی به مردم ایجاد نشود.

اعوانی با اشاره به گستردگی تأسیسات گازرسانی تهران یادآور می شود: حدود ۲۰ درصد تأسیسات گاز کشور در استان تهران قرار دارد و حفظ پایداری شبکه در چنین شرایطی نیازمند برنامه ریزی دقیق و هماهنگی گسترده بود.

او می گوید: با وجود همه تهدیدها، حتی یک قطع گسترده گاز در استان تهران رخ نداد و تمام حوادث در کوتاه ترین زمان ممکن مدیریت شد.

به گفته وی، پیش از آغاز جنگ، آموزش و توجیه



گروه های امدادی، آماده سازی مرکز ۱۹۴، تعیین گروه های معین برای مناطق پرخطر، تجهیز امدادگران به موتورسیکلت، آماده باش نیروهای ایمنی و برنامه ریزی برای اعزام نیروهای پشتیبان، از جمله مهم ترین اقدامات انجام شده بود. همزمان بخشی از زیرساخت های حساس از جمله مراکز پاسخگویی، سامانه های ارتباطی و تجهیزات راهبردی به نقاط امن منتقل شد تا در صورت بروز آسیب، روند خدمت رسانی متوقف نشود.

## مقابله با حملات سایبری

مدیرعامل شرکت گاز استان تهران همچنین از تمهیدات ویژه برای مقابله با حملات سایبری، ذخیره سازی سوخت اضطراری، ایجاد مراکز جایگزین مدیریت بحران در ورامین و شهریار، توزیع مدیران در نقاط مختلف استان و برگزاری نشست های مدیریت بحران یاد می کند؛ اقدام هایی که به گفته او برای نخستین بار در این ابعاد اجرا شد و نتایج مطلوبی به همراه داشت. وی در بخش دیگری از سخنان خود به دو حادثه حساس و سرنوشت ساز اشاره می کند. نخست، حادثه انبار نفت شهران که به دلیل مجاورت خطوط گاز با مسیر جریان سوخت های مشتعل، خطر گسترش بحران را به همراه داشت. دوم



**جنگ رمضان برای شرکت گاز استان تهران تنها یک بحران عملیاتی نبود؛ آزمونی بود برای سنجش میزان آمادگی، تاب آوری و انسجام مجموعه ای که مسئولیت تأمین گاز بیش از ۱۶ میلیون نفر و حدود ۴ میلیون و ۱۰۰ هزار مشترک را به عهده دارد**

# سنگرهای روشن



زندگی مردم وابسته به این انرژی است. شجاع به اقدام‌های عملیاتی در مدیریت شبکه پرداخت و گفت: پایش لحظه‌ای ایستگاه‌ها، مدیریت فشار شبکه و آماده‌سازی سناریوهای قطع اضطراری، از جمله اقدام‌هایی بوده که پیش از وقوع بحران طراحی شده بود.

وی با بیان اینکه در برخی موارد محل اصابت حملات موجب قطع موقت گاز در محدوده‌های محدود شده است، افزود: تیم‌های عملیاتی بلافاصله در محل حاضر شده و با انجام تعمیرات اضطراری در همان روز جریان گاز را دوباره برقرار کرده‌اند. هدف این بود که هیچ حادثه‌ای به روز بعد کشیده نشود. مدیر بهره‌برداری شرکت گاز استان تهران همچنین به نقش سامانه‌های پایش و ارتباطی پرداخت و گفت: اگرچه مرکز دیسپچینگ ملی و سامانه‌های پایش، نقش مهمی در اطلاع‌رسانی دارند، اما در این بحران نقش اصلی به عهده نیروهای میدانی و هماهنگی با مرکز مدیریت بحران شهری بوده است.

او افزود: یکی از نقاط قوت این دوره، حضور هماهنگ پیمانکاران و نیروهای پشتیبان بود که با وجود شرایط دشوار، بسیاری از آنها در صحنه باقی ماندند و تجهیزات و نیروی انسانی خود را در اختیار عملیات قرار دادند. وی همچنین بر اهمیت نیروی انسانی تأکید و اظهار کرد: مهم‌ترین عامل موفقیت ما نیروهای ایثارگر و متخصصی بودند که در سخت‌ترین شرایط در صحنه ماندند و اجازه ندادند خدمت‌رسانی متوقف شود.

در روزهایی که جنگ رمضان تهران را در وضعیت بحرانی قرار داده بود، شبکه گاز استان تهران، یکی از سخت‌ترین آزمون‌های خود را پشت سر گذاشت. اسماعیل شجاع، مدیر بهره‌برداری شرکت گاز استان تهران با اشاره به حضور میدانی نیروهای عملیاتی تأکید کرد که امدادگران و تیم‌های بهره‌برداری در خط مقدم بحران با وجود خطرهای مستقیم حملات، با مدیریت لحظه‌ای و هماهنگی دقیق اجازه ندادند جریان گازرسانی به مردم متوقف شود و پایداری شبکه به عنوان یک دستاورد مهم ثبت شد.

شجاع به تشریح تجربه مدیریت شبکه گاز در شرایط ویژه و جنگ پرداخت و با اشاره به گستردگی شبکه و نقش نیروهای عملیاتی بر اهمیت آمادگی مستمر، هماهنگی بین واحدها و اجرای سناریوهای بحران تأکید کرد. وی با اشاره به شرایط ویژه جنگ رمضان و تجربه نیروهای جوان در این دوره گفت: بسیاری از همکاران امداد و تعمیرات تجربه مستقیم جنگ نداشتند و نخستین رویارویی جدی آنان با شرایط حملات و فضای اضطراب‌آور شهری در همین دوره رقم خورد. شجاع افزود: در حالی که از پیش برای انواع بحران‌ها از جمله حوادث صنعتی و طبیعی برنامه‌ریزی شده بود، اما سناریوی جنگ به صورت مستقیم در تمرین‌ها پیش‌بینی نشده بود.

او ادامه داد: در همان ساعات ابتدایی بحران و با حضور مدیریت ارشد شرکت ملی گاز ایران، ستاد مدیریت بحران تشکیل و با تقسیم وظایف و واگذاری اختیارات به مناطق مختلف، روند تصمیم‌گیری سریع‌تر شد. وی افزود: از قبل سناریوهایی را تمرین کرده بودیم و همین موضوع سبب شد در لحظات اولیه دچار سردرگمی نشویم. مدیر بهره‌برداری شرکت گاز استان تهران مهم‌ترین دغدغه در روزهای جنگ را مدیریت همزمان دو مأموریت اساسی یعنی استمرار گازرسانی و کنترل حوادث عنوان کرد و گفت: در بهره‌برداری نمی‌توان گفت چون حادثه رخ داده است، جریان گاز را متوقف می‌کنیم، زیرا



حادثه دانشگاه صنعتی شریف که در پی آسیب به ایستگاه تقلیل فشار، گاز با فشار بالا در منطقه منتشر شد و هر لحظه احتمال وقوع انفجاری گسترده وجود داشت.

به گفته اعوانی، مدیریت سریع نیروهای امدادی و همکاری دستگاه‌های مسئول، مانع از تبدیل این حوادث به بحران‌های بزرگ‌تر شد.

## ثبت ۴۹۵ حادثه در تهران

او با اشاره به آمار ۶۰۵ حادثه ثبت شده در طول جنگ می‌گوید ۴۹۵ مورد از این حوادث در شهر تهران و ۱۱۰ مورد در شهرستان‌های استان رخ داده است. با این حال در تمام موارد، گروه‌های عملیاتی توانستند شرایط را کنترل و از گسترش خسارات جلوگیری کنند.

مدیرعامل شرکت گاز استان تهران می‌گوید: نشست‌های مستمر مدیریت بحران و سیاست‌گذاری‌های به موقع، نقش مهمی در مدیریت شرایط داشت. او همچنین از همکاری استانداری، دستگاه‌های امدادی، شهرداری تهران و سایر نهاد‌های مسئول در کنترل حوادث قدردانی می‌کند.

اعوانی مهم‌ترین چالش دوران جنگ را نامشخص بودن ابعاد و دامنه تهدیدها عنوان می‌کند. به گفته او، نگرانی اصلی این بود که حملات گسترش یابد و تأسیسات اصلی گاز هدف قرار گیرند؛ موضوعی که می‌توانست سطح تاب‌آوری شبکه را با چالش جدی روبه‌رو کند. در کنار این مسئله، خستگی نیروهای عملیاتی نیز از دیگر دغدغه‌های مدیریت بحران بود.

وی معتقد است: هر ساعت از جنگ به یک درس آموخته تبدیل شد. ثبت و تحلیل تجربیات، تدوین دستورعمل‌های جدید، بازنگری در فرایندهای امدادی، ارتقای حفاظت از کارکنان و اصلاح شیوه‌های حضور در محل حادثه، از دستاوردهایی است که به گفته او آمادگی شرکت گاز استان تهران را برای رویارویی با بحران‌های احتمالی آینده افزایش داده است.

اعوانی سه دستاورد اصلی جنگ رمضان را همدلی سازمانی، مدیریت استرس و بهره‌گیری از تجربیات گذشته می‌داند و تأکید می‌کند: موفقیت شرکت گاز استان تهران حاصل تلاش جمعی کارکنانی بود که در سخت‌ترین شرایط پای کار ماندند و اجازه ندادند جریان خدمت‌رسانی به مردم متوقف شود.

مدیرعامل شرکت گاز استان تهران ضمن قدردانی از کارکنان عملیاتی و امدادی، از مشترکان نیز می‌خواهد با مصرف بهینه گاز به حفظ پایداری شبکه کمک کنند. او تأکید می‌کند: کاهش ظرفیت تولید گاز کشور پس از آسیب به برخی تأسیسات، ضرورت صرفه‌جویی را بیش از گذشته آشکار کرده است.



اینجا سامانه ۱۹۴ شرکت گاز استان تهران است جایی که عشق در خدمت به مردم معنا می شود

# قهرمانان امنیت

سختی های کار، یکی از ویژگی های این مردمان است؛ همان ها که در دل شب های سرد و روزهای سخت، نگاهبانان جان و ایمنی مردم این سرزمین هستند. عباس رزاقی، مسوول مرکز امداد و حوادث گاز استان تهران (۱۹۴) و همکاران او در این مرکز از خدمت رسانی به مردم در آن روزها می گویند.

تعهد و فداکاری هستند. مردان و زنانی آماده به خدمت در شیفت های شبانه روزی و در آماده باش کامل برای هماهنگی میان امدادگران، مناطق و مدیران ارشد. کارکنانی که همواره کنار مانیتورها و بی سیم ها گوش به زنگ هستند؛ چون امنیت مردم، در اولویت آنهاست. از همدلی و تلاش برای شاد نگه داشتن محیط کار تا جبران

در تمام لحظاتی که شهر در تسخیر سکوت یا غرق در هیاهوست، تلفن های ۱۹۴ در مرکز امداد و حوادث گاز استان تهران، همچنان زنگ می خورد. گویی قرار نیست هیچ گاه قطع شود؛ جایی که همکاران، آرامش را برای میلیون ها خانواده به ارمغان می آورند. به واقع کارکنان مرکز امداد و حوادث گاز استان تهران (۱۹۴)، نمادی از

## هفت ثانیه تا پاسخ

می شدند تا روند خدمت رسانی بدون وقفه ادامه یابد. به گفته رزاقی، مرکز امداد و حوادث گاز استان تهران توان پاسخگویی همزمان به ده ها تماس را دارد و در شرایط بحران نیز با فعال سازی سالن مدیریت بحران و بهره گیری از ظرفیت مراکز پشتیبان، خدمات را ادامه می دهد. میانگین زمان حضور نیروهای



امدادی در محل حادثه حدود ۱۴ دقیقه است؛ آماری که نشان دهنده آمادگی عملیاتی این مجموعه در یکی از بزرگ ترین شبکه های گازرسانی کشور است. وی رعایت اصول ایمنی، بویژه در شرایط بحران را از ضروری ترین موارد کمک کننده در پیشگیری از حوادث اعلام و اظهار می کند؛ لازم است مشتریان پیش از ترک منزل از بسته بودن شیر اصلی گاز اطمینان حاصل کنند و رعایت نکات ایمنی و مصرف بهینه را جدی بگیرند؛ زیرا بخش قابل توجهی از حوادث گاز ارتباطی به زيرساخت ها ندارد، بلکه به بی احتیاطی بازمی گردد.

می گوید: در سال ۱۴۰۳ بیش از ۳۵۷ هزار تماس ثبت شد که به حدود ۱۶۶ هزار عملیات امدادی انجامید. این رقم در سال ۱۴۰۴ به حدود ۳۷۴ هزار تماس و نزدیک به ۱۷۶ هزار عملیات رسید. همه مراحل از لحظه ثبت تماس تا پایان عملیات به صورت مکانیزه رصد می شود و مشتریان از طریق پیامک و نظرسنجی در جریان روند خدمت رسانی قرار می گیرند؛ فرایندی که رضایت بالای مشتریان را به همراه داشته است. وی همچنین به عملکرد مرکز ۱۹۴ در دوران جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و رمضان اشاره و تصریح می کند: دورانی که استان تهران بیشترین حجم حملات را تجربه کرد؛ اما خدمات امدادی حتی برای لحظه ای متوقف نشد. در این مدت بیش از ۳۶ هزار تماس با سامانه ۱۹۴ به ثبت رسید که حدود ۱۳ هزار عملیات امدادی رادری داشت. به گفته رزاقی، کارکنان این مرکز، حتی خارج از شیفت های کاری داوطلبانه در محل حاضر

در شهری با بیش از ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار مشترک گاز، آرامش خانه ها به شبکه ای از نیروهای امدادی و پاسخگو گره خورده است؛ شبکه ای که در مرکز امداد و حوادث گاز استان تهران (۱۹۴) به صورت شبانه روزی فعالیت می کند. عباس رزاقی، مسوول مرکز امداد و حوادث گاز استان تهران (۱۹۴) می گوید: این سامانه بر پایه سرعت، دقت و دسترسی آسان مشتریان طراحی و از سه مرکز پیام مستقل در تهران، شرق و غرب استان تشکیل شده است؛ مراکزی که افزون بر فعالیت مستقل، پشتیبان یکدیگر نیز هستند و در صورت بروز مشکل، قادرند سراسر استان تهران را پوشش دهند.

به گفته وی، تماس مشتریان بدون توجه به موقعیت جغرافیایی به نزدیک ترین مرکز پاسخگویی هدایت می شود و در صورت نیاز، عملیات از طریق سامانه یکپارچه به منطقه مربوطه ارجاع خواهد شد. میانگین زمان انتظار برای ارتباط با اپراتور تنها هفت ثانیه است و ۹۹.۲ درصد تماس ها با موفقیت پاسخ داده می شود؛ موضوعی که نقشی مهم در کاهش اضطراب مشتریان در شرایط حادثه دارد. رزاقی با اشاره به حجم گسترده خدمات این مرکز

## دل و جان در خدمت

در پس هر تماس با سامانه ۱۹۴، صدایی شنیده می‌شود که وظیفه‌اش فقط پاسخگویی نیست؛ آرام کردن اضطراب مردم و هدایت آنها در لحظات حساس نیز بخشی از مأموریت اوست. نعیمه نصیری، یکی از اپراتورهای مرکز امداد و حوادث گاز استان تهران، از همین نیروهای بی‌ادعایی است که هشت سال از عمر کاری خود را در صنعت گاز سپری کرده و امروز به یکی از چهره‌های باتجربه مرکز تبدیل شده است. او که تحصیلاتش در رشته معماری بوده، به دلیل شرایط زندگی وارد صنعت گاز شده؛ مسیری که از بازرسی منطقه ۲ آغاز شد و اکنون به شش سال فعالیت در مرکز امداد و حوادث گاز رسیده است. به گفته نصیری، مهم‌ترین جذابیت این شغل، احساس مسوولیت و تأثیر مستقیم بر امنیت و آرامش مردم است.

روزهای کاری در مرکز ۱۹۴ یکسان نیست. در روزهای عادی ده‌ها تماس ثبت می‌شود؛ اما در فصل سرما و هنگام بروز بحران‌هایی مانند قطع یا افت فشار گاز، حجم تماس‌ها به شکل قابل توجهی افزایش می‌یابد. با این حال، او و همکارانش باید در هر

شرایطی آرامش خود را حفظ کنند، حتی زمانی که دیگران در تعطیلات و کنار خانواده هستند. نصیری می‌گوید: دوری از خانواده در مناسبت‌ها و تعطیلات آسان نیست؛ اما به مرور بخشی از زندگی حرفه‌ای مامی‌شود. خانواده نیز اکنون اهمیت این مسوولیت را درک کرده‌اند و رعایت نکات ایمنی و مصرف بهینه گاز به بخشی از

فرهنگ خانوادگی متبدیل شده است. وی به یکی از خاطرات ماندگاری که مربوط به روزهای آغازین فعالیتش در مرکز بازمی‌گردد، اشاره می‌کند و می‌گوید: گزارش یک نشتی گاز، همکاران امدادی را به یک ساختمان هدایت کرد؛ ساختمانی که در آن یک انشعاب غیرمجاز و بسیار خطرناک ایجاد شده بود و اگر آن تماس جدی گرفته نمی‌شد، احتمال وقوع حادثه‌ای بزرگ وجود داشت. این اپراتور شاغل در ۱۹۴ ادامه می‌دهد: برای من، یکی از تصویرهای فراموش‌نشده‌ی کار در این مرکز، روزهای



«جنگ رمضان» است؛ زمانی که در اوج تماس‌ها و نگرانی‌های مردمی، ناگهان برق مرکز قطع شد و سالن در تاریکی فرورفت. تنها صدای دستگاه‌های پشتیبان شنیده می‌شد و اپراتورهایی که دست از کار نکشیدند. یکی از همکاران در همان تاریکی، با آرامش آدرس یک تماس‌گیرنده مضطرب را ثبت کرد و به او اطمینان داد که

گروه امدادی در راه است. چند لحظه بعد ژنراتورها وارد مدار شدند و فعالیت مرکز بدون کوچک‌ترین وقفه ادامه یافت؛ صحنه‌ای که معنای واقعی تعهد و آمادگی را به نمایش گذاشت. برای نعیمه نصیری، خدمت‌رسانی محدود به ساعات اداری یا روزهای عادی نیست. او معتقد است مسوولیت در قبال مردم زمان نمی‌شناسد و همین احساس، انگیزه اصلی ادامه مسیر است؛ مسیری که مقصد آن، ایمنی بیشتر، آرامش مردم و روزهای روشن‌تر برای جامعه است.

## مشعل داران ایمنی

در مرکز امداد و حوادث گاز استان تهران (۱۹۴)، هر تماس می‌تواند آغاز یک عملیات نجات باشد. رضاجلالی، دیگر اپراتور این مرکز، جزو افرادی است که از سال ۱۳۹۹ در خط مقدم پاسخگویی به شهروندان قرار دارد؛ حلقه‌ای مهم میان مردم، نیروهای امدادی و امنیت شبکه گازرسانی.

وظیفه او تنها پاسخ به تماس‌ها نیست. ثبت دقیق اطلاعات، آرام‌سازی تماس‌گیرندگان، تشخیص فوریت حادثه و هماهنگی برای اعزام سریع نیروهای عملیاتی، بخشی از مسوولیت‌هایی است که هر روز به عهده دارد. تماس‌هایی که از گزارش نشتی و قطع گاز تا حوادث ناشی از حفاری، آتش‌سوزی و برخورد با تأسیسات گازرسانی را در برمی‌گیرد. جلالی می‌گوید: برای کارکنان مرکز ۱۹۴، تعطیلات معنای متفاوتی دارد. در روزهایی که بسیاری از خانواده‌ها در کنار هم هستند، اپراتورها و نیروهای امدادی همچنان در محل کار حضور دارند تا در هر ساعت از شبانه‌روز پاسخگوی مردم باشند. او معتقد است خانواده‌هاش به این شرایط عادت کرده‌اند؛ هرچند دوری از آنها در مناسبت‌ها

و روزهای خاص همچنان دشوار است.

یکی از خاطرات ماندگار او به حوادث ناشی از حفاری‌های شهری بازمی‌گردد؛ زمانی که برخورد ماشین‌آلات عمرانی با خطوط گاز می‌توانست به بحران بزرگی تبدیل شود؛ اما با پاسخ‌گویی به موقع و اعزام سریع نیروهای امدادی، حادثه مهار شد. به گفته او،

مهار بسیاری از حوادثی که هرگز به تیتر اخبار تبدیل نمی‌شوند، نتیجه همین واکنش‌های سریع و هماهنگ است.

اما روزهای جنگ رمضان، روایت دیگری از تعهد کارکنان این مرکز را رقم زد. جلالی می‌گوید: سخت‌ترین بخش ماجرا، نه صدای انفجارها بود و نه حجم بالای تماس‌ها؛ بلکه نگرانی خانواده‌هایی بود که در خانه چشم‌انتظار بودند. در اوج بحران، گاهی تلفنی کوتاه‌ای از خانه می‌رسید و صدای فرزندی



که بادل تنگی می‌پرسید: «بابا کی می‌آی؟» قلب هر پدری را می‌فشرد. با این حال، کارکنان مرکز باید نگرانی خود را پنهان می‌کردند، خانواده را آرامش می‌دادند و بلافاصله به تماس بعدی پاسخ می‌گفتند. به گفته او، این تجربه کم‌وبیش میان همه همکاران مشترک بود؛ ایستادن میان دغدغه خانواده و مسوولیت حفظ آرامش یک

شهر.

جلالی باور دارد، فرهنگ ایمنی از خانه آغاز می‌شود. او همواره خانواده و اطرافیان خود را به رعایت نکات ایمنی و مصرف مسوولانه گاز توصیه می‌کند و معتقد است هر تماس به موقع می‌تواند از یک حادثه بزرگ جلوگیری کند. او و همکارانش در سکوت مرکز ۱۹۴، شبانه‌روز مشعل ایمنی را روشن نگه می‌دارند؛ نگهبانانی که آرامش مردم را وظیفه خود می‌دانند.

## قلب عملیات در بحران

برای مهدی قاجار، سوپروایزر مرکز پیام امداد و حوادث گاز استان تهران، مدیریت بحران تنها یک عنوان شغلی نیست؛ مسوولیتی است که طی ۲۱ سال فعالیت در صنعت گاز و از روزهای امدادگری تا نظارت بر عملیات سراسر استان به دست آمده است. او امروز در جایگاهی قرار دارد که باید در هر ساعت از شبانه روز، جریان اطلاعات و عملیات را میان مردم، امدادگران و مدیران ارشد هماهنگ کند. قاجار فعالیت خود را از واحدهای عملیاتی مناطق ۳ و ۴ تهران آغاز کرده و معتقد است تجربه میدانی، مهم‌ترین سرمایه برای مدیریت مرکز پیام است. به گفته او، سوپروایزر باید علاوه بر شناخت کامل از شبکه گازرسانی و مناطق مختلف استان، توان تحلیل سریع حوادث و انتقال دقیق اطلاعات را نیز داشته باشد. از نشستی و آتش سوزی گرفته تا انفجار، برخورد با خطوط گاز و بلایای طبیعی، همگی از طریق مرکز پیام رصد، مدیریت و به سطوح مختلف سازمان گزارش می‌شوند. او مرکز پیام را «قلب پهنده عملیات» می‌داند؛ جایی که در حوادث بزرگ، تمام ارتباطات، هماهنگی‌ها و

تصمیم‌گیری‌های اولیه از آنجا شکل می‌گیرد. زمانی که بسیاری از شهروندان در خواب هستند، کارکنان این مرکز وظیفه دارند تماس‌های اضطراری را دریافت، راهنمایی‌های فنی لازم را ارائه و همزمان مدیران و گروه‌های عملیاتی را در جریان جزئیات حادثه قرار دهند.



ارتباط با مدیران ارشد بود. به گفته او، ساعت‌های طولانی کار بدون وقفه و حجم بالای تماس‌ها، اهمیت آمادگی و انسجام این مجموعه را بیش از پیش نشان داد. قاجار که پدر سه فرزند است، موفقیت خود را حاصل همراهی خانواده می‌داند. او معتقد است آرامش در زندگی و محیط کار، مهم‌ترین عامل ارائه خدمات مطلوب به مردم به شمار می‌رود. به همین دلیل، بزرگ‌ترین آرزوی او برای همکاران و شهروندان، برخورداری از آرامش، سلامت و امنیت است؛ زیرا به باور او، وقتی آرامش وجود داشته باشد، خدمت‌رسانی نیز با کیفیت بیشتری انجام خواهد شد. در مرکز ۱۹۴ افرادی مانند مهدی قاجار بی‌صدا اما مؤثر، نبض عملیات را در دست دارند تا امنیت و آرامش میلیون‌ها مشترک گاز در استان تهران حفظ شود.

در میان خاطرات حرفه‌ای قاجار، حادثه شهران جایگاه ویژه‌ای دارد؛ رخدادی که به دلیل گستردگی و حساسیت، ساعت‌ها تمرکز و هماهنگی مستمر را می‌طلبد. با این حال، یکی از دشوارترین تجربه‌های او مربوط به روزهای جنگ ۱۲ روزه است؛ زمانی که اختلال در ارتباطات مخابراتی، شرایط عملیات را پیچیده‌تر کرد. در آن روزها بخشی از هماهنگی‌ها از مراکز پشتیبان انجام شد و مرکز پیام به صورت مستمر مسوول ثبت حوادث، هدایت عملیات و

## دلتنگی در خدمت تعهد

سید فرهاد باقری، یکی دیگر از اپراتورهای مرکز ۱۹۴ است که از پشت خطوط پاسخگویی این مرکز، آرامش شهر را بر آسایش شخصی خود ترجیح داده است؛ کارمندی با ۲۵ سال سابقه در صنعت گاز که پس از سال‌ها فعالیت در بخش‌های مختلف، اکنون در مرکز پیام مشغول خدمت است و شبانه‌روز پاسخگویی تماس‌های مردمی است. باقری که پیش‌تر در شرکت گاز استان اصفهان و بخش‌های اداری فعالیت می‌کرد، با ورود به مرکز پیام با فضای متفاوتی روبه‌رو شد؛ محیطی که در آن شیفت‌های شبانه، روزهای تعطیل و شرایط بحرانی، بخش جدایی‌ناپذیر از کار محسوب می‌شود. او می‌گوید: در گذشته برنامه کاری مشخصی داشت؛ اما امروز هر لحظه ممکن است نیاز به حضور و پاسخگویی وجود داشته باشد. خانواده، مهم‌ترین پشتوانه او در این مسیر است. باقری ۱۸ سال است که ازدواج کرده و پدر ۲ دختر است. به گفته او، خانواده‌اش به شرایط خاص شغلی‌اش عادت کرده‌اند؛ هرچند دوری از آنها در

تعطیلات و مناسبت‌ها آسان نیست. همین همراهی، امکان ادامه خدمت در یکی از حساس‌ترین بخش‌های صنعت گاز را برایش فراهم کرده است.



باقری می‌گوید: در مرکز ۱۹۴، روزهای آرام و پر حادثه تفاوت زیادی با یکدیگر دارند. برخی روزها ده‌ها تماس و در شرایط خاص صدها تماس ثبت می‌شود. با این حال، مهم‌ترین وظیفه اپراتورها تنها ثبت درخواست نیست؛ آنها باید پیش از هر چیز، آرامش را به تماس‌گیرندگان بازگردانند و راهنمایی‌های ایمنی لازم را ارائه دهند.

وی درباره یکی از خاطرات ماندگارش که به روزهای «جنگ رمضان» بازمی‌گردد، می‌گوید: در میان نگرانی‌ها و حملات، زنی هراسان با مرکز تماس گرفت و خبر داد که ساختمان مجاور محل سکونتش هدف حمله قرار گرفته و بوی گاز در

منطقه پیچیده است. او و همکارانش تلاش کردند ضمن آرام کردن تماس‌گیرنده، توصیه‌های ایمنی لازم را ارائه و هم‌زمان موضوع را برای پیگیری عملیاتی ثبت کنند. باقری معتقد است در شرایط بحرانی، آرامش بخشی به مردم گاهی به اندازه عملیات فنی اهمیت دارد.

او که سال‌ها تجربه فعالیت در مناطق سردسیر و عملیاتی را نیز در کارنامه خود دارد، همچون دیگر همکارانش بر رعایت اصول ایمنی تاکید دارد و ادامه می‌دهد: رعایت نکات ایمنی و مصرف بهینه گاز، مهم‌ترین توصیه‌ام به شهروندان است. به باور او، پشت هر خانه‌ای که در امنیت و آرامش از نعمت گاز بهره‌مند است، تلاش بی‌وقفه نیروهایی قرار دارد که در هر ساعت از شبانه‌روز آماده خدمت‌رسانی هستند.



## باران غیرت

ناصر حسینی

مدیرعامل شرکت گاز استان کرمانشاه

ساعت حدود ۳ بعد از ظهر ۱۱ فروردین ماه ۱۴۰۵ است؛ روزی که قرار بود بوی بهار بدهد، اما با بوی تند باروت و خاک آوار گره خورد.

انفجار که رخ داد، شهر زیر و رو شد و فهمیدم امروز کارمان سخت است. از همان روزهای اول شروع جنگ، با بچه‌های امداد و تعمیرات هم‌قسم شده بودیم که هر آسیب وارد شده به شبکه را در سریع‌ترین زمان ممکن رفع کنیم. می‌دانستیم اگر لوله‌ها آسیب ببینند، نشت گاز رخ می‌دهد و اگر به موقع برطرف نشود، فاجعه‌ای به مراتب بزرگ‌تر از خود بمباران رقم می‌خورد.

به علی امیری، رئیس واحد امداد، سپرده بودم که در چنین مواقعی با موتور بیاید دنبالم. چون خیابان‌ها مسدود می‌شد و در آن اوضاع، موتور تنها وسیله‌ای بود که می‌شد با آن از میان آوارها گذشت. امیری درست سر وقت رسید. مقصد، مکانی بود که مورد اصابت قرار گرفته بود و صدای مهیب انفجارش قلب شهر کرمانشاه را لرزاند.

باران می‌بارید و هوا سرد بود. وقتی وارد کوچه‌های نزدیک محل بمباران شدیم، صحنه‌ای دیدم که تا بید در ذهنم حک شد؛ خانم جوانی را دیدم که از وحشت انفجار، بدون اینکه فرصت کند لباس مناسبی به تن کند، از خانه بیرون زده بود. وسط آن باران و سرما، میان گل ولای، از ترس و سرما به خود می‌لرزید. صحنه‌ای که دیدنش دل هر انسانی را می‌لرزاند.

امیری ترمز کرد. بدون اینکه حتی یک لحظه تردید کند، از موتور پیاده شد و به سمت آن خانم رفت. کاپشن ضخیم خودش را از تن درآورد و با مهربانی روی شانه‌های آن زن انداخت. لحظه‌ای که زن با دست‌های لرزان لباس را دور خودش پیچید، انگار گرمای انسانیت برای چند لحظه بر سرمای جنگ غلبه کرد. دوباره سوار موتور شدیم و با سرعت به سمت کانون اصلی بمباران حرکت کردیم. در حالی که دلم گرم رفتار مردانه‌اش شده بود، پرسیدم: «امیری، توی این وضعیت چرا کاپشنش رو دادی؟». او در حالی که با مهارت آن زن را از بین آوارها بیرون می‌کشید، فقط یک جمله گفت: «دکتر، اون خانم، ناموس من بود». آن روز در محله شریعتی، ما فقط برای ایمن سازی محل و جلوگیری از انفجار گاز نیامده بودیم؛ ما آنجا بودیم تا در میانه ویرانی، یادمان بماند که وظیفه اصلی مان، فراتر از خطوط لوله و شیرهای گاز، حفاظت از جان و حرمت مردمی است که در سخت‌ترین روزها، چشم امیدشان به ماست. آن روز فهمیدم که در شرکت گاز استان کرمانشاه، چیزی فراتر از تعهد شغلی جریان دارد؛ چیزی که حتی از لوله‌های فولادی هم مستحکم‌تر است؛ واژه‌ای پر معنا و عمیق به نام غیرت.

## تا پای جان برای وطن

علی امیری

رئیس واحد امداد متمرکز شرکت گاز استان کرمانشاه

آن شب، آسمان کرمانشاه طعم باروت و آهن می‌داد. صدای انفجار که طنین انداز شد، زمین زیر پایمان لرزید، اما آنچه بیش از صدای بمب، وحشت به دل‌ها می‌انداخت، صدای ممتد نشت گاز بود؛ صدایی شبیه به یک اژدهای خفته که هر لحظه ممکن بود با جرقه‌ای، تمام منطقه را به تلی از خاکستر تبدیل کند.

منازل سازمانی جهاد کشاورزی زیر آوار مدفون شده بودند و چند علمک گاز در میان آواری از سنگ و آهن در هم شکسته بودند. نشت گاز انقدر گسترده بود که محیط به یک بمب ساعتی تبدیل شده بود. در آن تاریکی چراغ‌های گردان خودروهای امدادی هلال احمر، اورژانس و آتش‌نشانی در دوردست دیده می‌شد، اما هیچ‌کس اجازه ورود به محدوده سرخ‌راند داشت؛ ریسک انفجار به حدی بالا بود که پروتکل‌های ایمنی، قدم گذاشتن به آنجا ممنوع می‌کرد.

در همان دقایق بحرانی، ناگهان اسحاق اردلانی، یکی از همکارانم را دیدم. اسحاق آن شب شیفت نبود، اما غیرت کرمانشاهی‌اش اجازه نداده بود در خانه بماند. خودش را به من رساند. نگاهی به هم انداختیم؛ نیازی به کلام نبود. در آن لحظات که دشمن با موشک‌هایش بزداخته خانه‌های ما را هدف گرفته بود، ما نباید اجازه می‌دادیم نشت گاز فاجعه را تکمیل کند. ما ۲ نفر، به عنوان اولین نیروهای عملیاتی، وارد دهانه آتشفشان شدیم. هر لحظه انتظار می‌رفت جرقه‌ای از برخورد ۲ سنگ یا سیم‌های برق، همه چیز را تمام کند. در میان تاریکی مطلق و غباری که راه نفس را می‌بست، فقط نور ضعیف چراغ‌قوه‌هایمان بود، که مسیر را نشان می‌داد. در شرایطی که لوله‌های گاز زیر توده‌های سنگین آوار پیچ خورده بود، عملیات را آغاز کردیم. اسحاق با ایثاری بزرگ، همچون یک رزمنده خط شکن راه را باز کرد و سرانجام موفق شدیم شیر اصلی ورودی گاز به شهرک را ببندیم و چهار علمک آسیب‌دیده را مهار کنیم.

اما کارمان تمام نشده بود. حس کردیم کسی از زیر خروارها خاک ناله می‌کند. آری، زیر آن آوارها انسانی در میان مرگ و زندگی دست و پا می‌زد. در آن سیاهی مطلق، با همان چراغ‌قوه کوچک، و جب به جب خاک را گشتیم تا به پیکر نیمه‌جانی رسیدیم که زیر سنگینی آوار مدفون شده بود. با کمک سایر امدادگران که حالا با ایمن شدن محیط، جرأت ورود پیدا کرده بودند، او را از گنگال مرگ بیرون کشیدیم.

آن شب، ما فقط شیر گاز را نبستیم؛ ما جلوی یک فاجعه انسانی بزرگ را گرفتیم. اسحاق اردلانی ثابت کرد که سربازان شرکت گاز، در جنگ با متجاوزان آمریکایی - صهیونی، سلاحشان تخصص و سپرشان جانشان است. مادر آن شب بحرانی، اجازه ندادیم خانه همشهریانمان دوباره در آتش بسوزد. این نه فقط یک وظیفه کاری، بلکه روایتی از شجاعت مردانی است که در سخت‌ترین لحظات، با جانشان پای وطن می‌ایستند. ما ایستادیم تا شعله امید در دل مردم کشورمان خاموش نشود.

روایت مدیرعامل شرکت گاز استان اصفهان از مدیریت بحران و جانفشانی کارکنان در روزهای جنگ

# تاپای جان برای ایران



**مشعل** | در روزهایی که آسمان اصفهان بارها هدف حملات آمریکایی - صهیونی قرار گرفت و پس از تهران، بیشترین حجم حملات را تجربه کرد، کارکنان شرکت گاز استان اصفهان در خط مقدم خدمت‌رسانی ایستادند؛ آن هم در شرایطی که یکی از مهم‌ترین ایستگاه‌های تقلیل فشار گاز استان دو بار هدف اصابت موشک قرار گرفت. با این حال، نه جریان گاز ۱۲۰ هزار مشترک قطع شد و نه حادثه ثانویه‌ای رخ داد؛ دستاوردی که حاصل سال‌ها تجربه، برنامه‌ریزی، ارزیابی ریسک و از همه مهم‌تر، ایثار و تعهد کارکنان صنعت گاز بود. ابراهیم محسنی، مدیرعامل شرکت گاز استان اصفهان، با تشریح عملکرد این شرکت در جریان جنگ اخیر، از روزهای جنگ و خدمت‌رسانی در آن روزها می‌گوید.

در جنگ رمضان، اصفهان پس از استان تهران، بیشترین حجم حملات را تجربه کرد و در این مدت، ۱۴۵ مورد اعزام نیروهای امدادی به مناطق آسیب‌دیده انجام شد. مدیرعامل شرکت گاز استان اصفهان با اشاره به ثبت ۱۲۰ مورد اصابت در جنگ رمضان و خسارت‌های حاصل از حملات ددمنشانه رژیم آمریکایی - صهیونی گفت: گاز استان اصفهان، تنها شرکت گاز استانی بود که یکی از ایستگاه‌های تقلیل فشار آن دچار آسیب جدی شد. در مجموع ۶ ایستگاه و ناحیه‌گازی خسارت دیدند که پنج مورد خسارت‌های محدود داشتند؛ اما یکی از ایستگاه‌های مهم شهر اصفهان دو بار هدف اصابت موشک قرار گرفت. به گفته محسنی، در حمله نخست، انبار و بخشی از تأسیسات ایستگاه آسیب دید و در حمله دوم نیز انبار و ساختمان باقیمانده مورد اصابت قرار گرفت. با این وجود، تدابیر پیشگیرانه و طراحی‌های مهندسی انجام شده از قبل، مانع بروز هرگونه حادثه ثانویه شد. مدیرعامل شرکت گاز استان اصفهان در این باره توضیح داد: این ایستگاه بیش از ۱۲۰ هزار مشترک را تحت پوشش دارد و روزانه حدود ۶۵ هزار مترمکعب گاز منتقل می‌کند. اگر تمهیدات فنی لازم پیش‌بینی نشده بود، احتمال وقوع انفجارهای ثانویه و خسارتی به مراتب گسترده‌تر وجود داشت؛ اما با تدابیر انجام شده از سوی واحد مهندسی و آمادگی کامل واحدهای بهره‌برداری، نه تنها هیچ انفجار ثانویه‌ای رخ نداد؛ بلکه حتی گاز هیچ مشترکی نیز قطع نشد. وی این موفقیت را نتیجه سال‌ها تجربه‌اندوزی و آمادگی سازمانی دانست و افزود: ارزیابی‌های ریسک، زیرساخت‌های ایجاد شده و تجربیات به دست آمده از بحران‌های پیشین، بویژه جنگ ۱۲ روزه،





نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت شرایط بحرانی و حفظ پایداری شبکه گاز استان داشت.

### قهرمانان بی‌ادعای خط مقدم

محسنی در بخش دیگری از سخنان خود، نقش کارکنان را مهم‌ترین عامل موفقیت در عبور از شرایط جنگی عنوان و اظهار کرد: زیرساخت‌ها را نیروی انسانی ایجاد کرده و این رشادت‌ها نیز به دست همین کارکنان متعهد و زحمتکش رقم خورده است. وی با قدردانی از تلاش شبانه‌روزی نیروهای عملیاتی اظهار داشت: کارکنان شرکت گاز استان اصفهان، همسو با مدیران شرکت ملی گاز ایران و وزارت نفت، جانانه پای کار مردم و صنعت گاز ایستادند. بسیاری از همکاران ما در حالی به محل حادثه اعزام می‌شدند که خطر در چند قدمی آنها قرار داشت و حتی از احتمال حملات بعدی نیز آگاه بودند. مدیرعامل شرکت گاز استان اصفهان تأکید کرد: در صنعت گاز، تأخیر در حضور نیروهای امدادی می‌تواند پیامدهایی به مراتب سنگین‌تر از خود حادثه اولیه ایجاد کند. به همین دلیل همکاران ما با احساس مسئولیت و شجاعت مثال زدنی، در کوتاه‌ترین زمان ممکن در محل حاضر می‌شدند و از گسترش بحران جلوگیری می‌کردند.

### نقش راهبردی مدیران ارشد

محسنی در ادامه با قدردانی از حمایت‌ها و هدایت‌های مدیران ارشد صنعت نفت و شرکت ملی گاز ایران گفت: انگیزه و روحیه‌ای که مدیران ارشد در وزارت نفت و شرکت ملی گاز ایران ایجاد کرده‌اند، پشتوانه بزرگی برای کارکنان است. راهنمایی‌ها و تصمیم‌های بهنگام آنان، بویژه مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، مسیر مدیریت بحران را برای ما هموار کرده و این رویکرد در سراسر مجموعه جاری و ساری شده است.

وی در پایان با تقدیر از همه کارکنان صنعت نفت و گاز کشور گفت: آنچه در این روزها رقم خورد، جلوه‌ای از تعهد، تخصص و غیرت کارکنان صنعت نفت بود. من با چشم خود شاهد جان‌فشانی همکارانم در شرکت گاز استان اصفهان بودم. همه ما تا پای جان برای کشور، مردم و صنعت گاز ایران خواهیم ایستاد و از خداوند متعال توفیق خدمت‌رسانی هرچه بیشتر به ایران عزیز را خواستاریم.

## گازبان اصفهانی از انتخاب جان‌فدایی در روزهای سخت می‌گوید

# هم نشینی بابوی باروت



**مشعل** زمان، بوی باروت داد و زمین زیر قدم‌ها، ناکهان لرزید و یادگاری بر بدنش بر جای گذاشت که آتارش با گذر زمان هم رنگ نمی‌یازد. او در میانه آتش و مسئولیت، جان فدایی را انتخاب کرد و با اینکه بخشی از وجودش را در میدان حفظ وطن جا گذاشته، هنوز با امید و صلابت به دنبال ثبت لحظه‌های شیرین برای هموطنان است. نامش مجید گل افشان است، گازبان روستای حاجی آباد شهرستان نجف‌آباد اصفهان که تا ساعت ۸ شب ۱۸ فروردین ۱۴۰۵، روزهایش بانظم و مسئولیت در اداره گاز می‌گذشت، در پی حمله موشکی دشمن آمریکایی - صهیونی مسیبر آرام زندگی‌اش برای همیشه تغییر کرد؛ این گازبان مسئولیت‌پذیر در گفت‌وگو با خبرنگار «ماهانامه مشعل» از آن روز پرحادثه روایت می‌کند.

مجید گل افشان، ساکن روستای حاجی آباد از توابع شهرستان نجف‌آباد اصفهان. روایت خود از حادثه در جنگ رمضان و از دست دادن پایش را اینگونه آغاز می‌کند. ۱۸ فروردین ۱۴۰۵ ساعت حدود ۸ شب بود که دشمن آمریکایی - صهیونی به محلی در مجاورت یکی از ایستگاه‌های تقلیل فشار گاز (CGS) حمله کرد که منجر به آتش‌سوزی در روستای مجاور ایستگاه شد. حدود ساعت ۱۱ شب بود که باتلاش‌های بسیار نیروهای امدادی، آتش مهار و منطقه آرام شد. ساعت حدود ۱۲ شب برای سرکشی به سمت ایستگاه

راه افتادم تا از امنیت آنجا مطمئن حاصل کنم و خبری بگیرم. شب، چادر سیاه‌ش را پهن کرده و همه‌جا را پوشانده بود. با چراغ‌قوه دورتادور ایستگاه را وارسی و با انداختن کلید، قفل در را باز کردم و وارد شدم، اما هنوز چند قدمی نرفته بودم که دوباره صدای جنگنده دشمن آمد و طی موج دوم حمله و هر آنچه نباید، انجام شد. درد شدیدی تمام وجودم را فرا گرفت و به زمین افتادم؛ یکی از آن ترکش‌ها به بنده اصابت کرده بود و به شدت از ناحیه ران پای چپ دچار آسیب شده بودم. با اینکه درد طاقت‌فرسا بود، اما پس از فروکش کردن دود و گردوغبار ناشی از انفجار، تلاش کردم از جابلند شوم و خود را تا جایی بکشانم، اما نتوانستم. با میثم حیدری، یکی از اهالی روستا که از دوستان خوب من است، تماس گرفتم و جریان را برایش تعریف و درخواست کمک کردم، اما دیگر چیزی متوجه نشدم و بیهوش کنار او رو دود و خونی که از پایم سرازیر شده بود، افتادم. خوشبختانه با واکنش سریع حیدری و کمک‌های موسی سیف‌الدین و مهران بهارلویی که از همکاران خوب من هستند، به بیمارستان فاطمه‌الزهره نجف‌آباد منتقل شدم. چشم که باز کردم، چهره‌های گریان و نگران خانواده و دوستان و همکاران گویای مطلب بزرگی بود، طبق تشخیص پزشک، قرار بود به اتاق عمل بروم تا پای آسیب‌دیده را قطع کنند، اما با ممانعت و پافشاری شدید این کار انجام نشد و با آمبولانس به بیمارستان الزهره اصفهان منتقل و تحت اولین عمل جراحی قرار گرفتم. ۳۰ روز در این بیمارستان بستری بودم و ۹ بار تحت عمل جراحی قرار گرفتم، اما خوشبختانه پایم قطع نشد. اما به گفته پزشک معالج ۱۲ سانتیمتر از استخوان ران بر اثر اصابت ترکش از بین رفت. پس از این اتفاق، زندگی جلوه دیگری از خود به من نشان داد؛ اینکه خانواده، دوستان و همکارانی دارم که همیار و غمخوار من هستند و کشوری دارم که با وجود دست‌درازی‌ها، بدخواهی‌ها و تمامیت‌خواهی‌های دشمن تا بن دندان مسلح، با صلابت ایستاده و نمی‌گذارد خللی در آرزوی ما و خاکش به وجود آید. پس باید برای این جلوه‌های زیبای زندگی، از تلاش و کوشش دست برندارم و آباد کنم خاکی را که وطن من است.



مردان گاز استان ایلام در میان دود و آوار خوش درخشیدند

# شعله‌های روشن در خانه مرز نشینان



ساعت از نیمه‌های شب گذشته بود. نورافکن جرثقیل‌ها تاریکی دشت‌های مرزی مه‌پوش را شکافته بودند و صدای موتور ماشین‌آلات با غرش جنگنده‌هایی درهم می‌آمیخت که هنوز آسمان منطقه را ترک نکرده بودند. این در حالی بود که چند ساعت پیش، موشک دشمن یکی از مهمترین ایستگاه‌های گازرسانی منطقه را به تلی از آهن و خاک تبدیل کرده بود. ۲۴ روستای مرزی در آستانه خاموشی و قطع گاز قرار داشتند، اما در میان دود، آوار و تهدید حملات دوباره، مردانی هم ایستاده بودند که تصمیم گرفته بودند اجازه ندهند چراغ هیچ خانه‌ای خاموش شود. این روایت حماسه‌ای است که روزهای جنگ در استان ایلام رقم خورد؛ روایتی از ایثار، تخصص و مسئولیت‌پذیری کارکنان شرکت گاز استان ایلام که به گفته علی سلیمانی، مدیرعامل این شرکت، در تاریخ صنعت گاز کشور ماندگار خواهد شد. او از روزهایی سخن می‌گوید که کارکنان صنعت گاز در ایلام، همزمان با مقابله با آثار حملات دشمن، مسئولیت سنگین حفظ پایداری انرژی را نیز بر دوش داشتند.



شبکه‌های منطقه افزایش تاب‌آوری زیرساخت‌ها. اجرای چنین پروژه‌ای در شرایط عادی نیز زمان‌بر و پیچیده است، اما این بار همه چیز متفاوت بود، منطقه در تیررس دشمن قرار داشت. معارضان محلی، زمین‌های کشاورزی، محدودیت‌های حریم جاده و الزام‌های فنی باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن مدیریت می‌شدند. چهار دستگاه بیل مکانیکی به صورت شبانه‌روزی وارد میدان شدند. همزمان ده‌ها نیروی عملیاتی، جوشکار، تکنیسین، کارشناس و راننده ماشین‌آلات در کنار هم مشغول کار شدند. به گفته سلیمانی، هیچکس به ساعت نگاه نمی‌کرد. هدف فقط یک چیز بود؛ بازگرداندن گاز به خانه‌های مردم.

## شب‌های حماسه

بخش تأثیرگذار این روایت، نه اعداد و امار، بلکه صحنه‌هایی است که در آن شب تاریخی رقم خورد. جنگنده‌ها و پهپادهای دشمن بر فراز منطقه پرواز می‌کردند. نورافکن‌های جرثقیل‌ها و ماشین‌آلات در دل تاریکی از کیلومترها دورتر دیده می‌شد. هر لحظه امکان حمله دوباره وجود داشت. اما هیچ‌یک از کارکنان محل را ترک نکردند. نه راننده بیل مکانیکی، نه جوشکار، نه تکنیسین و نه مدیرعامل. در آن شب دیگر رئیس و کارمند معنا نداشت. همه برای یک هدف کنار هم ایستاده بودند. سرانجام ساعت ۱ و ۵۵ دقیقه بامداد، تنها ۱۲ ساعت پس از آغاز عملیات، ایستگاه جدید آماده بهره‌برداری شد و گاز دوباره در شبکه توزیع جریان یافت و ۲۴ روستای مرزی از خاموشی نجات پیدا کردند.

یک بحران بزرگ فرصت وجود داشت. گازبان مستقر در محل بدون لحظه‌ای تردید وارد عمل شد. مسیرهای ورودی را بست و از گسترش خسارت جلوگیری کرد. دقایقی بعد، خبر حادثه به مرکز استان رسید و عملیات اضطراری آغاز شد. کمتر از دو ساعت بعد، مدیرعامل شرکت گاز استان و تیم‌های واکنش سریع در محل حادثه حاضر بودند.

## عملیات جهادی در میدان جنگ

سلیمانی می‌گوید: آنچه پس از آن رخ داد، بیش از یک عملیات فنی بود؛ نمایش توانمندی، انسجام و روحیه‌ای که تنهادر شرایط بحرانی آشکار می‌شود. بررسی‌ها نشان داد ایستگاه تخریب شده باید در سریع‌ترین زمان ممکن جایگزین شود، اما یک مشکل بزرگ وجود داشت؛ در انبار شرکت ایستگاهی با ظرفیت مشابه وجود نداشت. تنها گزینه موجود، یک ایستگاه ۱۰ هزار مترمربعی بود که برای پروژه‌های دیگر در نظر گرفته شده بود. تصمیم دشواری باید گرفته می‌شد. تیم‌های فنی در همان محل نشست اضطراری تشکیل دادند. نقشه‌های جدید تهیه شد و پس از طراحی مجدد خطوط ورودی و خروجی، دستور آغاز عملیات صادر شد. ساعت ۱۳ و ۴۵ دقیقه عملیات اجرایی آغاز و از آن لحظه، مسابقه‌ای نفسگیر با زمان شروع شد.

## نبرد برای بازگشت گاز

همزمان با آماده‌سازی محل نصب ایستگاه جدید، تصمیم مهم دیگری نیز گرفته شد؛ اجرای یک خط پدافندی به طول پنج هزار و ۳۰۰ متر برای اتصال

استان ایلام فقط یک استان مرزی نیست؛ سرزمین مرزبانان غیور، خادمان زائران اربعین و یکی از مهم‌ترین استان‌های برخوردار از منابع نفت و گاز کشور است که با بیش از ۲۳۰ هزار مشترک، ۲۸ شهر و نزدیک به ۶۰۰ روستای گازدار، به یکی از موفق‌ترین مناطق کشور در توسعه شبکه گازرسانی تبدیل شده است. پوشش ۱۰۰ درصدی مناطق شهری و بیش از ۹۹ درصدی روستاها، شبکه‌ای گسترده و حیاتی را شکل داده است که کوچک‌ترین اختلال در آن می‌تواند زندگی هزاران خانوار را تحت تأثیر قرار دهد و همین اهمیت راهبردی سبب شد در روزهای جنگ، تأسیسات گازی استان نیز در فهرست اهداف دشمن قرار گیرد.

## موشک در قلب شبکه گاز

حملات دشمن خسارت‌های متعددی به تأسیسات گازرسانی استان وارد کرد. بیش از ۲۵۶ مورد آسیب به علمک‌ها، رگولاتورها و کنتورهای گاز ثبت شد و دو ایستگاه میترینگ نیز آسیب دیدند، همچنین حدود دو هزار و ۷۵۰ حادثه قطع گاز در نقاط مختلف استان رخ داد که همگی در کوتاه‌ترین زمان ممکن مدیریت و رفع شدند، اما مهم‌ترین حادثه، صبح ۱۵ فروردین روی داد؛ زمانی که یک فروند موشک به صورت مستقیم ایستگاه CGS روستای لیزن در بخش صالح آباد مه‌پوش را هدف قرار داد. اصابت مستقیم موشک، ایستگاه را به طور کامل از مدار خارج کرد. در آن لحظه، تنها چند دقیقه برای جلوگیری از



#### پشت صحنه موفقیت

موفقیت آن عملیات، حاصل آمادگی قبلی بود. شرکت گاز استان ایلام پیش از وقوع بحران، ۱۸ جلسه تخصصی پدافند غیرعامل و مدیریت بحران برگزار کرده بود؛ موجودی انبارها بررسی و سناریوهای احتمالی ارزیابی شده بودند. تجهیزات در شهرستان‌ها توزیع شده و مهمتر از همه، نیروها برای روبرویی با شرایط بحرانی آموزش دیده بودند. این آمادگی سبب شد در زمان وقوع حادثه، هیچگونه سردرگمی میان نیروهای عملیاتی وجود نداشته باشد.

هر کس دقیقاً می‌دانست چه وظیفه‌ای به عهده دارد. در میان روایت‌های آن روزها، یک خاطره بیش از همه توجه را جلب می‌کند. پیمانکاری که برای اجرای پروژه انتخاب شده بود، در شرایطی وارد میدان شد که بسیاری از فعالیت‌های عمرانی متوقف شده بودند.

پس از پایان عملیات، مدیرعامل شرکت تصمیم گرفت بابت تلاش فوق‌العاده این پیمانکار، حق الزحمه مناسبی در نظر گرفته شود، اما پاسخ پیمانکار غیرمنتظره بود.

او گفته بود: وقتی دیدم مدیرعامل و کارکنان شرکت زیر تهدید حملات هوایی برای وصل کردن گاز مردم تلاش می‌کنند، با خودم عهد بستم کنارشان باشم. او نه تنها حاضر شد با حداقل سود ممکن کار را انجام دهد.

سهام او از آن عملیات، نه پول، بلکه رضایت از خدمت به مردم بود. حتی در صورت بروز حادثه یا نیاز به تعمیرات اساسی، پایداری شبکه حفظ خواهد شد. دستاوردی که ارزش آن بسیار فراتر از

روزهای جنگ است.

#### قهرمانان گمنام

شاید مهمترین بخش این روایت، نام‌هایی باشد که کمتر شنیده می‌شوند. گزبانانی که نخستین نفرات حاضر در صحنه بودند. نیروهای امداد و تعمیرات که ساعت‌ها بدون استراحت کار کردند. کارشناسانی که طراحی‌های اضطراری را در کوتاه‌ترین زمان انجام دادند. رانندگان ماشین‌آلاتی که در دل شب خاک را شکافتند و خانواده‌هایی که روزها و شبها چشم انتظار عزیزان خود ماندند. اینها قهرمانان خاموش امنیت انرژی کشور هستند. مردانی که شاید نامشان در تیتراژ اخبار قرار نگیرد، اما اگر نباشند، زندگی میلیون‌ها نفر تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

#### پایان یک روایت؛ آغاز یک افتخار

اگرچه مدت زمانی است که از آن روزهای پرتلاش

گذشته است، اما خاطره آن شب هنوز در ذهن کارکنان شرکت گاز استان ایلام زنده است. شبی که زیر سایه تهدید و میان صدای انفجار، اراده انسان بر ویرانی غلبه کرد. شبی که نشان داد امنیت انرژی کشور فقط با تجهیزات و تأسیسات تأمین نمی‌شود، بلکه بر شانه‌های انسان‌هایی استوار است که در سخت‌ترین شرایط، مسئولیت خود را فراموش نمی‌کنند. شبی که میان آماج حملات دشمن صهیونی-آمریکایی ماه کامل شد و کارکنان شرکت گاز استان ایلام حماسه‌ای از ایثار و فداکاری را به رخ جهانیان نشان دادند. حماسه کارکنان شرکت گاز استان ایلام تنها یک عملیات موفق فنی نبود؛ روایتی بود از تعهد، همدلی و عشق به خدمت. روایتی که بی‌تردید در تاریخ صنعت گاز ایران ماندگار خواهد ماند؛ همانگونه که شعله‌های روشن خانه‌های مرزنشینان ایلام، یادآور آن شب‌های دشوار و آن مردان ایستاده در خط مقدم انرژی خواهد بود.

روایت گازبان ایستگاه تقلیل فشار گاز صالح آباد از روزهایی که انفجار سکوت مرز را شکست

# هم نفس با خدمت

صابر شفیعی

رئیس روابط عمومی شرکت گاز استان ایلام



صبح روز شنبه پانزدهم فروردین ۱۴۰۵، عقربه‌های ساعت ۹ و ۱۰ دقیقه را نشان می‌داد. زمانی که تنها ۵ دقیقه از خروج پیمان مرادخانی، گازبان ایستگاه تقلیل فشار گاز صالح آباد استان ایلام برای قرائت دما و فشار از این ایستگاه می‌گذشت. صدای غرش هواپیما و سوت موشک تنها صدایی بود که قبل از انفجار مهیب شنیده شد.

الو، الو، امداد صالح آباد؟

بفرمایید.

پیمانم، مرادخانی؛ به دادمان برسید، ایستگاه لیزن رو زدن.

حبیب مرادخانی: رئیس ایستگاه صالح آباد؛ خونسردی خودتان را حفظ کنید و شیر LBV ورودی ایستگاه را ببندید؛ ما هم الان می‌آییم. رئیس اداره گاز صالح آباد ضمن اعزام اکیب عملیاتی و امدادی با مدیر بهره برداری، حراست و مدیر عامل شرکت گاز استان تماس می‌گیرد و وضعیت را اطلاع می‌دهد.

مرادخانی: سلام جناب مهندس سلیمانی (مدیرعامل شرکت گاز استان ایلام) ایستگاه لیزن موشک خورده است.

علی سلیمانی، مدیرعامل شرکت گاز استان ایلام؛ حبیب جان با خونسردی کامل و حفظ ایمنی مردم منطقه جاده ورودی ایستگاه و شیرهای ورودی و خروجی ایستگاه را ببندید، سریع می‌آیم، نگران نباشید.

مدیرعامل، در اولین اقدام، با آگاهی از شرایط و اهمیت اطلاع رسانی افکار عمومی، با احضار رئیس روابط عمومی، اطلاع‌رسانی درباره موضوع را به عهده او می‌گذارد و تاکید می‌کند که آرامش افکار عمومی و مردم باید به عنوان اولین هدف عملیات فوری محقق شود.

مدیرعامل: آقای شفیعی مدیریت فضای رسانه و آرامش مردم را در اولویت قرار دهید؛ به هیچ عنوان نباید مردم نگران قطع گاز شوند.

سلیمانی همچنان که در حال دیگر سفارش هاست، لباس فرم را می‌پوشد و به سرعت به سمت خودرو حرکت می‌کند. در مسیر چهره پسرعمویش که همین چند روز پیش در مباران شهر همیشه قهرمان و مظلوم آبدانان به شدت مجروح شده بود، در ذهنش به تصویر کشیده می‌شود، انگار باز هم دلهره از دست

حالا حمله هواپیمای دشمن آمریکایی - صهیونیستی به ایستگاه تقلیل فشار گاز صالح آباد انجام شده و انفجاری مهیب همراه با آتش سوزی در آن رخ داده و بار دیگر پرواز کرکس‌ها آرامش را از آسمان آبی این سرزمین سلب کرده است.

زمان در حال سپری کردن لحظه‌های حیاتی است و پیمان که شتابان در حال دویدن به سمت ایستگاه است. در بین راه پرندگان و حیواناتی را می‌بیند که "کمک آمریکایی‌ها" به آنها نیز رسیده و از شدت موج انفجار تلف شده‌اند، گنجشکی نحیف آن سوت‌ری جان افتاده و من که نمی‌دانستم مادری نگران برای فرزندانی گرسنه در لانه بود یا پدری دلسوز که حال نیش دشمن سفاک به او هم رحم نکرده بود. پیمان بی درنگ سعی می‌کند شیر ورودی گاز ایستگاه را ببندد، اما حرارت آتش و موج انفجار باعث شده که بستن شیر آتش تقریباً ناممکن شود. صدای فوران آتش و سوت موج انفجار در گوش‌های پیمان، او را برای لحظاتی به روزهای ۸ سال دوران دفاع مقدس می‌برد؛ روزهایی که اگر چه اوسنی نداشته است، اما آخرین باری بود که یادش می‌آید این منطقه یعنی مهران و صالح آباد قهرمان، شاهد هجوم دشمن بوده و حالا بار دیگر این خاک مورد کین دشمن صهیونی قرار گرفته است.

آن روزها مهران شاهد صدای جیرجیر زنجیر نفربرها و تانک‌ها و گلوله‌ها بود و حالا دوباره صدای آتش و هجوم دشمن فریبکار پس از سال‌ها در مهران و صالح آباد پیچیده و این بار این خاک قرار است رشادت‌های مردان گمنام عرصه انرژی بیجه‌های باصفای شرکت گاز استان ایلام را ثبت و ضبط کند. رشته افکار پیمان پاره می‌شود و این بار هرآنچه نیرو دارد، به کار می‌گیرد و شیر ورودی را می‌بندد. ساعت ۹ و ۱۰ دقیقه را نشان می‌دهد. حالا پیمان بحران اولیه را کنترل کرده است و برای رفع کامل خطر با امداد ۱۹۴ گاز صالح آباد تماس می‌گیرد.

دادن دارد، اما این بار فرزند سازمانی اش یعنی زیرساخت گاز از دست رفته است.

حالا مدیرعامل شرکت گاز استان ایلام که فرماندهی عملیات را به عهده دارد، درست همانند همان روزهای جنگ ۸ ساله که فرماندهان خود طلایه دار بودند، به همراه تیم‌های عملیاتی به منطقه می‌رود تا خود شاهد و همراه نیروها در این عملیات باشد. حجم خسارت بالاست. چشم یکی از نفرات ارزیاب به بشکه‌هایی خیره می‌شود که از شدت برخورد ترکش‌ها مجالده شده‌اند و با ناامیدی وضعیت ایستگاه را بیسار بغرنج می‌خواند.

اینجا فرمانده میدان نهیب می‌زند و کلام شهید جهان آرا را بار دیگر می‌گوید: بچه‌ها در جنگ هستیم و اینها حوادث طبیعی جنگی است. مواظب باشید اراده‌تان تخریب نشود؛ ایستگاه بار دیگر ساخته می‌شود.

این نهیب چنان آبی بر آتش ناامیدی جان تازه‌ای به افراد گروه می‌دهد و فوری در محل ایستگاه جلسه اضطراری مدیریت بحران تشکیل و تصمیم به تغییر



طراحی و جایگزینی ایستگاه گرفته می‌شود.

پس از اطلاع وضعیت به ستاد تهران و فرماندهی ارشد عملیات، تماس‌هایی میان استان‌های معین کرمانشاه، لرستان و همدان نیز برای امداد رسانی صورت می‌گیرد.

اما نظر مدیرعامل شرکت گاز استان ایلام، استفاده از ظرفیت نیروهای خود استان بود، زیرا این توان به طور کامل در نیروهای استان دیده می‌شد. اکیپ تعمیرات شهرستان‌های صالح‌آباد، چوار و ایلام در کمترین زمان به سمت محل فرستاده شدند. پرواز مکرر جنگنده‌ها و پهپادها بر فراز آسمان منطقه و شرایط جنگی و حتی بمباران چند نقطه از ارتفاعات استان، هم‌زمان با انجام عملیات تعمیرات کوچک ترین خللی در تلاش نیروها ایجاد نکرد.

سلیمانی به عنوان فرمانده میدان، در طول ۱۲ ساعت عملیات راه اندازی مجدد ایستگاه در کنار اکیپ‌ها ماند و تا گازدار شدن مجدد شبکه ایستگاه را ترک نکرد؛ او با تدبیر برای بالا بردن پایداری شبکه توزیع،

دستور اجرای حدود ۵٫۵ کیلومتر خط پدافندی هم زمان را صادر کرد. تاریخ بار دیگر برگی از خود را احضار کرده است. درست همانند ۸ سال دفاع مقدس بار دیگر گسیل نیروهای شجاع به مهران، بمباران ارتفاعات استان، پرواز مکرر جنگنده‌ها و نیروهایی که بی توجه به این شرایط عمل می‌کنند، گویی مهران سال‌های دفاع مقدس اول را از جعبه تاریخ بیرون آورده و در برابر چشم انسان‌های حال حاضر به نمایش می‌گذارد. حالا مهران بار دیگر، برگی از تاریخ جنگ خود را با رشادت‌های مردان گاز استان ورق می‌زند و در کمترین زمان، بار دیگر ایستگاه تقلیل فشار گاز صالح‌آباد عملیاتی و همچون خون در رگ‌های گاز در شبکه توزیع تزریق شده است.

هجوم آهنین بال‌های مرگبار دشمن در برابر اراده آهنین مردان این دیار خم می‌شود و صدای زبانه‌های آتش و غرش هواپیما جای خود را به صدای خنده کودکان مهرانی می‌دهد. تاریخ این مرز و بوم پر است از رشادت‌های دلیر مردانی که بی‌آنکه بیم جان داشته



**حالا مهران بار دیگر، برگی از تاریخ جنگ خود را با رشادت‌های مردان گاز استان ورق می‌زند و در کمترین زمان، بار دیگر ایستگاه تقلیل فشار گاز صالح‌آباد عملیاتی و همچون خون در رگ‌های گاز در شبکه توزیع تزریق شده است**

باشند، پای کار این مرز و بوم ایستاده اند و حالا رشادت‌های مردان موشکی و دفاعی در پای لانچرها و مردان خدمت رسان در کنار مردم همیشه حاضر در خیابان‌های جای‌جای کشور، این خاک را در برابر تسلیم خواهی‌های دشمنان بیمه کرده است و دشمنی که فکر از بین بردن ایران را در سر می‌پروراند، به تقلیل غنی‌سازی اورانیوم ساخته شده دست دانشمندان این مرز و بوم بسنده کرده است. اما گویی در جمهوری اسلامی ایران اورانیوم نام خود را به ایران‌بوم تغییر داده است و این یعنی هرگز خیال خام دشمن برای تحمیل اراده خود بر این ملت در هیچ سطحی عملی نخواهد شد.

رویکرد صنعت گاز  
در مددکاری اجتماعی فراتر  
از ساختار اداری است

# آرامش مأموریت اصلی



ای از نیروهای رسمی، قراردادی، بیمانکاری و حتی خانواده‌های آنان راشامل می‌شود؛ جامعه‌ای که در معرض انواع فشارها و بحران‌ها قرار دارد. این بحران‌ها می‌تواند از حوادث عملیاتی و شغلی آغاز شود و تا مسائل معیشتی، خانوادگی، روانی و حتی اجتماعی امتداد یابد. از این رو، ساختار این واحد به گونه‌ای طراحی شده که بتواند در چند سطح به طور همزمان مداخله کند و پاسخگوی نیازهای متفاوت باشد. رئیس روابط کار و مددکاری اجتماعی شرکت ملی گاز ایران ادامه می‌دهد: در لایه نخست، روابط کار قرار دارد که به صورت مستقیم با حوادث شغلی و پیامدهای آن درگیر است. در این بخش، هرگونه حادثه ناشی از کار، از آسیب‌های جسمی تا موارد منجر به از کارافتادگی یا فوت مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، صندوق تأمین آتیه به عنوان سازوکار اصلی جبران خسارت وارد عمل می‌شود. این صندوق که بر پایه مشارکت کارکنان و کارفرما شکل گرفته، نقش یک پشتوانه مالی و بیمه‌ای درون سازمانی را ایفا می‌کند و امکان پرداخت غرامت به کارکنان یا خانواده‌های آنان را

**مشعل** | در صنعتی که به عنوان یکی از زیرساخت‌های حیاتی کشور شناخته می‌شود، «نیروی انسانی» همچنان مهم‌ترین سرمایه آن به شمار می‌آید. شرکت ملی گاز ایران در کنار مأموریت‌های گسترده عملیاتی، با مجموعه‌ای از موضوع‌های مختلف انسانی و روانی کارکنان نیز مواجه است؛ موضوع‌هایی که در شرایط عادی، بویژه در دوره‌های بحرانی و تنش‌های منطقه‌ای، اهمیت دوجندانی پیدا می‌کنند. در این میان، واحد روابط کار و مددکاری اجتماعی به عنوان یکی از بخش‌های کلیدی حوزه منابع انسانی، نقشی فراتر از ساختار اداری ایفا می‌کند و به نقطه اتصال میان سیاست‌های سازمانی و نیازهای واقعی کارکنان و خانواده‌های آنان تبدیل شده است. این واحد، با مأموریت‌هایی مثل رسیدگی به حوادث شغلی، مدیریت تعارضات سازمانی، حمایت‌های معیشتی، خدمات مشاوره‌ای و برنامه‌های توانبخشی، تلاش دارد نوعی توازن میان الزام‌های کاری و شرایط نیروی انسانی برقرار کند. در گفت‌وگو با محسن ناظمی، رئیس روابط کار و مددکاری اجتماعی شرکت ملی گاز ایران، ابعاد مختلف این مأموریت‌ها، از اجرای طرح‌های حمایتی و پرداخت غرامت‌ها تا نقش این واحد در مدیریت بحران‌های اخیر و ارتقای تاب‌آوری کارکنان تشریح شده است؛ تصویری که نشان می‌دهد حمایت اجتماعی در صنعت گاز، نه یک اقدام مقطعی؛ بلکه بخشی از یک رویکرد نظام‌مند و مستمر در صیانت از سرمایه انسانی است.

از بخش‌های اثرگذار در حفظ و پایداری سرمایه انسانی در صنعت گاز تبدیل کرده‌اند.

## معماری منابع انسانی در دل صنعت گاز

در ساختار منابع انسانی شرکت ملی گاز ایران، واحد روابط کار و مددکاری اجتماعی فقط یک واحد اداری یا اجرایی نیست؛ بلکه به تعبیر محسن ناظمی، رئیس این حوزه، «نقطه تنظیم‌کننده تعادل میان الزام‌های سازمانی و مسائل واقعی کارکنان» است. این واحد در نقطه تلاقی سه حوزه تخصصی روابط کار، مددکاری اجتماعی و مشاوره خانواده قرار دارد و تلاش می‌کند میان اقتضات سخت و پیچیده صنعت گاز و مسائل و نیازهای واقعی کارکنان و خانواده‌های آنان نوعی توازن پایدار ایجاد کند. وی در تشریح مأموریت این واحد تأکید می‌کند که جامعه هدف، فقط کارکنان رسمی نیستند؛ بلکه طیف گسترده

در ساختار منابع انسانی شرکت ملی گاز ایران، حوزه روابط کار و مددکاری اجتماعی به عنوان یکی از بازوهای تخصصی، مأموریتی چندلایه و پیوسته را دنبال می‌کند که صرفاً به رسیدگی اداری محدود نمی‌شود. این حوزه در بطن خود، ترکیبی از اقدام‌های حمایتی، مشاوره‌ای و جبرانی را در برمی‌گیرد که هدف آن کاهش تنش‌های شغلی، ارتقای کیفیت زندگی کاری و حمایت هدفمند از کارکنان و خانواده‌ها در شرایط مختلف است. در سال‌های اخیر، با افزایش پیچیدگی‌های محیط کار و بروز مسائل جدید در حوزه‌های معیشتی، خانوادگی و سلامت روان، نقش این واحد نیز توسعه یافته و به سمت مداخلات ساختاری‌تر و برنامه‌محور حرکت کرده است. طراحی سازوکارهای حمایتی برای کارکنان آسیب‌دیده، پیگیری پرونده‌های توانبخشی و ایجاد بسترهای مشاوره تخصصی از جمله مواردی هستند که این حوزه را به یکی



فراهم می‌سازد. در کنار این بخش، مددکاری اجتماعی قرار دارد که ماهیتی کاملاً انسانی‌تر و مداخله‌محور دارد. این حوزه تنها به جبران مالی محدود نمی‌شود؛ بلکه تلاش می‌کند شرایط زندگی کارکنان در ابعاد مختلف را بهبود بخشد. از بررسی مشکلات معیشتی گرفته تا رسیدگی به بحران‌های خانوادگی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، همه در دایره فعالیت این بخش قرار می‌گیرند. در مجموع، آنچه از نگاه ناظمی این واحد را متمایز می‌کند، نه فقط گستردگی وظایف آن؛ بلکه یکپارچگی میان این سه حوزه است. روابط کار، مددکاری اجتماعی و مشاوره، در کنار هم یک شبکه حمایتی منسجم را شکل می‌دهند که هدف آن نه فقط حل بحران‌ها؛ بلکه پیشگیری از شکل‌گیری آنها در سطح سازمانی و خانوادگی است.

#### بازتعریف نقش منابع انسانی در مدیریت تعارض و سلامت روان

در نگاه محسن ناظمی، یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های واحد روابط کار و مددکاری اجتماعی شرکت ملی گاز ایران، فراتر از رسیدگی به پرونده‌ها و حوادث، «تنظیم رابطه میان انسان و سازمان» است؛ رابطه‌ای که اگر نامتوازن شود، بسرعت خود را در قالب تعارض سازمانی، افت بهره‌وری یا فشارهای روانی در محیط کار نشان می‌دهد. به همین دلیل، این واحد در ساختار منابع انسانی شرکت ملی گاز ایران، نقشی تنظیم‌گر و مداخله‌گر دارد؛ نقشی که هدف آن حفظ ثبات در محیط کار و جلوگیری از تبدیل تنش‌های کوچک به بحران‌های ساختاری است. ناظمی تأکید می‌کند: در یک سازمان بزرگ و چندلایه مانند شرکت ملی گاز ایران، تعارض امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است؛ اما آنچه اهمیت دارد، چگونگی مدیریت این تعارض‌هاست و واحد روابط کار در این میان تلاش می‌کند با تکیه بر مقررات، گفت‌وگو و سازوکارهای تخصصی، از انباشت مشکلات جلوگیری کند و مسیر حل و فصل آنها را در چارچوب‌های رسمی و عادلانه هدایت کند. ناظمی تصریح می‌کند: تمرکز ویژه بر خانواده‌های دارای فرزند معلول یا مبتلا به بیماری‌های خاص نیز بخش دیگری از این رویکرد چندلایه است. در این نگاه، موضوع معلولیت یا بیماری، یک مسأله اجتماعی و سازمانی تلقی می‌شود، نه موضوعی فردی و پنهان در زندگی

کارکنان. همین نگرش موجب شده حمایت از توان‌خواهان به صورت ساختاری و مداوم در برنامه‌های واحد مددکاری اجتماعی جریان داشته باشد. آنچه در این بخش از فعالیت‌های واحد روابط کار و مددکاری اجتماعی برجسته می‌شود، حرکت از یک رویکرد صرفاً واکنشی به سمت یک رویکرد پیشگیرانه و توسعه‌محور است؛ رویکردی که تلاش می‌کند پیش از بروز بحران، زمینه‌های آن را شناسایی و کنترل کند.

#### حمایت‌ها، تأمین آتیه و اقتصاد همدلی

یکی از ستون‌های اصلی فعالیت واحد روابط کار و مددکاری اجتماعی در شرکت ملی گاز ایران، نظام حمایت‌های معیشتی و مالی از کارکنان در شرایط بحرانی است؛ نظامی که تلاش می‌کند در کنار سازوکارهای اداری، یک لایه حمایتی برای مواجهه با آسیب‌های پیش‌بینی‌نشده ایجاد کند. ناظمی در تشریح فعالیت‌های این بخش می‌گوید: فلسفه این حمایت‌ها، فقط پرداخت کمک مالی نیست؛ بلکه ایجاد نوعی «شبکه اطمینان اجتماعی» برای کارکنان و خانواده‌های آنان است. در همین چارچوب، طی سال ۱۴۰۴ حدود ۳۱ مورد کمک بلاعوض به کارکنان و خانواده‌های آنان پرداخت شده است. حمایت‌ها در شرایطی اختصاص یافته که کارکنان با بحران‌هایی نظیر بیماری‌های خاص، مشکلات شدید معیشتی، حوادث یا فشارهای ناگهانی اقتصادی مواجه شده‌اند.

#### نقش مددکاری در شرایط اضطراری

یکی از جدی‌ترین آزمون‌های واحد روابط کار و مددکاری اجتماعی در سال‌های اخیر، مواجهه با شرایط بحرانی ناشی از تنش‌ها، درگیری‌ها و جنگ بوده است؛ شرایطی که نه تنها عملکرد سازمانی، بلکه ساختار حمایت اجتماعی از کارکنان را نیز تحت فشار قرار داد. ناظمی در تشریح این دوره، به فعال‌سازی سریع سازوکارهای ارتباطی و حمایتی در همان ساعات ابتدایی بحران اشاره می‌کند؛ سازوکارهایی که با هدف حفظ ارتباط لحظه‌ای با کارکنان و شناسایی سریع آسیب‌ها طراحی شد.

وی در ادامه می‌گوید: در دوره جنگ، یک سیستم اطلاع‌رسانی داخلی با عنوان «آی‌گاز» راه‌اندازی شد تا همه گزارش‌های مربوط به حوادث کارکنان، اعم از خسارات جانی و مالی در آن به صورت متمرکز ثبت و پیگیری شود. این اقدام باعث شد شبکه‌ای یکپارچه میان مدیریت منابع انسانی، شرکت‌های تابعه و واحدهای عملیاتی شکل بگیرد و امکان واکنش سریع به حوادث فراهم شود.

بر اساس گزارش‌های ثبت‌شده، در جریان این بحران در مجموع ۸۷ مورد حادثه به کارکنان شرکت ملی گاز ایران گزارش شد که خسارت‌های جانی، آسیب‌های روانی و خسارات مالی را شامل می‌شد و از این تعداد، ۲۳ مورد به طور مستقیم مربوط به خسارات مالی مانند تخریب منازل مسکونی یا آسیب به اموال شخصی کارکنان بود که در قالب بسته‌های حمایتی مورد رسیدگی قرار گرفتند.

رئیس روابط کار و مددکاری اجتماعی شرکت ملی گاز ایران، با بیان اینکه در کنار حمایت‌های مالی، بخش

قابل توجهی از اقدام‌های این واحد در حوزه حمایت روانی متمرکز شده است، ادامه می‌دهد: در روزهای اوج بحران، ۶۸ مورد مشاوره تلفنی و آنلاین از سوی مشاور تخصصی بالینی و کودک ارائه شد. این خدمات به صورت فوری و بدون تشریفات اداری در اختیار کارکنان و خانواده‌های آنان قرار گرفت و نقش مهمی در کنترل اضطراب



**تجربه جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان نشان داد که واحد روابط کار و مددکاری اجتماعی در شرایط اضطراری، از یک واحد پشتیبان به یک «خط مقدم حمایتی» تبدیل می‌شود؛ خطی که وظیفه آن نه فقط مدیریت خسارت؛ بلکه حفظ آرامش روانی و اجتماعی سازمان است**

و کاهش فشار روانی ناشی از شرایط جنگی داشت. ناظمی تأکید می‌کند: در چنین شرایطی، نقش مددکاری اجتماعی تنها به پرداخت کمک‌های مالی محدود نمی‌شود؛ بلکه «حضور انسانی» مهم‌ترین مؤلفه مداخله است. به همین دلیل، در کنار خدمات مالی و مشاوره‌ای، ارتباط مستقیم مددکاران با خانواده‌های آسیب‌دیده نیز برقرار شد؛ ارتباطی که در قالب عیادت، دلجویی تلفنی و پیگیری وضعیت خانوارها انجام شد. وی تصریح می‌کند: در مواردی که منازل کارکنان دچار آسیب جدی شده بود، پیشنهادهایی برای حمایت‌های گسترده‌تر از جمله کمک‌های بلاعوض سنگین و حتی ودیعه مسکن مطرح شد و در دستور بررسی قرار گرفت تا از طریق

سازوکارهای وزارت نفت، نهایی شود. ناظمی با بیان اینکه در این میان، تعدادی از کارکنان نیز در جریان حوادث جنگی جان خود را از دست دادند، می‌گوید: رسیدگی به خانواده‌های آنان در اولویت فوری قرار گرفت و با حضور در منازل این خانواده‌ها و برگزاری جلسات حمایتی، تلاش شد تا افزون بر جبران مالی، حمایت روانی و اجتماعی مستمر انجام شود.

#### تجربه جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان

«جنگ» نشان داد که واحد روابط کار و مددکاری اجتماعی در شرایط اضطراری، از یک واحد پشتیبان به یک «خط مقدم حمایتی» تبدیل می‌شود؛ خطی که وظیفه آن نه فقط مدیریت خسارت؛ بلکه حفظ آرامش روانی و اجتماعی در سطح سازمان است.

در نگاه راهبردی شرکت ملی گاز ایران، آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته، مفهوم «تاب‌آوری سازمانی» است؛ مفهومی که از سطح یک رویکرد حمایتی فراتر رفته و به یک سیاست کلان در حوزه منابع انسانی تبدیل شده است.

وی تأکید می‌کند که مهم‌ترین دستاورد تجربه‌های اخیر، تغییر نگاه به نقش واحد روابط کار و مددکاری اجتماعی است. این واحد دیگر تنها یک ساختار اداری برای رسیدگی به پرونده‌ها نیست؛ بلکه به نهادی تبدیل شده که در لحظه بحران، نقش «آرام‌ساز اجتماعی» را دارد و در شرایط عادی نیز به عنوان یک بازوی پیشگیرانه برای کاهش آسیب‌های انسانی عمل می‌کند.

ایثاری ماندگار که مرزهای انسانیت را دنوردید

# شهید زندگی بخش



**مشعل** | بهار سال ۱۴۰۵ با نسیمی از جنس ایثار برای صنعت نفت آغاز شد؛ بهاری که در آن با آتش موشک دشمن آمریکایی - صهیونی برای «محمدرضایهودی»، جوان ۳۱ ساله و از نیروهای بی ادعای پشتیبانی ساختمان ۳۴ شرکت ملی نفت ایران جور دیگری رقم خورد و او را با خیل دیگر شهدای جنگ رمضان همراه کرد. ۱۶ اسفندماه، خیابان‌های محله ابوذر تهران شاهد حمله‌ای ناجوانمردانه بود؛ حمله‌ای وحشیانه از جنس موشک که محمدرضا را در گردابی از خون و التهاب فرو برد. او که در زندگی آرام خود، تنها به لبخندهای «آوا»، دختر یک‌ساله‌اش دلخوش بود، با جراحی سنگین به کما رفت و پس از بیست و یک روز مقاومت غریبانه میان مرگ و زندگی، سرانجام در ۹ فروردین ماه، جان به جان آفرین تسلیم کرد و به سوی معبود خود پرکشید و پیکر پاکش در جوار دیگر شهدا و در قطعه ۴۲ گلزار شهدای جنگ تحمیلی سوم آرام گرفت. داستان زندگی این جوان صنعت نفت، با شهادتش جان تازه‌ای گرفت. او که در زمان حیات خویش همواره رویای «زندگی بخشی» داشت، سرانجام به این آرزوی دیرینه‌اش رسید و با اهدای عضو پس از شهادت، قلب مهربانش را در سینه دیگری به ودیعه گذاشت تا مسیر جاودانگی و ایثار، روشن‌تر و پرنورتر از همیشه امتداد یابد.

هر روز صبح، ورودی ساختمان ۳۴ شرکت ملی نفت ایران با حضور او گرم می‌شد. محمدرضا معمولاً از اولین نفراتی بود که در محل کار خود حاضر می‌شد؛ با رویی گشاده، به دیگران سلام می‌کرد و آغازگر روزی پرنرزی برای آنها بود؛ جوانی منظم، مودب، خوشرو، دلسوز و زحمت‌کش که یکی از خوبان مجموعه به شمار می‌رفت؛ اما در فروردین ۱۴۰۵، وقتی همکاران پا به ساختمان گذاشتند، به جای چهره محمدرضا، با تصویر حک شده او روی بنر جلوی ساختمان ساختمان ۳۴ مواجه شدند.

وزارت نفت به مناسبت چهلمین روز شهادت این شهید بزرگوار و به پاس زحمات خالصانه او، مراسم گرامی‌داشتی با حضور خانواده شهید، مدیران و کارکنان بخش‌های مختلف، در نمازخانه ساختمان ۳۴ شرکت ملی نفت برگزار کرد. در این مراسم، همه از خط مقدم جبهه انرژی آمده بودند تا تسلی بخش خانواده شهید بهبودی باشند.

**نمره زندگی پدر**

داغ جوان برای پدر، کوهی از اندوه است که



کلمات در بیان عظمت آن قاصر می‌ماند.

علیرضا بهبودی، پدر شهید محمدرضا، با چهره‌ای که آینه تمام‌نمای صبر و استقامت است، از پسری روایت می‌کند که عصای دست روزگار سختش بود. در نگاه پدر، محمدرضایه‌مان همان نان حاللی است که با عشق به اهل بیت (ع) بر سر سفره خانواده آمد؛ جوانی که از همان سال‌های نوجوانی، شانه زیر بار مسئولیت داد و با کار و تلاش شرافتمندانه عجین شد. پدر شهید با دلی سوخته اما پرغرور، در مرور خاطرات فرزند عزیز کرده‌اش به شور و شوق جوانی او گریز می‌زند؛ به علاقه شدید او به ورزش، به ویژگی فوتبال و روزهایی که در کنار درس، آرزو داشت هرچه زودتر مستقل شود و با عشقی پاک، تشکیل خانواده بدهد.



## جگر گوشه مادر

در میان تمام روایت‌های تلخ و شیرین این فقدان، حکایت نجات سلطانی، مادر شهید بهبودی، جلوه‌ای از جنس صبر و ایثار است. او در روایتی



سرشار از عواطف مادری، به پیوند عمیق و خاص خود با محمد رضا، به عنوان فرزند ته‌تغاری و عزیز کرده خانواده اشاره می‌کند؛ فرزندی که محبتش را با بوسه بر دست و پای مادر ابراز می‌کرد و جایگاهی ویژه در قلب او داشت.

همین تعلق خاطر شدید، در روزهای سخت کما و انتظار، پذیرش موضوع اهدای عضو را برای مادر، تصمیمی جان فرسا و ناممکن کرده بود؛ اما وقتی دریافت «زندگی بخشی» به دیگران، آرزوی قلبی و خواسته دیرینه فرزندش بوده، با غلبه بر عواطف عمیق مادری و به پاس احترام به روحیه فداکاری محمد رضا، برگه اهدای عضو را امضا کرد تا جگر گوشه‌اش حتی در لحظه وداع نیز، خالق حیات و امید برای بیماران نیازمند باشد.

## یاور همسر



پرینسا حسینی طوسی، همسر شهید، در حالی که «آوا»، یادگار یک‌ساله‌شان را در آغوش می‌فشرد، راوی روزهای پر التهاب بیمارستان و ۱۰ سال زندگی مشترک می‌شود. او از ۲۱ روز انتظار بر بالین محمد رضا می‌گوید؛ روزهایی که با بغض به دست‌های همسرش نگاه می‌کرد؛ دست‌هایی که آثار کار و پینه‌های زحمت همچنان بر آن نمایان بود.

او با مرور زندگی مشترکشان، محمد رضا را جوانی باغیرت، دغدغه‌مند برای کسب روزی حلال و انسانی نجیب و بی‌حاشیه توصیف می‌کند، جوانی که هیچ‌کس کوچک‌ترین گلایه‌ای از او به دل نداشت و شهادت کمال شیوه زندگی او شد.

پرینسا حسینی، به زیارت مستمر پنجشنبه‌های محمد رضا؛ گلزار شهدای بهشت زهرا (س) اوارادت قلبی‌اش به مقام شهیدان اشاره می‌کند و به

پزشکی که این روزها در ذهنش حک شده: «محمد رضا در خلوت خود چه رازی را با درآمیختگان خون و حماسه در میان گذاشت که این‌گونه به جمع آنان پیوست؟»

همسر شهید بهبودی، دستگیری از نیازمندان را یکی از سیره‌های اخلاقی این شهید برمی‌شمرد: «محمد رضا همواره بخشی از درآمد حاصل از دسترنج خود را به نیازمندان اختصاص می‌داد.» و برای این انفاق، همواره رضایت قلبی همسر را جویا می‌شد. درک حال نیازمندان به حدی در روح محمد رضا عمیق شده بود که از صرف غذا در محیط‌های عمومی پرهیز می‌کرد و ترجیح می‌داد غذا را به خانه بیاورد تا مبادا نگاه حسرت‌باری به آن بیفتد و دلی بلرزد.

مرور روزهای زندگی محمد رضا، انسانی که در حیات خویش هرگز «خود» را ندید و پیوسته در اندیشه دغدغه دیگران بود، تردید را از وجود همسر پاک کرد و با امضای برگه رضایت اهدای عضو، شکوه روحیه فداکارانه محمد رضا را جلوه‌گر ساخت.

## خادم‌الحسین (ع)



نظم و تعهد شهید محمد رضا بهبودی در محیط کار، از دریچه نگاه حسام حراسی، مسئول نگهداشت مرکزی ساختمان ۳۴ شرکت ملی نفت، بخش دیگری از این روایت است. او به حسن خلق، مسئولیت‌پذیری و انضباط کاری مثال‌زدنی این شهید اشاره می‌کند، تا حدی که همکاران بخش‌های مختلف همواره درخواست می‌کردند برای انجام امور پشتیبانی، طبقات آنها به او سپرده شود؛ نیرویی که بر اساس روحیه پرتلاشش، پیش از همه در محل کار حاضر می‌شد و دیرتر از بقیه



ساختمان راترک می‌کرد.

او برپایه این تعهد و ارادت قلبی‌اش به امام حسین (ع)، در صبح‌های سه‌شنبه و هنگام برپایی مراسم پرفیض زیارت عاشورا در نمازخانه ساختمان، با عشقی وصف‌ناپذیر،

مسئولیت تدارکات و پذیرایی از مهمانان ابا عبدالله را به عهده می‌گرفت؛ در همان ساعات ابتدایی صبح، برای صبحانه زیارت عاشورا نان تازه تهیه می‌کرد تا مبادا از کیفیت پذیرایی مهمانان سیدالشهدا (ع) کاسته شود و حالا، جای خالی او در سه‌شنبه‌های حسینی ساختمان ۳۴ شرکت ملی نفت و در میان همکارانش بسیار خالی است.

## امتداد مسیر پدر

امروز اگرچه محمد رضا در میان خانواده و همکارانش حضور فیزیکی ندارد؛ اما یاد او فراتر از مرزهای حیات خاکی امتداد یافته و قلبش که روزگاری با عشق به اهل بیت (ع) و دغدغه

خدمت به صنعت نفت می‌تپید، حالا با تصمیم شجاعانه و ایثارگرانه خانوادهاش، در سینه دیگری می‌تپد و به حیات دنیایی ادامه می‌دهد. این فداکاری بزرگ، معنای واقعی «زندگی بخشی» را که آرزوی دیرینه خود شهید بود، به زیباترین شکل ممکن تجلی ساخت تا نام او نه تنها در مقام یک شهید؛ بلکه به عنوان قهرمان اهدای عضو در ذهن‌ها جاودانه بماند.

پیکر پاک این جوان دلسوز در قطعه ۴۲ گلزار شهدای بهشت زهرا (س) آرام گرفت تا به آرزوی همیشگی‌اش که هم‌جواری با شهدا بود، برسد. حتماً «آوا» در آینده‌ای نه‌چندان دور، با افتخار قصه زیست پدر را روایت خواهد کرد؛ پدری که در سنگر صنعت نفت با نان حلال زیست، با مظلومیت پر کشید و با ایثار اعضای پیکر خود، حماسه‌ای ماندگار از جنس بخشش و عشق را برای ایران ثبت کرد.

امروز اگرچه محمد رضا در میان خانوادهاش و همکارانش حضور فیزیکی ندارد؛ اما یاد او فراتر از مرزهای حیات خاکی امتداد یافته و قلبش که روزگاری با عشق به اهل بیت (ع) و دغدغه خدمت به صنعت نفت می‌تپید، حالا با تصمیم شجاعانه و ایثارگرانه خانوادهاش، در سینه دیگری می‌تپد



بانوان شاغل صنعت نفت  
زیر چتر آرامش قرار دارند

# پیشتازی در اجرای قانون حمایت از خانواده



زهره یوسفیان ملا  
مشاور وزیر در امور بانوان و دبیر  
قرارگاه جوانی جمعیت وزارت نفت



با ابلاغ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت به سازمان‌های دولتی در آبان‌ماه ۱۴۰۰، صنعت نفت که همواره در اجرای سیاست‌های خانواده‌محور پیشرو بوده، تلاش کرده است موضوع خانواده و جوانی جمعیت در حد یک تکلیف اداری باقی نماند و به‌عنوان بخشی از سیاست‌های کلان

سرمایه انسانی صنعت نفت به آن توجه شود. بر همین اساس، مصوبه شورای اداری و استخدامی صنعت نفت

درباره قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت ابلاغ و اجرا شد تا بانوان شاغل در این صنعت، با بهره‌مندی از این تسهیلات بتوانند با آرامش بیشتر میان مسئولیت‌های حرفه‌ای و خانوادگی تعادل برقرار کنند.

موضوع جمعیت امروز یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های راهبردی کشور محسوب می‌شود؛ رهبر شهید انقلاب اسلامی در ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳، سیاست‌های کلی جمعیت را در جهت جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری ابلاغ کردند. بعدها براساس این سیاست‌ها، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مشتمل بر ۷۳ ماده باهدف تحکیم بنیان خانواده، تسهیل ازدواج، حمایت از فرزندآوری و ایجاد بسترهای مناسب برای پویایی جمعیتی کشور در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۹ آبان ۱۴۰۰ بر رئیس‌جمهوری وقت و سپس به سازمان‌های دولتی ابلاغ شد. پس از ابلاغ این قانون، «ستاد ملی جمعیت» در سطح دولت تشکیل شد که وظیفه تهیه برنامه عمل متناظر قانون جوانی جمعیت با تقسیم کار ملی، تعیین نقش و ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی میان وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط و نظارت بر اجرای برنامه‌ها و دریافت گزارش سالانه عملکرد و ارزیابی فعالیت‌های صورت‌گرفته را به عهده داشت. بر اساس مصوبات اولین جلسه ستاد، تمام دستگاه‌ها موظف شدند فراگامی به نام «فراگام جوانی جمعیت» را با مسئولیت بالاترین مقام مسئول دستگاه تشکیل دهند. در وزارت نفت نیز این فراگام به دستور وزیر وقت تشکیل شد و ریاست آن به معاون وقت توسعه مدیریت و سرمایه‌انسانی وزیر نفت تفویض و مشاور وزیر در امور زنان و خانواده به‌عنوان دبیر این فراگام منصوب شد. سایر اعضای این فراگام، مدیران منابع انسانی و مشاوران امور زنان و خانواده چهار شرکت اصلی صنعت نفت هستند که به فراخور موضوع‌ها، جلسه فراگام به صورت مستمر و متناسب با موضوع‌ها و مصوبات ستاد ملی جمعیت برگزار و تلاش می‌شود افزون بر اجرای دقیق تکالیف قانونی، برنامه‌ریزی داخلی نیز متناسب با اقتضانات صنعت نفت صورت گیرد. صنعت نفت به دلیل گستردگی جغرافیایی، شرایط عملیاتی و ماهیت تخصصی فعالیت‌ها، ویژگی‌های متفاوتی نسبت به بسیاری از دستگاه‌های اجرایی دارد و به‌طور حتم اجرای سیاست‌های خانواده محور در چنین مجموعه‌ای نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و حمایت مدیریتی است. با نگاه ویژه و حمایتی وزیر، تلاش شد موضوع خانواده و جوانی جمعیت تنها در حد یک تکلیف اداری باقی نماند، بلکه به‌عنوان بخشی از سیاست‌های کلان سرمایه‌انسانی صنعت نفت به آن توجه شود.

### حمایتی از جنس نفت

موضوع جمعیت، مسئله‌ای چندبعدی است و عوامل متعددی در آن نقش دارند، اما دو عامل فرهنگی و اقتصادی بیشترین تأثیر را بر تصمیم خانواده‌ها برای ازدواج و فرزندآوری

دارند. امروز خانواده‌ها افزون بر دغدغه‌های اقتصادی، نیازمند احساس امنیت، آرامش روانی، امید به آینده و برخورداری از حمایت‌های اجتماعی هستند. در صنعت نفت نیز با توجه به همین رویکرد و در سایه ارشادهای وزیر و همراهی اعضای فراگام جوانی جمعیت، مصوبه شورای اداری و استخدامی صنعت نفت در خصوص قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت ابلاغ شد که با تصویب این شورا، مستند به مفاد بند «پ» ماده (۱۵)، بند «ت» ماده (۱۷) و تبصره ماده (۷۳) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، تسهیلاتی برای کارکنان صنعت نفت در نظر گرفته شد.

برابر مفاد بند «پ» ماده (۱۵)، برای تمامی کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی صنعت نفت که از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت یعنی ۱۹ آبان ۱۴۰۰، صاحب فرزند سوم تا پنجم می‌شوند، معادل یک سال به سنوات معتبر بازنشستگی به‌ازای هر فرزند حداکثر تا فرزند پنجم (حداکثر سه سال) اضافه می‌شود. مطابق مفاد بند «ت» ماده (۱۷) هم کارکنان زن شاغل رسمی، پیمانی و قراردادی صنعت نفت که از تاریخ ۱۹ آبان ۱۴۰۰، صاحب فرزند یا فرزندان می‌شوند، به‌ازای فرزندان اول و دوم از یک سال و فرزند سوم و بیشتر یک و نیم سال (به‌ازای هر فرزند) از کاهش در سن بازنشستگی برخوردار خواهند شد. از دیگر اقدام‌هایی‌توان به دستور کار قرارگرفتن بازسازی و توسعه مهدکودک سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت تهران، تأسیس مهدکودک هم‌جوار در شرکت ملی نفت ایران، اعطای دورکاری به بانوان باردار، مرخصی تشویقی برای پدران و ایجاد برخی تسهیلات ویژه برای مادران شاغل اشاره کرد. همچنین در حوزه حمایت‌های رفاهی و مالی، پرداخت هزینه خرید خدمات مهدکودک برای مادران شاغل دارای فرزند زیر شش سال اعم از کارکنان رسمی و قراردادی، پرداخت پاداش ازدواج و فرزندآوری، اعمال معافیت‌های مالیاتی برای کارکنان دارای سه فرزند و بیشتر و ارائه برخی تسهیلات رفاهی دیگر قابل بیان است. یکی دیگر از اقدام‌های شاخص و منحصربه‌فرد وزارت نفت، ارزیابی سالانه عملکرد بانوان شاغل خارج از سهمیه در دوران مرخصی زایمان است که با هدف حفظ امنیت شغلی و جلوگیری از ایجاد دغدغه برای مادران انجام می‌شود. این اقدام همسوس با تکریم بانوان شاغل و حمایت واقعی از نقش مادری طراحی شده و بازخورد بسیار مثبتی نیز در میان کارکنان داشته است.

### افزایش انگیزه کارکنان

این حمایت‌ها تنها جنبه اداری و بخشنامه‌ای نداشته و آثار مثبتی نیز در فضای کاری صنعت نفت ایجاد کرده است. بسیاری از کارکنان، به‌ویژه بانوان شاغل، با بهره‌مندی از این تسهیلات توانسته‌اند با آرامش بیشتری میان مسئولیت‌های حرفه‌ای و خانوادگی تعادل برقرار



تلاش شده است تا نگاه خانواده‌محور در بسیاری از سیاست‌های رفاهی و منابع انسانی صنعت نفت تقویت شود، زیرا معتقدیم توجه به خانواده، تنها یک اقدام حمایتی نفت تقویت شود، زیرا معتقدیم توجه به خانواده، تنها یک اقدام حمایتی کوتاه‌مدت نیست، بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده صنعت نفت و کشور است.

کنند. همچنین مشوق‌های مرتبط با ازدواج و فرزندآوری در تقویت نگاه خانواده‌محور و افزایش انگیزه کارکنان مؤثر بوده است. در واقع رویکرد وزارت نفت در این حوزه، تنها اجرای یک قانون نیست، بلکه تلاش برای نهادینه‌سازی فرهنگ حمایت از خانواده، افزایش رضایتمندی کارکنان و تقویت سرمایه انسانی سازمان است، زیرا معتقدیم خانواده مستحکم، زمینه‌ساز نیروی انسانی توانمند و پویا خواهد بود. خوشبختانه صنعت نفت در اجرای این قانون در زمره دستگاه‌های فعال و پیشرو بوده است. با توجه به ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های موجود، تلاش کردیم بسیاری از مفاد قانون را به‌صورت مؤثر اجرایی کنیم و حتی در برخی حوزه‌ها فراتر از الزام‌های قانونی، اقدام‌های حمایتی انجام دهیم. همچنین تلاش شده است تا نگاه خانواده‌محور در بسیاری از سیاست‌های رفاهی و منابع انسانی صنعت نفت تقویت شود، زیرا معتقدیم توجه به خانواده، تنها یک اقدام حمایتی کوتاه‌مدت نیست، بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده صنعت نفت و کشور است.

### مسئولیت خانوادگی در کفه موازی

امروز بانوان شاغل در صنعت نفت در حوزه‌های تخصصی، مدیریتی، پژوهشی و عملیاتی و... نقش بسیار ارزشمندی ایفا می‌کنند و به‌طور حتم ایجاد تعادل میان

مسئولیت‌های حرفه‌ای و خانوادگی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آنان است. رویکرد وزارت نفت در سال‌های اخیر حرکت به سمت سیاست‌های خانواده‌محور بوده است؛ به این معنا که تلاش شده فرایندها و تسهیلاتی طراحی شود که ضمن حفظ بهره‌وری سازمان، آرامش و امنیت روانی خانواده کارکنان نیز تأمین شود. توسعه خدمات رفاهی خانواده‌محور، حمایت از مادران شاغل، توجه به سلامت روان خانواده‌ها، برگزاری برنامه‌های فرهنگی و آموزشی ویژه خانواده کارکنان و افزایش انعطاف‌پذیری در برخی شیوه‌های کاری از جمله اقدام‌هایی است که در این مسیر دنبال می‌شود، زیرا هر میزان که به بنیان خانواده توجه شود، به همان میزان شاهد افزایش انگیزه، تعلق سازمانی، رضایتمندی شغلی و بهره‌وری در مجموعه خواهیم بود و این موضوع در نهایت به پویایی و توسعه صنعت نفت نیز کمک خواهد کرد.

مشاور امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران از توانمندی جامعه زنان شاغل می‌گوید

# فرصت‌ها در افق تازه



**مشعل |** امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران با تکیه بر رویکردی برنامه‌محور و در چارچوب شیوه‌نامه تخصصی ابلاغی مدیرعامل، گام‌های موثری در مسیر ارتقای جایگاه بانوان، ارتقای توانمندی سرمایه انسانی و تحکیم بنیان خانواده برداشته است و در این مسیر، راه‌اندازی سایت تخصصی برای بانوان شرکت ملی نفت ایران و خانواده‌ها، شناسایی بانوان توانمند و اثرگذار، اجرای طرح‌های حمایتی نوآورانه و توسعه برنامه‌های آموزشی و ارتقای توانمندی در سطح شرکت‌های تابعه، بخشی از مهم‌ترین اقدام‌های این مجموعه به‌شمار می‌رود؛ اقدام‌هایی که جامعه زنان شاغل در شرکت ملی نفت ایران و خانواده‌های کارکنان را تحت پوشش قرار داده و بی‌تردید، زمینه‌ساز اجرای سیاست‌های حمایتی جدید خواهد بود. سیده طاهره سیدمومنی، مشاور امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران در گفت‌وگو با خبرنگار ماهنامه "مشعل" از برنامه‌هایی سخن گفته است که مسیر رسیدن به این هدف را تسهیل می‌کند.

ایران را در برمی‌گیرد.

## نفت و جایگاه زنان

بررسی آمارها در وزارت نفت نشان می‌دهد حضور بانوان در بدنه تخصصی این صنعت، روندی قابل‌تامل و در عین حال متفاوت در شرکت‌های تابعه دارد. در حال حاضر، به‌طور میانگین حدود ۱۰.۹ درصد از مجموع کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی شرکت ملی نفت (ستاد و چهار شرکت اصلی) را بانوان تشکیل می‌دهند. در این میان، شرکت ملی نفت ایران با اختصاص ۱۱.۵ درصد از سهم نیروی انسانی خود به بانوان، فراتر از میانگین کل وزارت نفت عمل کرده است. نکته حائز اهمیت این است که بیش از ۵۲ درصد از کل بانوان شاغل در صنعت نفت، در مجموعه شرکت ملی نفت ایران مشغول به کار هستند. بخشی از این تمرکز آماری، ناشی از گستردگی ابعاد نیروی انسانی این شرکت است، زیرا نزدیک به ۵۰ درصد از پرسنل کل وزارت نفت در همین مجموعه فعالیت می‌کنند. با این حال، حضور بانوان در شرکت ملی نفت حتی نسبت به سهم کلی کارکنان این شرکت نیز حدود ۲ تا ۳ درصد بالاتر است.

## تغییرات تدریجی

سیدمومنی در تحلیل چرایی تفاوت‌های آماری گفت: به‌نظر می‌رسد دلایل متعددی در پراکندگی حضور بانوان نقش دارند. شاید نوع فعالیت و ماهیت شرکت‌ها در این مسئله نقش داشته باشد؛ تفاوت‌های ساختاری میان شرکت‌های تابعه، یکی از عوامل کلیدی است. شرکت‌هایی مانند «شرکت ملی

گاز ایران» و «شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی» به دلیل ماهیت عملیاتی‌تر فعالیت‌هایشان، سهم کمتری از جذب بانوان دارند. در مقابل، «صنعت پتروشیمی» با تمرکز بر حوزه‌های مهندسی و ستادی، سهم قابل‌توجه ۱۸ درصدی از بانوان را به خود اختصاص داده است. رویکرد مدیریتی هم هست؛ فراتر از ماهیت کاری، نگاه مدیران ارشد در اولویت بخشی به توانمندی‌های تخصصی بانوان، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش حضور آنان داشته است. به‌باور سیدمومنی، آمارها نشان‌دهنده تغییر تدریجی و مثبت در ترکیب جنسیتی صنعت نفت است. اگرچه ماهیت «عملیاتی» در برخی زیرمجموعه‌ها، محدودیت‌هایی را برای ترکیب پرسنلی ایجاد کرده، اما در بخش‌هایی که بر دانش مهندسی و مدیریت تخصصی متکی هستند، شاهد حضور پررنگ‌تر و مؤثرتر بانوان هستیم؛ رویکردی که نشان می‌دهد مدیران ارشد صنعت نفت، نگاه ویژه‌ای به بهره‌گیری از توانمندی‌های تخصصی زنان در بدنه کارشناسی و مدیریتی خود دارند.

## حمایت از خانواده در اولویت

به گفته مشاور امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران، یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها در این حوزه، اجرای تکالیف و الزام‌های قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت است که به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی دنبال می‌شود. اگرچه در این جهت افزون بر صد مستمر اجرای موارد مرتبط با این قانون در سطح ستاد و شرکت‌های تابعه، اقدام‌های لازم برای تدوین و پیگیری سیاست‌های حمایتی از کارکنان دارای

## تخصص فنی با نگاه انسانی

۲۵ سال تجربه در صنعت نفت را پشت سر گذاشته، مسیری که هم تخصص فنی را می‌طلبد و هم نگاه انسانی را. پایه‌های علمی وی با فوق‌لیسانس سنجش و اندازه‌گیری و مدرک MBA شکل گرفته و در سال ۱۳۸۱ به عنوان یکی از فارغ‌التحصیلان برتر، وارد خانواده بزرگ نفت شده است. شروع کار سیدمومنی در منابع انسانی بوده، اما از سال ۱۳۹۲ که حوزه زنان و خانواده در وزارت نفت فعال شد، مسیر وی به سمت حمایت از زنان و خانواده‌ها تغییر کرد. ابتدا به عنوان نماینده مدیر منابع انسانی وارد این عرصه شده و بعدها به عنوان مشاور امور زنان و خانواده انتخاب شد. سیدمومنی می‌گوید: در حال حاضر با افتخار و اعتماد مجدد در همین نقش خدمتگزار است. وی نزدیک به ۷ سال در قامت نخستین رئیس تأمین نیروی انسانی زن شرکت ملی نفت، در خط مقدم جذب و توسعه سرمایه‌های انسانی بوده، اگرچه همین ترکیب تجربه‌های برنامه‌ریزی، تأمین نیرو و مشاوره خانواده امروز هویت حرفه‌ای او را ساخته است. امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران، پل ارتباطی میان مدیریت ارشد سازمان با کارکنان و خانواده‌های آنان است و جامعه هدف، نه تنها زنان شاغل بلکه خانواده تمام کارکنان شرکت ملی نفت

فرزند و خانواده‌های آنان در دستور کار قرار گرفته است.

سیدمومنی پیگیری اجرای مصوباتی همچون اعطای دو هفته مرخصی تشویقی به پدران دارای فرزند شده، فراهم‌سازی امکان دورکاری برای مادران دارای فرزند زیر ۶ سال و یادارای شرایط خاص، ارائه پیشنهادهای حمایتی در حوزه رفاه خانواده‌ها، پیگیری حمایت از بانوان خودسرپرست و یاسرپرست خانواده، همچنین برگزاری نشست‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی با محوریت تحکیم بنیان خانواده و فرزندآوری را از جمله مهم‌ترین اقدام‌های انجام‌شده برمی‌شمارد و ادامه می‌دهد: این امور با ایجاد بانک اطلاعاتی جامع بانوان شاغل شرکت ملی نفت ایران، زمینه برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای ارائه خدمات هدفمند به این قشر از کارکنان، همچنین خانواده‌های آنان را فراهم کرده است و تلاش دارد با همکاری واحدهای منابع انسانی، اجرای سیاست‌های جمعیتی و خانواده‌محور را در سطح شرکت نفت تسهیل کند. وی تصریح می‌کند: پیگیری مستمر اجرای مفاد قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت به خصوص راه‌اندازی مهدکودک در ادارات مرکزی یا همجوار آنها، توسعه بسته‌های حمایتی و ارائه پیشنهادهای تکمیلی برای افزایش رضایت شغلی کارکنان و تقویت نهاد خانواده، از مهم‌ترین برنامه‌های امور زنان و خانواده ستاد شرکت ملی نفت ایران است.

#### توسعه پایدار در گرو شایسته‌سالاری

سیدمومنی با اشاره به اهمیت توسعه عدالت سازمانی و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت سرمایه انسانی و اقدام‌های متعدد به اجرا گذاشته امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران با هدف ایجاد فرصت‌های برابر و تحقق شایسته‌سالاری در میان کارکنان، به ویژه بانوان می‌گوید: «ارتقای شغلی»، «جانشین‌پروری» و «ارتقای توانمندی» سه محور اصلی هستند که بر آنها تاکید می‌شود تا زمینه حضور موثر بانوان در سطوح مدیریتی، سرپرستی فراهم شود.

به گفته وی، امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران با شناسایی بانوان توانمند شرکت ملی نفت، امکان شناسایی دقیق ظرفیت‌ها، تخصص‌ها، سوابق و توانمندی‌های بانوان شاغل را فراهم و به دنبال ایجاد بستر مناسب برای بهره‌گیری از نیروهای شایسته در فرایندهای انتصاب، انتخاب مدیران و برنامه‌ریزی منابع انسانی ایجاد کرده است.

مشاور معاون وزیر و مدیرعامل شرکت ملی نفت در امور زنان و خانواده، برگزاری دوره‌های آموزشی، نشست‌های تخصصی و ارتقای توانمندی در مناطق عملیاتی، شناسایی بانوان مستعد، تقویت مهارت‌های مدیریتی و حرفه‌ای و ایجاد شبکه ارتباطی میان بانوان متخصص را از دیگر اقدام‌های انجام‌شده در مسیر توسعه شایسته‌سالاری و تحقق عدالت در فرصت‌های شغلی بانوان عنوان می‌کند. سیدمومنی تصریح می‌کند: توسعه پایدار صنعت نفت، در گرو بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های انسانی بر پایه شایستگی، تخصص، تجربه و توانمندی است؛ از این رو، تقویت حضور بانوان در فرایندهای مدیریتی و تصمیم‌سازی را به عنوان یکی از اولویت‌های راهبردی خود دنبال می‌کند.

#### سلامت زنان زیر ذره بین

مشاور امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران تصریح می‌کند: امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران با هدف ارتقای سلامت جسمی و روانی زنان

شاغل، افزایش رضایت شغلی و ایجاد تعادل میان مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی، مجموعه‌ای از برنامه‌های حمایتی، رفاهی و سلامت‌محور را در سطح ستاد و شرکت‌های تابعه دنبال کرده است و در همین زمینه نیز پیگیری اجرای طرح اختصاص دو ساعت ورزش هفتگی به بانوان شاغل، برگزاری دوره‌های آموزشی ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی از قبیل مهارت کنترل و مدیریت خشم، خودمراقبتی و... برای نخستین بار راه‌اندازی کلاس‌های یوگا در ادارات، درخواست بررسی و امکان‌سنجی عقد قرارداد با سالن‌های ورزشی و استخرها در سطح شهر جهت رفاه کارکنان و... را پیگیری کرد تا با فراهم‌سازی فرصت فعالیت‌های ورزشی منظم، گامی موثر در جهت ارتقای سلامت جسمی، کاهش فرسودگی شغلی و افزایش نشاط سازمانی برداشته شود.

وی افزود: همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی، نشست‌های تخصصی و برنامه‌های ترکیبی فرهنگی-آموزشی-ورزشی مانند اردوهای یک روزه خانوادگی و مراسم مادر و دختر- پدر و فرزند با محوریت سلامت فردی، مهارت‌های زندگی، تحکیم بنیان خانواده و ارتقای کیفیت زندگی کارکنان و توجه به نیازهای کارکنان اقماری و خانواده‌های آنها از دیگر برنامه‌های اجرا شده در این حوزه بوده است. وی تاکید می‌کند: توجه به سلامت روان، افزایش رفاه سازمانی، توسعه خدمات حمایتی و گسترش برنامه‌های پیشگیرانه و آموزشی، از مهم‌ترین رویکردهای امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران در مسیر ارتقای کیفیت زندگی زنان شاغل و خانواده‌های کارکنان به شمار می‌رود و تا به امروز اقدامات موثری انجام شده و بدون تردید این برنامه‌ها با جدیت دنبال خواهند شد.

#### ارتقای بهره‌وری

سیده طاهره سیدمومنی با تاکید بر نقش بنیادین خانواده در پایداری سرمایه انسانی و توسعه سازمانی از مجموعه‌ای از برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و حمایتی با هدف تحکیم و تعالی بنیان خانواده کارکنان خبر می‌دهد که طراحی و اجرا شده‌اند. به گفته سیدمومنی، برگزاری نشست‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزشی در سطح ستاد و شرکت‌های تابعه در مناطق عملیاتی با محوریت مهارت‌های همسرداری، فرزندپروری، ارتقای سلامت روان، مدیریت تعارض‌های خانوادگی، سبک زندگی ایرانی-اسلامی و تقویت ارتباط موثر میان اعضای خانواده شناسایی مسائل زنان سرپرست خانواده و خودسرپرست، برنامه‌هایی برای بهبود کیفیت زندگی خانواده‌های اقماری، تقویت ارزش‌های اخلاقی و فرهنگ اسلامی و توانمندسازی و غنی‌سازی اقوات فراغت خانواده‌ها بخشی از اقدام‌های این امور به شمار می‌رود. وی اضافه می‌کند: در واقع امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران بر این باور است که تقویت بنیان خانواده، افزون بر افزایش سلامت اجتماعی و رضایت شغلی کارکنان، نقش مهمی در ارتقای بهره‌وری، انسجام سازمانی و توسعه پایدار صنعت نفت ایفا می‌کند.

#### تقویت ساختارهای تخصصی

به گفته سیدمومنی، با هدف نهادینه‌سازی سیاست‌های مرتبط با حوزه زنان و خانواده و ارتقای انسجام مدیریتی در اجرای برنامه‌ها، اقدام‌های موثری در زمینه ایجاد و تقویت ساختارهای تخصصی،

نظام‌مند و هماهنگ در سطح ستاد و شرکت‌های تابعه انجام شده است. به گفته او در این زمینه شاهد برگزاری نشست‌های دوره‌ای با مدیرعامل و مدیران ارشد برای تبادل نظر و پیگیری مسائل مبتلابه جامعه هدف، فعالیت توان‌افزایی مشاوران و ارتباط مداوم با آنها بوده‌ایم. افزون بر اینها برگزاری منظم نشست‌های تخصصی با مسئولان امور زنان شرکت‌های تابعه، تدوین برنامه‌های عملیاتی، پایش مستمر اجرای مصوبات، هماهنگی میان واحدهای مرتبط و پیگیری تحقق اهداف تعیین‌شده، تدوین شیوه‌نامه امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت، معرفی کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط در سایت امور زنان و خانواده و فضاهای مجازی از دیگر اقدام‌های انجام‌شده در جهت استقرار ساختاری منسجم و کارآمد برای رسیدگی به امور زنان و خانواده بوده است.



#### امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران

##### توسعه ارتباطات موثر

مشاور امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران تصریح می‌کند: با هدف ارتقای آگاهی کارکنان، بنیان خانوادگی، افزون بر افزایش سلامت اجتماعی و رضایت شغلی کارکنان، نقش مهمی در ارتقای بهره‌وری، انسجام سازمانی و توسعه پایدار صنعت نفت ایفا می‌کند.

زمینه دسترسی سریع و شفاف کارکنان به اطلاعات مورد نیاز را فراهم کرده است.

وی با بیان این که برگزاری نشست‌های تخصصی و هم‌اندیشی با مسئولان امور زنان شرکت‌های تابعه، تقویت شبکه ارتباطی میان فعالان این حوزه، تبادل تجربه‌های موفق و هماهنگی در اجرای برنامه‌های مشترک، از دیگر اقدام‌های انجام‌شده در حوزه ارتباطات سازمانی بوده است. ادامه می‌دهد: افزون بر این با بهره‌گیری از اطلاعات بانوان توانمند شرکت ملی نفت ایران، بستر مناسبی برای ارتباط هدفمند با جامعه بانوان شاغل، دریافت بازخوردها، شناسایی نیازها و برنامه‌ریزی مبتنی بر اطلاعات دقیق فراهم شده است.

مشاور امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران ارائه گزارش‌های درخواستی به امور زنان و خانواده وزارت نفت، پاسخگویی به تماس‌ها و درخواست‌های جامعه هدف، برگزاری برنامه‌ها و مسابقات مناسبی، فرهنگ‌سازی مصرف بهینه انرژی و حفاظت از محیط زیست و مسئولیت‌های اجتماعی، ارتقای روحیه نشاط و شادابی همکاران، بخش دیگری از فعالیت‌های انجام‌شده عنوان کرد: امور زنان و خانواده شرکت ملی نفت ایران، توسعه ارتباطات موثر، اطلاع‌رسانی شفاف و تعامل مستمر با کارکنان را از ارکان اصلی تحقق اهداف خود می‌داند و تقویت این بسترها را با بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی و فناوری‌های اطلاعاتی ادامه خواهد داد.

قلب تپنده‌ای که به فوتبال ایران جان داد

# فرزند نفت و آفتاب جنوب



**علیرضا عبدی** فوتبال در ایران، فراتر از یک بازی در مستطیل سبز، روایتی از زیستن، امید و هویت مشترک میلیون‌ها ایرانی است. از زمین‌های خاکی و آفتاب سوخته جنوب تا سکوی‌های پرهیاهوی ورزشگاه آزادی، این پدیده چنان در تار و پود جامعه ریشه دوانده که نسل‌ها را حول یک آرزوی واحد گرد هم آورده است؛ اما اگر بخواهیم ریشه‌های این درخت تنومند را در خاک کشور جست‌وجو کنیم، باید به جنوب ایران برویم؛ جایی که صنعت نفت، فراتر از استخراج، موتور محرک فرهنگ ورزشی کشور بوده است.

از مسجد سلیمان، زادگاه نفت خاورمیانه تا آبادان، اهواز و خرمشهر، صنعت نفت نه تنها چرخ‌های اقتصاد را به حرکت درآورد؛ بلکه زمینه‌ساز ظهور نسلی از استعداد‌های نابی شده که با ساق‌های پرتوان خود، هویت فوتبال ملی را رقم زدند. بسیاری از باشگاه‌های ریشه‌دار و اسطوره‌هایی که نام ایران را در پهنه‌گیتی طنین‌انداز کرده‌اند، در دامن همین شهرهای نفت خیز رشد یافته‌اند. میان این صنعت پیشران و فوتبال، پیوندی قلبی وجود دارد که شکوه ورزش قهرمانی را از دل کار و تلاش در گرمای طاقت‌فرسای جنوب، بیرون کشیده است. اکنون هم‌زمان با برگزاری جام جهانی ۲۰۲۶، بار دیگر نگاه میلیون‌ها ایرانی به این رخداد بزرگ دوخته شده است. رقابت‌هایی که از ۲۱ خرداد ۱۴۰۵ با حضور ۴۸ تیم آغاز شده و فرصتی زرین برای درخشش دوباره فوتبال ایران است. تیم ملی با پشتوانه نسلی از بازیکنان باتجربه و جوان، راهی این آوردگاه شده تا رؤیای دیرینه صعود از مرحله گروهی را محقق سازد. رؤیایی که امروز بیش از هر زمان دیگری دست‌یافتنی به نظر می‌رسد. این بار نیز فوتبال ایران با تکیه بر همان هویت تاریخی و ریشه‌های عمیق، آماده است تا در بزرگ‌ترین صحنه جهان افتخار آفرینی کند و بار دیگر، نبض فوتبال را همگام با ضرباهنگ پایدار انرژی در ایران به تپش درآورد. ماهنامه مشعل در پرونده ویژه «فوتبال؛ روایت نفت»، داستان پیوند دیرینه صنعت نفت و فوتبال ایران را روایت می‌کند؛ از نقش صنعت نفت در شکل‌گیری این ورزش در کشور تا سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ نفتی جهان در عرصه ورزش. آنچه در ادامه می‌خوانید، روایتی از این همراهی ماندگار است.



## روایتی تاریخی از تیم ملی فوتبال ایران در دوره‌های مختلف جام جهانی

# حضور ۷



**مشعل** | بیست و سومین دوره جام جهانی فوتبال با حضور ۴۸ تیم از ۲۱ خرداد تا ۲۸ تیر، به میزبانی مشترک کشورهای چون ایالات متحده آمریکا، مکزیک و کانادا در حال برگزاری است و تیم ملی فوتبال ایران نیز قرار است برای هفتمین بار، در هیجان انگیزترین مسابقات فوتبال شرکت کند.

تیم ملی فوتبال ایران در این دوره از مسابقات جام جهانی قرار است با تیم‌هایی از بلژیک، مصر و نیوزیلند در گروه G به رقابت بپردازد، به طوری که در اولین دیدار خود ۲۶ خرداد به مصاف نیوزیلند رفت. دومین بازی مردان ایران، برابر بلژیک در ۳۱ خرداد و سومین بازی این تیم نیز برابر تیم ملی مصر، ششم تیر برگزار خواهد شد. علیرضا بیرانوند، سید حسین حسینی، سید پیام نیازمند، احسان حاج صفی، میلاد محمدی، علی نعمتی، دانیال ایری، شجاع خلیل‌زاده، محمد حسین کنعانی زادگان، آریا یوسفی، صالح حمدانی، رامین رضاییان، علیرضا جهانبخش، سعید عزت‌اللهی، روزبه چشمی، امیرمحمد رزاق‌نیا، محمد محبی، مهدی قائدی، سامان قدوس، محمد قربانی، مهدی ترابی، علی علیپور، شهریار مغانلو، دنیس درگاهی، امیرحسین حسین‌زاده و مهدی طارمی، تیم ملی فوتبال ایران را به رهبری امیر قلعه‌نوعی همراهی می‌کنند.

### اولین حضور با اسطوره‌های درخشان

تیم ملی فوتبال ایران برای اولین بار در جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین مصادف با سال ۱۳۵۰ حضور پیدا کرد. این تیم در مرحله نیمه‌نهایی با تیم‌های هلند، پرو و اسکاتلند همگروه شد و در نهایت با واگذاری نتیجه برابر هلند و پرو و کسب یک تساوی برابر اسکاتلند، به کار خود در اولین حضور در جام جهانی آرژانتین پایان داد. اولین گل فوتبال ایران در تاریخ جام جهانی در این مسابقات با ایرج دانایی‌فرد به ثبت رسیده است. ناصر حجازی، بهرام مودت، رسول کریم‌کندی، جوادالله وردی، علیرضا قشقاییان، حسن نظری، آندرانیک اسکندریان، نصرالله عبداللهی، حسین کازرانی، ایرج دانایی‌فرد، حسن نایب‌آقا، علی پروین، ابراهیم قاسم پور، محمد صادقی، محمدعلی شجاعی، بهتاش فریبا، مجیدبیشکار، حسن روشن، حمیدمجدتیموری، ناصر نورایی،

غفور جهانی و حسین فرکی تیم ملی را در اولین دوره همراهی کردند.

### حماسه ملیورن و شکست تاریخی آمریکا

ایران پس از اولین حضور خود در سال ۱۹۷۸، بعد از ۲۰ سال غیبت در مسابقات جام جهانی و از دست دادن ۴ دوره از این مسابقات، سرانجام با یک صعود ماندگار به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه راه یافت.

تیم ملی فوتبال ایران در مرحله مقدماتی و در آخرین بازی خود برابر استرالیا در ملیورن، موفق به شکست این تیم با ۲ گل کریم باقری و خداداد عزیزی شد. این بازی با نام "حماسه ملیورن" در تاریخ فوتبال ایران به ثبت رسید؛ البته این حضور درخشان تنها به حماسه ملیورن محدود نشد؛ بلکه ایران در جام جهانی ۱۹۷۸ در فرانسه با تیم‌هایی چون یوگسلاوی، آلمان و آمریکا همگروه شد؛ نام‌هایی که می‌توانست برای ایران چالش برانگیز باشد. در این مسابقات تیم ملی ایران نتیجه را به یوگسلاوی و آلمان واگذار کرد؛ اما مهم‌ترین بازی برای ایران می‌توانست رویارویی با تیم ملی فوتبال آمریکا باشد. مردان فوتبال ایران در این بازی با گل‌های حمید استیلی و مهدی مهدوی‌کیا، تیم ملی فوتبال آمریکا را شکست دادند و توانستند یکی از خاطره‌انگیزترین و شیرین‌ترین پیروزی‌های فوتبال ایران در سطح جهانی را رقم بزنند.

### حذقی که خاطرات شیرین به همراه داشت

تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان با هدایت ایوانکو برانکوویچ، سومین حضور خود در مسابقات جام جهانی را رقم زد. ایران در این مسابقات همانند دوره‌های قبل در یک گروه بسیار دشوار قرار گرفت و باید مقابل تیم‌هایی چون مکزیک، پرتغال و انگولا به میدان می‌رفت؛ هرچند ایران در جام جهانی آلمان ۲ شکست مقابل مکزیک و پرتغال و تساوی



کشورمان را در جایگاه مناسبی قرار دهد. ایران بعد از دریافت مجوز برای حضور در جام جهانی ۲۰۱۴ با تیم‌های آرژانتین، نیجریه و بوسنی همگروه شد؛ گروهی که برای ایران خالی از چالش نبود و به یکی از هیجان انگیزترین حضورهای ایران در جام‌های جهانی تبدیل شد.

تیم ملی فوتبال ایران در این رقابت‌ها برابر تیم فوتبال نیجریه به تساوی بدون گل دست یافت؛ اما یکی از جذاب‌ترین بازی‌های این دوره از مسابقات جام جهانی، بی شک بازی ایران و آرژانتین بود؛

با انگولا تنها با یک امتیاز از جام جهانی خداحافظی کرد؛ اما حضور چهره‌های درخشان فوتبال ایران مثل علی دایی، وحید هاشمیان، یحیی گل محمدی، رحمان رضایی و مهدی مهدوی‌کیا سبب شد تیم ملی ایران لحظات درخشان و خاطرات شیرینی را برای مردم ایران به یادگار بگذارد.

### کی‌روش و عصر طلایی فوتبال ایران

کارلوس کی‌روش از سرمربیان تیم ملی فوتبال ایران بود که با حضور در تیم ملی، توانست فوتبال



مواجهه است. ایران در این دوره از مسابقات جام جهانی با تیم‌هایی چون نیوزیلند، بلژیک و مصر هم‌گروه است و باید دید شانس صعود از گروه خود را دارد یا خیر؟ امیدواریم تیم ملی کشورمان در این دوره از مسابقات بدرخشد و بهترین بازی‌ها را با تمام محدودیت‌های سیاسی که برای آنها در آمریکا تعریف شده، به نمایش بگذارد.

انگلیس، آمریکا و ولز هم‌گروه بود؛ هرچند این تیم به عنوان یکی از نخستین تیم‌های آسیایی به جام جهانی قطر راه یافت؛ اما با وجود قرار گرفتن در این گروه سخت، شانس صعود به دور حذفی را پیدا نکرد. شکست سنگین ۶ بر ۲ برابر انگلیس، پیروزی ۲ بر صفر مقابل ولز و واگذاری نتیجه یک بر صفر برابر آمریکا موجب شد ایران با سه امتیاز در رتبه سوم گروه قرار بگیرد. گل‌های حساس این دوره با مهدی طارمی و دیگر ستارگان تیم ملی به ثمر رسید؛ اما رؤیای صعود به دور حذفی بار دیگر محقق نشد.

#### آرزوی موفقیت رئیس فیفا برای ایران

ایران با حضور در جام جهانی ۲۰۲۶ چهارمین حضور متوالی خود در این رقابت‌ها را تجربه کرد و همین مساله سبب شد تا اینفانتینو، رئیس فیفا در پیامی به تیم ملی ایران بنویسد: «برای تیم ملی ایران در چهارمین حضور متوالی در جام جهانی آرزوی موفقیت می‌کنم.» اما هفتمین صعود برای ایران با حاشیه‌های بسیاری همراه است. با توجه به شرایطی که میان ایران و آمریکا وجود دارد و میزبانی آمریکا در این دوره از مسابقات، تیم ملی با چالش‌های مختلفی در کنار رقابت‌های پیش رو

هرچند ایران در آخرین دقایق با گل لیونل مسی از آرژانتین و با نتیجه یک بر صفر شکست خورد؛ اما توانست یک رقابت به یادماندنی و پرچالش را رقم بزند. تیم فوتبال ایران در این دوره از مسابقات جام جهانی، با واگذاری نتیجه برابر تیم ملی بوسنی، از دور رقابت‌ها حذف شد.

#### یک پنالتی تاریخی در جام جهانی روسیه

ایران چهار سال بعد از حضور در جام جهانی ۲۰۱۴، این بار در روسیه در یک نبرد تمام عیار با یک گروه بسیار دشوار مواجه بود. تیم‌هایی چون اسپانیا، پرتغال و مراکش؛ تیم‌هایی که هر کدام مدعیان فوتبال به شمار می‌رفتند.

پیروزی یک بر صفر برابر مراکش، شکست یک بر صفر مقابل اسپانیا و تساوی در برابر پرتغال نتایج هستند که برای تیم ملی فوتبال ایران به ثبت رسید. یکی از جذاب‌ترین لحظاتی که در بازی ایران و پرتغال شکل گرفت، صحنه پنالتی بود که رونالدو آن را زد؛ اما با دستان بیرانوند مهار شد.

#### رویارویی دوباره با آمریکا در جام ۲۰۲۲

ایران در جام جهانی ۲۰۲۲ که به میزبانی قطر برگزار شد، حضور یافت و این بار با تیم‌هایی چون

# فوتبال، میراث صنعت نفت ایران

فرشید خدادادیان

پژوهشگر تاریخ نفت و میراث صنعتی



هنگامی که از میراث صنعتی صحبت می‌کنیم، منظورمان تنها ساختمان‌ها، تأسیسات و ابزار صنعتی برجای مانده از یک فعالیت صنعتی نیست. میراث صنعتی، همه آن تأثیری است که یک فعالیت صنعتی در محیط میزبان و برای میزبانانش برجای می‌گذارد. طبق تعریفی که کمیته بین‌المللی حفاظت از میراث صنعتی (Ticcih) در بیانیه رسمی خود موسوم به منشور "نیژنی تاگیل" ارائه کرده، میراث صنعتی شامل تمامی ابعاد فنی، تاریخی، اجتماعی، آموزشی، معماری، ورزشی، هنری و فرهنگی است. به همین دلیل در این منشور رسمی، میراث صنعتی به صراحت، فرهنگ صنعت نامیده شده است؛ فرهنگی که در جوامع میزبان آن صنعت شکل گرفته و نمود پیدا می‌کند. از این رو وقتی از جامعه‌شناسی صنعتی صحبت می‌شود، تمامی نمادها و نموده‌های صنعتی در بستر زمان و در امتداد زندگی افراد آن جامعه صنعتی مورد کنکاش قرار می‌گیرد. در این رویکرد "انسان" به مفهوم عامل اصلی و تمامی موارد مرتبط با زیست بشری در جامعه‌شناسی صنعتی اهمیت پیدا می‌کند.



خداوند این خشونت را منع کرده و مجازات آن زندان است. همچنین تأکید شده بود که این ورزش فقط می‌تواند در شهر و با نظارت مأموران بازی شود؛ البته جذابیت این بازی به حدی بود که حتی باغیر قانونی بودند، روستاییان هم آن را بازی می‌کردند.

مقامات مسئول سرانجام در سال ۱۵۷۲ مجبور به تسلیم در مقابل خواسته مردم شدند و "فوتبال" را قانونی اعلام کردند. علاقه و تمایل عمومی به فوتبال باعث شد اقدام هایی برای پیاده کردن یک شیوه کلاسیک در قوانین فوتبال به کار گرفته شود.

بعد از آن بود که فوتبال در انگلستان یکپارچه و حتی کتابی به نام "ساده‌ترین ورزش" نوشته شد که شامل قوانین اصولی فوتبال آن زمان بود.

## پیشینه تاریخی در ایران

باین پیشینه تاریخی مشخص بود که انگلیسی‌های کاشف نفت در ایران به بازی فوتبال بپردازند، حتی قبل از آن و با حضور برخی گروه‌های نظامی بریتانیایی گاهی در محله "زریسف" کرمان، اسکله بندر لیان (بوشهر) و میدان مشق تهران فوتبال بازی می‌کردند؛ اما در جنوب غرب ایران و همزمان با اکتشاف نفت و شکل‌گیری نخستین شرکت-شهرهای نفتی ایران بازی فوتبال در ایران به شکل رسمی آغاز شد.

رویه بود؛ رویه چپا و لگرو بهره‌بردار از منابع کشورها و رویه عمران‌کننده و آبادگری که گرچه در خدمت همان بهره‌بردار بود؛ اما تأثیراتی نیز بر جوامع میزبان به جا گذاشت. ترویج بازی "فوتبال" یکی از این تأثیرات بود.

## انگلیس خاستگاه فوتبال

تاریخ، در حالی واپسین سال‌های عصر روشنگری در اروپا را می‌آزمود و به سال‌های آغازین سده ۱۹ گام می‌گذاشت که بورژوازی نوپای اروپا با انقلاب‌های اجتماعی، فکری، علمی، صنعتی و سیاسی خود، بزرگی‌اش در دنیا را به نمایش می‌گذاشت. در این مقطع بود که جهان با تمدن غرب آشنا شد و این آشنایی در عرصه‌های مختلف نمود داشت، مانند ورزش‌ها و فعالیت‌های مدرن و نوینی که از سوی اروپایی‌ها به نقاط مختلف جهان معرفی و در این بخش از جهان، یعنی خاورمیانه نیز منشأ تأثیر شد. بازی فوتبال، از انگلستان به دنیا معرفی و در قرن ۱۴ میلادی، به قدری در انگلستان محبوب شد که پادشاه، آن را ورزشی غیر قانونی خواند. بعدها، ادوارد دوم، پادشاه انگلستان اعلامیه‌ای صادر و برگزاری مسابقات فوتبال را منع کرد؛ زیرا سر و صدا و صدمات زیادی به وجود آورده بود، از این رو پادشاه فرمان داد که

ایران، خاستگاه نفت در خاورمیانه به شمار می‌رود و با آغاز این صنعت در این قسمت از کره خاکی، بسیاری از نمادها و نموده‌های مدرن در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، ورزشی، معماری و فرهنگی در جامعه میزبان شکل گرفت.

ورزش فوتبال، یکی از این موضوعات است که همزمان با کشف نفت به ایران وارد شد و بخشی از میراث صنعت نفت در این سرزمین محسوب می‌شود. انگلیسی‌ها چوب‌های کریکت را وارد هندوستان (مجموعه هند و پاکستان امروز)، میانمار، مالزی و استرالیا کردند و در بدو ورود به ایران برای اکتشاف نفت نیز توپ‌های فوتبال را با خود به همراه داشتند؛ توپ‌هایی که شکل و جنس شان با توپ‌های امروزی فوتبال که قرار است در جام جهانی ۲۰۲۶ استفاده شوند، بسیار متفاوت بود.

## استعمار و فوتبال

از سال ۱۹۰۸ میلادی، مظاهری‌مدرن در جغرافیای بکر و سنت زده جنوب غرب ایران به وجود آمد و پارادوکسی عجیب؛ اما جذاب از کلونی‌های "مدرن" در دل "سنت" ایجاد کرد. به طور اساسی، تمدن بورژوازی غرب و از جمله استعمار بریتانیا واجد دو



اولین حضور تیم ملی ایران در جام جهانی فوتبال ۱۹۷۸

### شرکت-شهرهای نفتی مهد فوتبال

مسجد سلیمان، هفتکل، آبادان و دیگر شرکت-شهرهای نفتی تازه متولد شده در جنوب غرب ایران به این ترتیب، مهد فوتبال و دیگر ورزش های نوین شدند. ورود فوتبال از سوی انگلیسی ها به مناطق نفت خیز، سراغاز پایه گذاری یک ورزش پرطرفدار در ایران شد. کمتر نهاد یا موسسه تمدنی جدیدی را در ایران معاصر می توان یافت که همچون صنعت نفت این چنین با تاریخ معاصر کشور سرشته شده باشد. با این رویکرد، باید ترویج ورزش فوتبال در ایران و توسعه صنعت نفت را ۲ رویداد همزاد دانست که در دامان مناطق نفت خیز تولید و پرورش یافتند و روزگاری که در بسیاری از مناطق ایران و کل خاورمیانه، کسی این ورزش را نمی شناخت، کارکنان نفت در این شهر اوقات فراغت خود را با فوتبال و ورزش های نوین دیگر سپری می کردند.



**ورود فوتبال از سوی انگلیسی ها به مناطق نفت خیز، سراغاز پایه گذاری یک ورزش پرطرفدار در ایران شد. کمتر نهاد یا موسسه تمدنی جدیدی را در ایران معاصر می توان یافت که همچون صنعت نفت این چنین با تاریخ معاصر کشور سرشته شده باشد**

"مسجد سلیمان" نامیده شد و این شرکت-شهر نفتی پس از اکتشاف نفت در آن و ایجاد تاسیسات صنعتی و مدنی، به مهد بسیاری از اولین ها در ایران بدل شد که فوتبال نیز از جمله این اولین ها بود؛ اولین هایی که میراث صنعتی نفت در ایران و خاورمیانه محسوب می شوند.

تصور اینکه کاشفان انگلیسی نفت در این منطقه لحظاتی از اوقات استراحت خود را به ورزش فوتبال اختصاص داده باشند، دور از ذهن نیست، بخصوص اینکه در آن مقطع آنها پیگیر اخبار المپیک در لندن نیز بودند و در میان تلگراف ها و بسته های پستی که البته با تاخیر می آمدند، اخباری از المپیک نیز به این کاشفان دور افتاده از وطن می رسید. در لندن اما، اخبار اکتشاف نفت در ایران و به نتیجه رسیدن امتیازنامه واگذار شده به داری انگلیسی در میان اخبار نتایج المپیک و میزبانی بریتانیایی ها گم شد. بنابه خاطرات سرانولد ویلسون، مستشار انگلیسی که گروه کاشفان نفت را در ایران همراهی می کرد، گویا خبر اکتشاف نفت نیز با تاخیر به لندن و دفتر مرکزی کمپانی نفت رسیده بود! به هر حال، کاشفان دور از بریتانیا در محل مأموریت خود بسیاری از مظاهر زندگی صنعتی و جلوه های جدید را با تولید کردند که از جمله این مظاهر، بازی های گلف، فوتبال، تنیس و قایقرانی بود.

### المپیک و کشف نفت

امتیازنامه نفت در سال ۱۹۰۱ میلادی از سوی مظفرالدین شاه قاجار به ویلیام تاکس داری انگلیسی واگذار و در هفتمین سال، عملیات اکتشافی در ۱۹۰۸ میلادی برابر با ۱۲۸۷ خورشیدی در "میدان نفتون"، جایی در شمال استان خوزستان فعلی به نتیجه رسید؛ جایی که سختی کار، بسیار طاقت فرسا بود. ۲۷ آوریل ۱۹۰۸ برابر ۷ اردیبهشت ۱۲۸۷ خورشیدی، هنگامی که شعله مشعل بازی های المپیک در لندن، پایتخت انگلستان روشن شد، "جورج برنارد رینولدز" گروه کاشفان نفت بریتانیایی، با برافراشتن دکل های حفاری نفت در کوهپایه های جنوب غربی ایران، زمین "دره خرسون" را برای دستیابی به نفت حفاری می کردند. مارتن اکتشاف نفت با مُمارست رینولدز و مشقت گروه حفاران انگلیسی، کانادایی، برمه ای، باکویی و ایرانی به نفع کاوشگران تمام و در سپیده دم ۵ خرداد ۱۲۸۷ برابر ۲۶ می ۱۹۰۸ مشعل نفت در ایران و خاورمیانه روشن شد و به این ترتیب، نخستین چاه نفت خاورمیانه به نفت رسید و درست چند ماه بعد یعنی در ۲۱ اکتبر ۱۹۰۸ میلادی برابر ۲۹ مهر ۱۲۸۷ خورشیدی با قهرمانی بریتانیا در مسابقات فوتبال، مشعل این دوره از بازی های المپیک خاموش شد. محل حفر این چاه، بعدها



صفر ایرانی‌هاک

**نخستین گام‌های فوتبال در ایران**

فوتبال، یک "نفت‌آورد" برای ایران محسوب می‌شود که به مرور در پایتخت و دیگر نقاط کشور نیز طرفدارانی پیدا کرد و در سال ۱۳۰۸ اولین مسابقه رسمی در ایران با تیم بادکوبه (باکو) شوروی برگزار شد. پس از آن طی سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ تغییرات زیادی در فوتبال ایران اتفاق افتاد و انجمن ملی تربیت بدنی و پیش‌آهنگی تاسیس شد؛ اما در تمامی این ایام، فوتبال در مسجد سلیمان و آبادان جادوی زمین‌های خاکی جوانان جنوب بود. هم‌زمان، دفتر مرکزی کمپانی نفت در لندن نیز از همان سال‌های نخست فعالیت، تیم فوتبال کمپانی نفت تشکیل شد که حتی مسابقات بین‌المللی هم انجام می‌داد. مجله "نفت"، بولتن رسمی کمپانی نفت انگلیس-پرشیا، در نخستین شماره سال ۱۹۳۸ خود که تصویر روی جلد آن طرحی از چاه‌های مسجد سلیمان و عکس جوانی بختیاری است که به سوی آنها می‌دود، خبر دینار مسابقه فوتبال بین تیم "بریتانیک‌هاوس"، دفتر مرکزی کمپانی نفت با یک تیم بلژیکی را منتشر کرد و در شب سال نو، ساعتی استثنایی را در لوئر سیندهام رقم زد؛ جایی که مسابقه فوتبال بین تیم انجمن للیانس و تیم اول بریتانیک‌هاوس برگزار شد. با توجه به بازی‌ای که تیم مهمان به نمایش گذاشت، تردیدی نیست که فوتبال از زمانی که برای نخستین بار در خلال جنگ از سوی نیروهای بریتانیایی به بلژیک معرفی شد، پیشرفت چشمگیری کرده است (NAFT، ۱۹۳۸). جادوی مستطیل سبز و در آن ایام مستطیل خاکی به هر نقطه از جهان که می‌رفت، شکلی خاص پیدا می‌کرد و به این ترتیب بود که مسجد سلیمانی‌های محصور در کوه تپه‌ها، فوتبال را انگلیسی و با سانترهای بلند از طرفین بازی می‌کردند و آبادانی‌های ساحل نشین، فوتبال را به سبک ساحل نشینان ریودو ژانیرو، برزیلی بازی می‌کردند؛ با دربی‌های ریز و حرکاتی انفرادی. آبادانی‌ها بعداً حتی لباس تیم محبوبشان صنعت نفت را نیز با لباس تیم ملی برزیل بست کردند.

**خاطره بازی نفتی هادر زمین فوتبال**

از شکل‌گیری صنعت نفت و توسعه فعالیت‌های کمپانی تا ملی شدن نفت و بعد از آن کودتای ۲۸ مرداد و استقرار کنسرسیون، خیلی چیزها در حوزه مناطق نفت‌خیز تغییر کرد؛ اما فوتبال پابرجا ماند. مسابقات در ادارات مختلف شرکت نفت، همواره از محبوبیت زیادی بین کارکنان و خانواده‌هایشان برخوردار بود. اینجا بود که ایرانی‌ها می‌توانستند انگلیسی‌ها را به چالش بکشند. "امیل ساوازیان" متولد ۱۳۲۴ در آبادان که دوران کودکی خود را به همراه خانواده در مسجد سلیمان سپری کرده بود و از ارمانه قدیمی نفتی و سال‌هاست که در خارج از کشور زندگی می‌کند، در مصاحبه تاریخ شفاهی که برای کتاب ارمانه و صنعت نفت انجام شد، یکی از این بازی‌ها را که در دوران کودکی او برگزار شده بود، به خاطر داشت. او برایم گفت که به مناسبت‌های مختلف، بازی فوتبال بین انگلیسی‌ها و تیم‌های منتخبی از کارکنان ایرانی کمپانی نفت برگزار می‌شد. یکی از این بازی‌ها را به خاطر دارم که انگلیسی‌هایک

گل به ایرانی‌ها زدند. یکی از کارگران مسجد سلیمان نامش "مهدی" بود و در گویش محلی و محاوره‌ای، او را "میتی" صدا می‌زدند. به قول امروزی‌ها، دفاع سختی بود. تماشاچیان پرشور مسجد سلیمانی، وقتی انگلیسی‌ها به سمت دروازه ایرانی‌ها حمله می‌کردند، یک صدا فریاد می‌زدند: "میتی قلمش کن، میتی قلمش کن". یعنی تکل محکم بر روی پای حریف و میتی هم البته کم نمی‌گذاشت و هر از گاه ساق یک انگلیسی را قلم می‌کرد. مسابقات فوتبال نفت پس از ملی شدن نیز بین ادارات شرکت نفت و شهرستان‌های مختلف نفتی در کنار مسابقات والیبال، گلف و اسب دوانی بسیار رایج و مرسوم بود که در بولتن‌های نفتی، اخبار زیادی از آن ثبت شده است. یاد بولتنی دیگر آمده است: نتیجه مسابقات فوتبال ادارات قهرمانی، روز جمعه ۳۰ فروردین ۱۳۴۲ ساعت ۴ بعد از ظهر در زمین ورزشی میدان برگزار شد و تیم اداره سرویس‌های اداری، کاپ قهرمانی را برد و اداره مخابرات به مقام دوم رسید. پیش از آن و از سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ تیم ملی فوتبال ایران تشکیل شده و به عنوان نخستین مسابقه با افغانستان دیدار کرده بود. ورزشگاه امجدیه نیز در همین سال هاتاسیس شد و نهایتاً در سال ۱۳۲۵ بود که فدراسیون فوتبال ایران تشکیل شد و یک سال بعد به عضویت فیفا درآمد. به این ترتیب باید گفت که سابقه فعالیت فوتبال در مناطق نفت خیز، حدود ۳۸ سال قبل از تاسیس فدراسیون فوتبال ایران است. شرکت نفت در کنار حفار چاه‌های نفت و گاز جدید، به ساخت ابنیه خدماتی رفاهی و ورزشی نیز توجهی ویژه داشت. آنها این آموزه انگلیسی را سرلوحه داشتند که می‌گفت، برای آنکه بهتر کار کنی، بیشتر تفریح کن! ساخت کلوپ‌ها و باشگاه‌ها در شهرهای مختلف مناطق نفت خیز، از مسجد سلیمان و آبادان تا هفتکل، لالی، عنبل، آغا جاری، امیدیه، گچساران و اهواز توسعه یافت. پس از آنکه باشگاه‌های مختلف در مناطق نفت خیز از سوی شرکت نفت ساخته شد، مسابقه‌ها به صورت باشگاهی برگزار شد که این گونه مسابقه‌ها نیز مبدأ و آغاز مسابقه‌های باشگاهی در ایران شدند.

بیشتر این باشگاه‌ها، دارای زمین فوتبال اختصاصی، استخر شنا، سالن ورزش، سالن سینما و سایر امکانات فرهنگی و ورزشی بودند و در حال حاضر نیز تعدادی از آنها، با وجود تغییر کاربری، در مناطق نفت خیز وجود دارند و میراث صنعتی نفت محسوب می‌شوند. باشگاه‌های فرهنگی و ورزشی نیز در مناطق نفت خیز سابقه ای نزدیک به یک قرن دارد و هر باشگاه در رشته‌های مختلف دارای تیم‌های ورزشی بوده و در عرصه فرهنگی و هنری نیز فعال و واجد افتخارات ملی و بین‌المللی است.

قدمت برخی استادبوم‌های ورزش فوتبال در مناطق نفت خیز ایران، با ورزشگاه‌های ساخته شده برای المپیک ۱۹۰۸ در لندن هم‌زمان است. در چنین فضایی، بازی فوتبال منجر به ظهور فوتبالیست‌های مطرحی شد که برای تیم ملی ایران افتخار آفریدند. چند نام شاخص در این زمینه قابل اشاره است:

#### فوتبالیست‌های نفتی

صفرعلی ایرانی‌بک، معروف به صفر ایرانی‌بک، ۲ دی ۱۳۲۵ در مسجد سلیمان متولد شد و فوتبال را از زمین‌های خاکی مهد فوتبال ایران آغاز کرد. او سپس



ابراهیم قاسمیپور

به شاهین اهواز پیوست و سرانجام در تیم پرسپولیس پایتخت، زندگی حرفه‌ای خود را ادامه داد. ایرانی‌بک که رکورددار گلزنی در شهرآورد تهران است، در ۱۱ بهمن ۱۳۸۷ و در سن ۶۲ سالگی در استکهلم سوئد درگذشت و پیکرش بنابه وصیتی که کرده بود، به وطن بازگردانده و در اهواز به خاک سپرده شد.

ایرج سلیمانی، متولد ۱۳۲۵ در شرکت شهر نفتی آغا جاری، دیگر فوتبالیست شاخص تاریخ فوتبال ایران است که از مناطق نفت خیز ایران برخاست. سلیمانی، نوجوانی خود را در مسجد سلیمان سپری کرد و همانجا به تیم جوانان شاهین مسجد سلیمان پیوست. او برای تیم منتخب آموزشگاه‌های مسجد سلیمان نیز برگزیده شد و در مسابقات کشوری حضور یافت. عضویت در تیم فوتبال باشگاه شاهین اهواز، سکوی انتقال این فوتبالیست خلاق نفتی به باشگاه پرسپولیس شد. ایرج سلیمانی، پنج فصل متوالی و موفق را با سرخپوشان سپری کرد و در این مدت سه بار موفق به کسب عنوان نخست باشگاه‌های ایران (جام منطقه ای و جام تخت جمشید) شد.

او اسفند ۱۳۸۷ درگذشت و در کرج به خاک سپرده شد. برزیل ایران، آبادان نیز بازیکنان شاخص بسیاری به فوتبال ایران معرفی کرد. یکی از شاخص‌ترین آنها، ابراهیم قاسمیپور، متولد ۱۳۳۶ آبادان است. او فوتبال را از تیم صنعت نفت آبادان آغاز کرد و نخستین بازیکن نفتی در نخستین تیم ملی کشور بود که توانست در جام جهانی حضور داشته باشد. او در تیم ملی خوش درخشید و طی فقط ۳ سال (۱۳۵۴-۱۳۵۷) در ۲۸ بازی رسمی برای ایران به میدان رفت. استاد ابراهیم قاسمیپور اکنون دوران مربیگری خود را سپری می‌کند. کریم بوستانی، کریم باوی، برادران بختیاری زاده، بهزاد شهینی غلامپور، کوروش لرستانی، میلاد میداودی، داریوش یزدی و بسیاری از فوتبالیست‌های شاخص دیگر که نام‌هایی بزرگ در تاریخ فوتبال ایران و آسیا به شمار می‌روند، از خاک فوتبال خیز مناطق نفت خیز ایران برخاسته‌اند؛ جایی که فوتبال جایگاهی ویژه بین مردانش دارد.

#### عشق به فوتبال در مناطق نفت خیز

سیمون کوپر در کتاب "فوتبال علیه دشمن" گفته است: فوتبال چیزی بسیار بیشتر از محبوب‌ترین بازی

جهان و برای میلیون‌ها نفر در سراسر جهان مانند مرگ و زندگی است. این امر در خوزستان و مناطق نفت خیز ایران و در طول تاریخ شکل‌گیری و توسعه فوتبال به موازات شکل‌گیری و توسعه صنعت نفت ادامه داشته است. در مناطق نفت خیز مردم با فوتبال به دنیایم آیند، زندگی می‌کنند و می‌میرند. در طول این سال‌ها خیلی چیزها تغییر کرده و این تغییر حتی به رابطه مردم با فوتبال هم رسیده است؛ اما همچنان بارقه‌هایی از ارتباط احساسی و عاطفی با فوتبال بر سکوهای داغ استادبوم‌های فوتبال در خوزستان وجود دارد؛ احساسی که تأیید کننده تداوم فوتبال در زادگاه آن است.

#### تحولات تاریخی در میدان بازی

در عرصه جهانی نیز فوتبال جایگاهی ویژه دارد و در طول تاریخ خود بارها تبلور یا جایگزین حتی جنگ‌ها و درگیری‌های بین کشورها شده است. شاخص‌ترین مصادیق آن، اختلاف‌های تاریخی انگلستان با آرژانتین بر سر جزیره فالکلند و گل معروف به دست خدای دیه گوارماندو مارادونا در جام جهانی ۱۹۸۶ بود. بازی فوتبال همچنان می‌تواند جایگزین جنگ‌ها و خونریزی‌ها با صلح‌آمیزترین روش باشد. اواسط قرن ۱۹ ویلیام جیمز، فیلسوف عمل‌گرای آمریکایی، جنگ طلبی را از خواست‌های غریزی و وحشیانه انسان بر شمرد و معتقد بود اگر برای جنگ جانشینی پیدا نشود تا هیجانان همراه آن را آرامش بخشد، صلح دوام چندانی نخواهد داشت. وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم که پس از حیات جیمز و عمدتاً بر سر برتری جویی نژادی و ملیت‌خواهی افراطی به وقوع پیوست، تا اندازه‌ای می‌تواند مؤید نظرات او باشد. اکنون می‌توان مدعی شد که طی یک قرن اخیر فوتبال در دنیا، بخصوص جوامع پیشرفته، همان پدیده‌ای شده که او خواهان جایگزینی آن به جای جنگ بود. از آنجا که ورزش پیامی بالاتر از صلح ندارد، فوتبال می‌تواند رویکردی انسانی برای جایگزینی خونریزی‌ها و میدانی برای جایگزینی جنگ باشد. این ورزش در ایران، میراث صنعت نفت و صلح در جهان، میراث بشریت است.

تویی که از مناطق نفت خیز تا میدان های بین المللی به گردش درآمد

# فوتبال در زمین نفت

بررسی ارتباط بین فوتبال و نفت را از کجا باید آغاز کرد؟ اگر بخواهیم نگاه علمی و تاریخی داشته باشیم، باید ابتدا به چگونگی ورود فوتبال به ایران توجه کنیم. به اعتقاد من، فوتبال از سه مسیر اصلی وارد ایران شد؛ از طریق شرکت های خارجی، بویژه مجموعه های وابسته به صنعت نفت مانند شرکت نفت انگلیس و ایران، به وسیله مؤسسات و مراکز مذهبی و آموزشی مثل میسیونرهای مذهبی و از طریق نهاد نظامی یعنی ارتش؛ اما وقتی از نسبت نفت و فوتبال صحبت می کنیم، طبیعتاً تمرکز بر مسیر نخست است؛ یعنی شرکت نفت و تأثیری که بر جامعه ایران گذاشت.

چه نشانه هایی برای فعالیت اولیه فوتبال در ایران وجود دارد؟

اگر بخواهیم ریشه های حضور فوتبال در ایران را بررسی کنیم، باید به پیش از دوران کشف نفت بازگردیم؛ زمانی که رد پای حضور انگلیسی ها در مناطق جنوبی، بویژه بوشهر به وضوح دیده می شد. جالب است بدانید در روایات تاریخی آمده که حدود سال ۱۲۷۷ شمسی در اصفهان، پسران ظل السلطان اولین مسابقات فوتبال را با انگلیسی ها برگزار کردند. اما نقطه عطف این ورزش در ایران را باید دهه های ۲۰ و ۳۰ شمسی بدانیم؛ دورانی که مدارس و آموزشگاه ها به کانون اصلی تحولات بدل شدند و اولین تیم های منسجم شکل گرفتند. به عنوان نمونه می توان به رقابت های میان تیم دبیرستان البرز و تیم ارامنه تهران اشاره کرد که در کنار شکل گیری سازمان تربیت بدنی، مسیر را برای حرفه ای تر شدن ورزش هموار کرد. در عرصه تیم ملی نیز، اولین دیدارهای برون مرزی ایران در بادکوبه (باکو) انجام شد؛ البته فوتبال در آن سال ها با خاطرات تلخی هم گره خورد. به عنوان مثال، تیم ملی در ۲ شهریور ۱۳۲۰ در افغانستان مسابقه ای داشت که درست یک روز بعد، در سوم شهریور، کشورمان به اشغال نیروهای متفقین درآمد و وضعیت بسیار دشواری به وجود آمد. بازیکنانی که تا دیروز مورد تکریم و استقبال گرم برگزارکنندگان بودند، ناگهان در شرایط سیاسی به هم ریخته آن زمان در افغانستان سرگردان شدند. خوشبختانه در آن لحظات بحرانی، با درایت حسین صدقیانی (اولین لژیونر فوتبال و بعدها مدیر تیم در جام جهانی آرژانتین) اعضای تیم توانستند به سلامت به کشور بازگردند.

نفت چگونه فضای اجتماعی ایران را تغییر داد؟

برای فهم این موضوع، نباید نفت را صرفاً یک منبع اقتصادی ببینیم. نفت یک عامل تحول آفرین بود که وارد جامعه ایران شد و بسیاری از مناسبات را تغییر داد. شهرهایی مانند آبادان، مسجدسلیمان و بخش مهمی از زیرساخت های خوزستان در نتیجه کشف و استخراج نفت شکل گرفتند. اگر نفت نبود، آبادان به شهری با آن جایگاه تبدیل نمی شد، مسجدسلیمان توسعه پیدا نمی کرد و بسیاری از تأسیسات، بنادر، خطوط ارتباطی و امکانات عمرانی هرگز به وجود نمی آمدند. در کنار

**یونس صادقی** | فوتبال ایران را نمی توان بدون توجه به نقش صنعت نفت و مناطق نفت خیز جنوب، خصوصاً خوزستان روایت کرد. از مسجدسلیمان و آبادان تا اهواز و خرمشهر، نفت نه تنها اقتصاد و ساختار اجتماعی این مناطق را متحول کرد؛ بلکه بستری برای شکل گیری یکی از مهم ترین جریان های فوتبال ایران شد. حبیب الله اسماعیلی، پژوهشگر و مورخ فوتبال، که دارای چند تألیف در حوزه تاریخ شفاهی فوتبال است، در گفت و گو با ماهنامه "مشعل" به بررسی رابطه تاریخی بین صنعت نفت و فوتبال پرداخته و نقش شرکت های نفتی در شکل گیری تیم ها، زیرساخت ها و تحولات فرهنگی فوتبال ایران را تشریح کرده است. او معتقد است که ورود نفت به ایران نه تنها اقتصاد؛ بلکه ساختار اجتماعی و ورزشی کشور را دگرگون کرد. از این رو نفت، یکی از مهم ترین عوامل مؤثر در توسعه فوتبال ایران بوده است.



این تحولات اقتصادی، یک دگرگونی فرهنگی و اجتماعی نیز رخ داد. خوزستان به یکی از مراکز مهم تولید فرهنگ تبدیل شد. نویسندگان، هنرمندان، سینماگران و فعالان فرهنگی متعددی از این منطقه برخاستند. فوتبال نیز بخشی از همین تحول گسترده بود.

#### 🔥 نقش شرکت نفت در گسترش فوتبال چه بود؟

یکی از مهم ترین مسئولیت های شرکت نفت، سامان دهی اوقات فراغت کارکنان و خانواده های آنان بود. در بسیاری از کشورهای صنعتی نیز چنین تجربه ای وجود داشت. ورزش، بویژه فوتبال، به عنوان یکی از ابزارهای مهم برای این هدف مورد توجه قرار گرفت. به همین دلیل زمین های فوتبال ساخته شد، باشگاه ها شکل گرفتند و مسابقات به طور منظم برگزار می شدند. در واقع شرکت نفت تنها به استخراج نفت نمی پرداخت؛ بلکه در حوزه های فرهنگی و ورزشی نیز سرمایه گذاری می کرد. نخستین تصاویر و اسناد جدی فوتبال در مناطق نفت خیز کشور به همین دوره بازمی گردد. مسجد سلیمان، آبادان و سایر مناطق نفتی خیلی زود به مراکز مهم فوتبال تبدیل شدند.

#### 🔥 آیا می توان گفت خوزستان به قلب فوتبال ایران تبدیل شد؟

بدون تردید یکی از مهم ترین کانون های فوتبال ایران، خوزستان بود. هنوز هم اگر تاریخ فوتبال کشور را مرور کنیم، می بینیم که بخش بزرگی از ستاره ها و استعداد های فوتبال ایران از این منطقه برخاسته اند. جالب است بدانید در روزنامه اطلاعات مورخ چهارم شهریور ۱۳۲۴، فهرست بازیکنان دعوت شده به تیم ملی منتشر شده است. در آن فهرست، چهار بازیکن از آبادان، ۲ بازیکن از مسجد سلیمان و یک بازیکن از اهواز حضور دارند. یعنی از ۱۱ بازیکن اصلی، هفت نفر از مناطق نفتی خوزستان انتخاب شده بودند. این آمار بخوبی نشان می دهد که فوتبال خوزستان تا چه اندازه در سطح ملی تأثیرگذار بوده است.

#### 🔥 چه چهره هایی از دل این جریان به فوتبال ایران معرفی شدند؟

تعداد این چهره ها بسیار زیاد است. از مرحوم پرویز هداری گرفته تا محراب شاهرخی، ناظم گنجاپور، ابراهیم قاسم پور، حسن نظری، مجید حلوابی، محمد صادقی و ده ها نام دیگر. بسیاری از این افراد یا خودشان در مجموعه صنعت نفت فعالیت داشتند یا خانواده هایشان به نحوی با شرکت نفت مرتبط بودند. به همین دلیل می توان گفت که نفت نه تنها زیرساخت فوتبال را فراهم کرد؛ بلکه در پرورش سرمایه انسانی فوتبال ایران نیز نقش مهمی داشت.

#### 🔥 باشگاه های نفتی چه نقشی در توسعه فوتبال داشتند؟

وقتی فوتبال گسترش پیدا کرد، نیاز به سازمان دهی حرفه ای نیز به وجود آمد. از همین جا باشگاه ها



🔥 مسابقه فوتبال در مسجد سلیمان در روزگار احمدشاه قاجار

که نفت، تنها یک منبع درآمد اقتصادی نبود؛ بلکه زمینه ایجاد شهرها، زیرساخت ها، باشگاه ها، امکانات آموزشی و

ورزشی و حتی هویت های فرهنگی جدید را فراهم کرد. در چنین بستری بود که فوتبال رشد کرد و به یکی از مهم ترین پدیده های اجتماعی ایران تبدیل شد. امروز وقتی از تاریخ فوتبال ایران سخن می گوئیم، نمی توانیم نقش آبادان، مسجد سلیمان، اهواز و سایر مناطق نفت خیز را نادیده بگیریم. همان طور که نمی توان نقش صنعت نفت را در شکل گیری این جریان بزرگ ورزشی نادیده گرفت. در واقع بخشی از تاریخ فوتبال ایران، مسیری که در بسیاری از نقاط به هم رسیده اند و سرنوشت مشترکی را رقم زده اند.

نفت، تنها یک منبع درآمد اقتصادی نبود؛ بلکه زمینه ایجاد شهرها، زیرساخت ها، باشگاه ها، امکانات آموزشی و ورزشی و حتی هویت های فرهنگی جدید را فراهم کرد. در چنین بستری بود که فوتبال رشد کرد و به یکی از مهم ترین پدیده های اجتماعی ایران تبدیل شد

شکل گرفتند. صنعت نفت در این بخش نیز نقش تعیین کننده ای داشت. باشگاه هایی مانند صنعت نفت آبادان، نفت تهران و بعدها نفت اهواز و سایر تیم های وابسته به صنایع نفتی، بخشی از همین روند بودند. این باشگاه ها فقط تیم فوتبال نداشتند؛ بلکه زمین ورزشی می ساختند، امکانات تمرینی فراهم می کردند، مسابقات برگزار کرده و به توسعه فوتبال در سطح محلی و ملی کمک می کردند.

#### 🔥 تأثیر نفت فقط به فوتبال محدود بود؟

خیر. اتفاقاً یکی از نکات مهم همین است. وقتی یک پدیده بزرگ اجتماعی شکل می گیرد، تنها یک نتیجه به همراه ندارد. فوتبال باعث شکل گیری مجموعه ای از فعالیت های جانبی شد؛ از داوری و مربیگری گرفته تا رسانه های ورزشی، فروشگاه های تجهیزات ورزشی، تولید لباس های ورزشی، ساخت ورزشگاه ها و حتی ایجاد بازارهای اقتصادی پیرامون ورزش. به عبارت دیگر، نفت زمینه را برای ظهور فوتبال فراهم کرد و فوتبال نیز به نوبه خود ده ها فعالیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دیگر را به وجود آورد.

#### 🔥 آیا نمونه هایی از نقش اجتماعی فوتبال در آن دوران وجود دارد؟

بله، به عنوان مثال پس از زلزله بزرگ لار در سال ۱۳۳۹، بسیاری از تیم های فوتبال مسابقات خیریه برگزار کردند و درآمد حاصل از آن را به زلزله زدگان اختصاص دادند. این نشان می دهد که فوتبال، تنها یک سرگرمی نبود؛ بلکه بتدریج به یک نهاد اجتماعی تبدیل شد که می توانست در مسائل عمومی جامعه نیز نقش آفرینی کند.

#### 🔥 جمع بندی شما از رابطه نفت و فوتبال چیست؟ اگر بخواهم در یک جمله بگویم، باید تأکید کنم

#### 🔥 در انتها اگر صحبت باقی مانده بفرمایید

بازخوانی روایت درباره فوتبال و نفت محصول یک پروژه بزرگ تحت عنوان تاریخ شفاهی فوتبال بود که با ۴۰ نفر از بزرگان این حوزه مصاحبه شد. اخلاق حرفه ای اقتضا می کند از همه همکاران و همراهان یاد شود. در همین جا باید از سیدرضا صالحی امیری و مدیران وقت کمیته ملی المپیک به خاطر حمایت از این پروژه و سرکار خانم شادی معرفتی که زحمات زیادی در جمع آوری، تدوین و چاپ کتاب های تاریخ شفاهی فوتبال کشیدند تشکر کنم.

**آرامکو و فیفا**

شرکت آرامکو عربستان که از بزرگترین شرکت‌های نفتی دنیاست، با فیفا قرارداد بسته و حامی رسمی جام جهانی شده است. این سرمایه‌گذاری به برگزاری بهتر مسابقات، ساخت ورزشگاه‌های مدرن و بخصوص به فوتبال پایه در قاره‌های آسیا، آفریقا و آمریکا کمک می‌کند. طبق اعلام آرامکو، این شرکت در سال ۲۰۲۴ میلادی قرارداد مشارکت با فیفا را به امضا رسانده و در رویدادهای مختلف، مشارکت خواهد داشت. همچنین قرار است ورزشگاه آرامکو آرنا میزبان جام جهانی ۲۰۳۴ میلادی باشد.

**انی**

این شرکت ایتالیایی، حمایت از فوتبال را در بالاترین سطح دنبال می‌کند. انی از سال ۲۰۲۴ به عنوان اسپانسر اصلی سری A فوتبال ایتالیا فعالیت می‌کند و همچنین شریک اصلی تیم‌های ملی فوتبال ایتالیا است.

**بی‌پی**

بی‌پی به عنوان شریک رسمی انرژی لیگ برتر انگلستان فعالیت می‌کند و برندهای آن مانند کاسترول و بی‌پی پالس (شارژ خودروهایی برقی)، با باشگاه بزرگی مثل ناتنهام قرارداد اسپانسرری دارند.

**گازپروم**

این غول گازی روسیه، باشگاه زیت سن پترزبورگ را کاملاً تحت حمایت خود گرفته است. ورزشگاه این تیم، «گازپروم آرنا» یکی از مدرن‌ترین ورزشگاه‌های اروپاست. این سرمایه‌گذاری باعث شده، تیم زیت به یک قدرت بزرگ تبدیل شود و هواداران زیادی داشته باشد.

**اکسون موبیل**

این غول آمریکایی در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کند و معمولاً بر حمایت از ریشه‌های محلی متمرکز است. در استرالیا، از باشگاه فوتبال ویلیامزتون حمایت می‌کند و در گویان نیز برای ۶ سال متوالی، اسپانسر اصلی مسابقات مدارس زیر ۱۴ سال بوده تا استعداد‌های جوان را پرورش دهد. این نشان می‌دهد که نگاه‌شان فراتر از تبلیغات صرف و معطوف به سرمایه‌گذاری در جامعه است.

**آرامکو و القادسیه**

آرامکو به طور مستقیم باشگاه القادسیه عربستان را خرید و هدف خود از این کار را ساخت یک باشگاه پایدار و ریشه‌دار دانسته است، نه باشگاهی که فقط برای یک فصل پول خرج کند و قهرمان شود.

**شرکت ملی نفت چین (CNPC)**

این شرکت با حمایت از برنامه فوتبال جوانان در استان‌هایی مانند سین‌کیانگ و حمایت از مسابقات منطقه‌ای مانند «لیگ برتر شمال» نقش فعالی در ترویج و توسعه فوتبال ریشه‌ای در چین دارد. شرکت ملی نفت چین همچنین حامی مالی مسابقات فوتبال جوانان در عراق بوده و به توسعه این ورزش کمک کرده است.



نقش پررنگ شرکت‌های نفتی در ورزش

# غول‌های



**یحیی احمدی** | حتماً شما هم تا به حال، اسم شرکت‌های بزرگی مثل آرامکو عربستان، گازپروم روسیه یا پتروناس مالزی را روی پیراهن تیم‌های فوتبال یا دور بیست‌های مسابقات فرمول یک دیده‌اید. شاید برایتان سوال شده که چرا یک شرکت نفتی باید در ورزش سرمایه‌گذاری کند؟ پاسخ ساده است: این کار در سراسر دنیا یک رویه معمول و مفید است. شرکت‌های نفتی نه فقط برای تبلیغات؛ بلکه برای کمک به رشد ورزش، ایجاد زیرساخت‌های مناسب و گسترش شور و نشاط در جامعه، از تیم‌ها و رویدادهای ورزشی حمایت می‌کنند.

### توتال

حمایت از تیم ملی راگی فرانسه، شراکت با تیم دو چرخه سواری حرفه‌ای و سرمایه‌گذاری در بزرگ‌ترین رویداد ورزشی فرانسه یعنی تور دو فرانس، تنها بخشی از فعالیت گسترده این شرکت فرانسوی است. این تنوع در حمایت از رویدادهای ورزشی، نشان دهنده تعهد این شرکت به حمایت از فرهنگ و ورزش در بالاترین سطح است.

### شرکت ملی نفت نیجریه

این شرکت به عنوان یک شریک کلیدی، ضمن حضور به عنوان اسپانسر اصلی تیم ملی، برای بازسازی و تجاری سازی فوتبال این کشور برنامه ریزی کرده است.

### شورون

فعالیت شورون، به ایفای نقش اجتماعی در جوامع محلی متمرکز است. به عنوان اسپانسر رسمی باشگاه آستین آف سی و هیوستون داینامو، پویژه روی تیم زنان 'هیوستون دش' متمرکز شده تا فوتبال آمریکایی را برای دختران جوان رایگان و در دسترس قرار دهد.

### اکوینور

اکوینور به عنوان یک حامی بزرگ در ورزش های زمستانی نروژ، از جمله اسکی صحرانوردی، سرمایه‌گذاری کرده و در برگزاری مسابقات دو چرخه سواری مشارکت دارد. این نمونه جالبی از همکاری شرکت های نفتی با ورزش هایی است که ریشه عمیقی در فرهنگ و طبیعت آن کشورها دارند. شرکت سسپا (Cespa) نیز در ایتالیا، به عنوان اسپانسر باشگاه جنوا در سری A فعالیت می کند.

### سونانگول

این شرکت نفتی دولتی آنگولا از چنان نفوذی برخوردار است که باشگاهی به نام سونانگول نامیده در آن کشور فعالیت می کند و همچنین اسپانسر اصلی بسیاری از باشگاه های دیگر نیز است.

### سینوپک

این شرکت بزرگ چینی نیز با برگزاری مسابقاتی مانند «جام سینوپک» برای کارآفرینان چینی در خارج از کشور و حمایت از مسابقات فوتبال شرکت های چینی در کشورهایمانند اندونزی، از طریق ورزش، پل های فرهنگی و تجاری می سازد.

### پتروناس و مرسدس

شرکت ملی نفت مالزی، پتروناس، با تیم مرسدس در فرمول یک همکاری فنی دارد. یعنی فقط پول نمی دهد؛ بلکه روغن ها و سوخت های مخصوص را هم تأمین می کند. نتیجه این همکاری، سال ها قهرمانی و افتخار برای هر دو طرف بوده است.

### پتروبراس

پتروبراس با سابقه ای درخشان در حمایت از فوتبال، به عنوان اسپانسر فدراسیون فوتبال برزیل و تیم محبوب فلو میننزه، نقش مهمی در پرورش استعدادها و ترویج برابری جنسیتی در این ورزش داشته است. علاوه بر فوتبال، این شرکت حامی اصلی تیم ملی برزیل در رشته های المپیک و پارالمپیک نیز بوده و به پرورش قهرمانان واقعی کمک کرده است.

### حرف آخر:

یک مشارکت برد- برد برای آینده همانطور که دیدیم، در سراسر دنیا شرکت های نفتی با افتخار در کنار ورزشکاران و تیم های ایستاده اند. آنها برای کمک و توسعه، وارد ورزش شده اند. استاد یوم می سازند، به نوجوانان با استعداد فرصت رشد می دهند، شغل ایجاد می کنند و لحظات شادی را برای میلیون ها نفر رقم می زنند. امروزه ورزش حرفه ای بدون این سرمایه ها نمی تواند دوام بیاورد. پس حمایت شرکت های نفتی لازم و ضروری است. درست مثل یک ماشین مسابقه ای که به سوخت خوب نیاز دارد، ورزش جهانی هم به حمایت شرکت های انرژی نیازمند است. این یک همکاری موفق و ارزشمند است.



# انرژی در تعقیب جام ها



▲ تشکیل تیم فوتبال صنعت نفت آبادان از تیم های جم و تاج / دهه ۱۳۵۰



◀ مسابقه فوتبال در مسجد سلیمان / دهه ۱۳۱۰



▲ تیم فوتبال کارگران پالایشگاه نفت آبادان / دهه ۱۳۰



▲ تیم فوتبال باشگاه ایران در آبادان / سال ۱۳۱۳



◀ تیم فوتبال صنعت نفت آبادان با سرمربیگری هری کیم انگلیسی / سال ۱۳۵۴

# خانواده



روایتی از بالندگی زوج نفتی که  
سختی‌های کار را با زندگی مشترک  
در هم آمیخته‌اند

# آشیانه شکوفایی



**مشعل** | در صنعتی که شیفت‌های طولانی و مأموریت‌های پی‌درپی، بخش جدانشدنی آن هستند، حفظ تعادل میان مسئولیت‌های کاری و زندگی خانوادگی، هنری دشوار است؛ هنری که امین حاج‌جعفری و زینب حیدری، زوج شاغل در شرکت نفت مناطق مرکزی ایران، حدود ۱۹ سال است با صبوری و همدلی به آن معنا بخشیده‌اند؛ هم در چرخه انرژی کشور نقش‌آفرینی کرده‌اند و هم با درک متقابل و همراهی پایه‌های خانه‌ای گرم و استوار را بنا نهاده‌اند؛ خانه‌ای که هم امنیت می‌بخشد و هم دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند و اینچنین زندگی آنها حکایت برنامه‌ریزی، صبوری و همدلی است. زوج نفتی در گفت‌وگو با خبرنگار «مشعل» از چالش‌های روزمره، مسئولیت‌های حرفه‌ای و تربیت فرزندشان، همچنین از تلاش روزانه برای حفظ همدلی خانوادگی در میان سختی‌های کاری؛ داستانی که می‌آموزد چگونه می‌توان در کنار سختی‌های کار صنعت نفت، خانواده‌ای پایدار و عاشقانه داشت.



سال ۱۳۸۶ نقطه آغاز آشنایی این زوج نفتی بود؛ زمانی که هر دو در آغاز پروسه کاری وارد صنعت نفت شدند و همکاری در محیط حرفه‌ای، زمینه‌ای برای شکل‌گیری علاقه، اعتماد و همراهی میان آنها فراهم کرد. این آشنایی به ازدواج و آغاز زندگی مشترک انجامید و اکنون نزدیک به دو دهه از زندگی پرفراز و نشیب آنها می‌گذرد و هر سال پخته‌تر می‌شوند. امین حاج‌جعفری پس از سال‌ها فعالیت در مناطق عملیاتی آغا‌جاری، امروز در سمت کارشناس ارشد برنامه‌ریزی تولید و توسعه در شرکت نفت مناطق مرکزی ایران مشغول به کار است. تجربه و حضور در فضای عملیاتی و سپس ورود به حوزه برنامه‌ریزی، برای او مسیری توأم با تلاش مستمر، مسئولیت‌پذیری و رشد حرفه‌ای رقم زده است. در سوی دیگر این همراهی، زینب حیدری با تحصیلات کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک با گرایش تبدیل انرژی، فعالیت حرفه‌ای خود را از حوزه آزمایش‌های غیرمخرب و بازرسی فنی در مناطق عملیاتی آغاز کرد و پس از تجربه‌اندوزی، به عنوان کارشناس ارشد طراحی مکانیک در شرکت نفت مناطق مرکزی ایران به فعالیت ادامه داده است. پشتکار، دانش تخصصی و استمرار در مسیر حرفه‌ای، از او چهره‌ای مسئولیت‌پذیر و متعهد در عرصه کاری ساخته است.

این زوج در سال‌های فعالیت خود، تجربیات متنوع و ارزشمندی را در کنار یکدیگر اندوخته‌اند. از فعالیت‌های فنی تا مسئولیت‌های تخصصی در صنعت نفت و هر دو با جدیت و تعهد مسیر رشد را پیموده‌اند. تجربه‌های عملیاتی و برنامه‌ریزی تولید در کنار تخصص مهندسی و طراحی، مجموعه‌ای از دانش، تلاش و همدلی را شکل داده که هم در عرصه سازمانی و هم در زندگی مشترک آنها نمود یافته است.

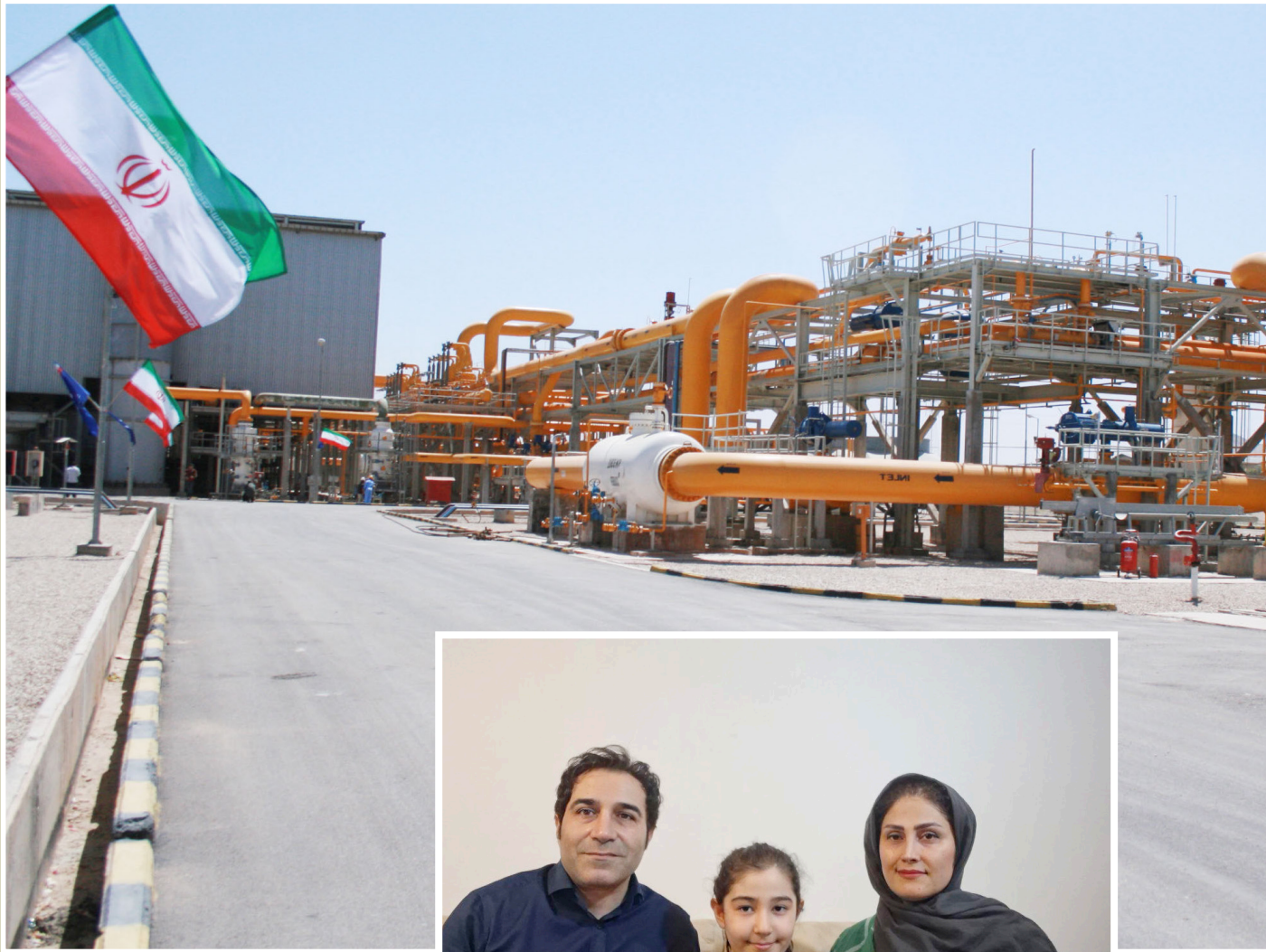
## ماه غسل پیوند نفتی

زندگی مشترک این زوج با فرزند دختر هشت‌ساله‌شان به نام جانان غنی‌تر شده است؛ او که حالا محور شادی و گرمای زندگی و نقطه تمرکز عشق و تلاش‌های روزمره‌شان شده است و حضورش انگیزه‌ای برای ادامه مسیر، تعهد و همراهی این زوج نفتی در کار و زندگی

مشترک. امین و زینب به عنوان یک زوج می‌کوشند تا فرزندشان با آگاهی، شناخت و بر پایه علاقه شخصی، مسیر آینده خود را انتخاب کند. از نگاه آنها، موفقیت در گرو تحمیل یک مسیر از پیش تعیین شده نیست، بلکه در کشف استعدادها و تقویت توانایی‌های فردی معنا پیدای می‌کند؛ به همین دلیل، هیچ‌اصراری بر ورود فرزندشان، «جانان» به حرفه‌ای خاص، حتی صنعت نفت ندارند و انتخاب آگاهانه را مهم‌تر از هر عنوان شغلی می‌دانند و این رویکرد حمایتی، فضایی امن و مطمئن برای رشد او فراهم کرده است؛ فضایی که در آن پرسشگری، تجربه‌کردن و تصمیم‌گیری مستقل تشویق می‌شود. همراهی والدین در کنار ایجاد مسئولیت‌پذیری تدریجی، زمینه‌ساز شکل‌گیری اعتماد به نفس و شخصیت مستقل در اوست؛ رویکردی که نشان می‌دهد همان‌گونه که در عرصه حرفه‌ای بر تعهد و برنامه‌ریزی تکیه دارند، در تربیت فرزند نیز به آگاهی، انتخاب و آینده‌نگری اهمیت می‌دهند.

## تعادل کار و زندگی

یکی از ویژگی‌های برجسته این زوج نفتی، توانایی ایجاد تعادل میان فشارهای کاری و



خانه، تعادلی آگاهانه و پایدار برقرار کنند.

زینب حیدری و امین حاج جعفری با همسو کردن تلاش مشترک، امید و تقسیم هوشمندانه مسئولیت‌ها، چراغ خانه و مسیر حرفه‌ای خود را روشن نگه داشته‌اند. همراهی در روزهای دشوار، صبوری در برابر چالش‌های مالی و مدیریت مشترک امور زندگی، سبب شده است که هم در عرصه شغلی و هم در فضای خانواده، الگویی از همکاری و تعهد باشند و پیامی که آنها به کارکنان صنعت نفت منتقل می‌کنند، برخاسته از همین تجربه زیسته است؛ اینکه با عشق، صبوری، برنامه‌ریزی و مدیریت به موقع در برابر مشکلات، می‌توان میان سختی‌های کار و ارزش‌های خانوادگی تعادل و هماهنگی ایجاد کرد؛ تعادلی که سبب تقویت نهاد خانواده می‌شود.



**این زوج همکار باور دارند همان‌گونه که صنعت نفت ایران با تلاش مستمر و مسئولیت‌پذیری کارکنانش خاندهای مردم را گرم نگه می‌دارد؛ چراغ خانواده نیز با پایبندی به مسئولیت‌های مشترک، مدیریت چالش‌های مالی و درک متقابل روشن می‌ماند**

و فشار بیشتری را بر خانواده وارد کرده است؛ موضوعی که امیدوارند سال جدید کمرنگ‌تر شود و آرامش خانه را تحت تأثیر قرار ندهد. این زوج همکار باور دارند همان‌گونه که صنعت نفت ایران با تلاش مستمر و مسئولیت‌پذیری کارکنانش خاندهای مردم را گرم نگه می‌دارد؛ چراغ خانواده نیز با پایبندی به مسئولیت‌های مشترک، مدیریت چالش‌های مالی و درک متقابل روشن می‌ماند.

#### در ادامه مسیر

نزدیک به دودهمه همراهی و تلاش مشترک، برای این خانواده نفتی تجربه‌ای ارزشمند از مسئولیت‌پذیری رقم زده است؛ تجربه‌ای که نشان می‌دهد می‌توان در کنار مسئولیت‌های سنگین شغلی، زندگی خانوادگی را نیز با عشق و درک متقابل پیش برد. آنها در طول این سال‌ها کوشیده‌اند میان کار در صنعت نفت و آرامش

زندگی خانوادگی است. با وجود مأموریت‌های کاری و چالش‌های مرتبط با زمان کاری مشترک که هر دو با هم از خانه خارج می‌شوند و برمی‌گردند، آنها همواره تلاش کرده‌اند که با تقسیم مسئولیت‌های خانه و درک متقابل و تربیت فرزند را هوشمندانه مدیریت کنند.

سختی‌های شغلی نیز بخش جدایی‌ناپذیر زندگی این زوج است، اما همکاری و صبوری خانم حیدری و مدیریت آقای حاج جعفری، توانسته است این دشواری‌ها را به فرصتی برای تقویت رابطه خانوادگی تبدیل کند. آنها با نگاه مدیریت محور، هماهنگی در امور خانه و پرورش فرزند، زندگی روزمره را به شکلی منظم و پایدار پیش می‌برند.

امین حاج جعفری و زینب حیدری، بزرگ‌ترین چالش مشترک خود را مسائل و فشارهای مالی می‌دانند؛ دغدغه‌ای که با وجود اشتغال هر دو در صنعت نفت، در سال‌های اخیر پررنگ‌تر شده

گفت و گو با خانواده ورزشی ایلیا صالحی  
 قهرمانی که با مدال المپیک راضی می شود

# رام کردن غرور پهلوانی



**مشعل** | ایلیا صالحی پور را می توان یکی از موفق ترین فرزندان شرکتی صنعت نفت ایران در حوزه ورزش دانست. فرزندى که با رویای به تن کردن لباس تیم ملی و کسب مدال طلای المپیک، از ۱۴ سالگی پله پله مسیر موفقیت در رشته وزنه برداری را بالا آمده و حالا در ۱۹ سالگی به یکی از چهره های با استعداد تیم ملی وزنه برداری تبدیل شده. به طوری که مربیانش را در کسب طلای المپیک امیدوار کرده است.

او فرزند افشین صالحی از همکاران با سابقه شرکت بهره برداری نفت و گاز مسجد سلیمان است. علی، برادر ایلیا نیز پیش از این به صورت حرفه ای در رشته وزنه برداری فعال بوده و لباس تیم ملی را تا مدت ها به تن داشته است؛ اما در پی حادثه ای که منجر به آسیب دیدگی او شد، به مربیگری در این حوزه روی آورده است. خبرنگار ماهنامه «مشعل» با ایلیا و خانواده او (پدر، مادر و سه برادر) گفت گویی انجام داده است که در ادامه می خوانید.

## علی و ایلیا به دنبال علاقه شخصی خود رفتند

شد تا هردو به معنای واقعی، به این ورزش روی آورند و علاقه شخصی خود را دنبال کنند. به خاطر دارم، در ماه مبارک رمضان و در دوران کرونا، با تمام سختی‌هایی که برای پیدا کردن محل مناسب تمرین وجود داشت، از فدراسیون وزنه برداری تماس گرفتند که ایلیا در مسابقات انتخابی حاضر شود. ایلیا در آن زمان ۱۴ سال داشت و در این سن، توانست عضو تیم ملی نوجوانان و بعد جوانان و بزرگسالان وزنه برداری شود.

صالحی پور درباره پی بردن به استعداد علی و ایلیا در وزنه برداری توضیح می‌دهد: وزنه برداری برخلاف تفکر عموم، چندان به زور و قدرت بدنی ورزشکار مرتبط نیست؛ بلکه به عوامل مهم دیگری مانند استعداد، تکنیک و فیزیک ورزشکار بستگی دارد. علی در اولین حضور خود، بخوبی تکنیک‌ها را اجرا می‌کرد که این نشان دهنده استعداد او در این ورزش بود. به همین دلیل شرایط ادامه فعالیت علی را در وزنه برداری فراهم کرد. زمانی که علی و ایلیا تصمیم گرفتند به صورت حرفه‌ای در این زمینه فعالیت کنند، به طور مستقیم زیر نظر خودم و زمانی هم که به تیم ملی راه یافتند، زیر نظر مربیان تمرین می‌کردند. در حال حاضر هم تلاش می‌کنم از هر نظر ایلیا را حمایت و راهنمایی کنم.

وی در جواب این سوال که به عنوان یک مربی، استعداد ایلیا را چگونه ارزیابی می‌کند، می‌گوید: بعضی بچه‌ها ذاتاً قوی و دارای بنیه و استخوان بندی مناسب برای چنین رشته‌ای هستند. تصور کنید چنین استعدادی از قدرت فکری بسیار بالایی هم برخوردار باشد، آن وقت به یکی از استعدادهای متفاوت و خاص در ورزش وزنه برداری تبدیل می‌شود. ایلیا همه این ویژگی‌ها را داشت و از نظر هوش در سطحی بود که معتقد بودیم اگر وزنه برداری را انتخاب نمی‌کرد، حتماً در رشته پزشکی پذیرفته می‌شد. به همین دلیل به عنوان یک مربی معتقدم او آینده درخشانی در این حوزه خواهد داشت.

صالحی پور با تاکید بر نقش خود به عنوان یک پدر می‌گوید: من و همسرم تلاش می‌کنیم تا آنجا که می‌توانیم فرزندانمان را در رسیدن به اهدافشان حمایت کنیم، بخصوص اینکه ایلیا تمایل دارد در کنار ورزش به تحصیل هم ادامه دهد؛ البته هم‌اکنون در رشته تربیت بدنی درس می‌خواند. امیدوارم شرایطی فراهم شود تا حداقل یکی از پسرانم در صنعت نفت مشغول به کار شوند؛ چراکه موفق شده‌اند پرچم ایران و نفت را بالا ببرند.

فرصت را غنیمت می‌شمارم و در همین جا از حمایت‌های شهرام ذوالفقاری، مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجد سلیمان؛ قاسم شیخی، مدیر منابع انسانی و داریوش حسن پور، رئیس امور ورزش این شرکت تشکر می‌کنم.

افشین صالحی پور، پدر ایلیا و کارشناس ارشد مدیریت مالی و رئیس حسابداری عمومی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجد سلیمان، از مربیان با سابقه رشته ورزشی وزنه برداری کشور است. او درباره پیشینه حضورش در این رشته ورزشی می‌گوید: وزنه برداری را از نوجوانی و با حضور در باشگاه نفت مسجد سلیمان آغاز کردم و موفق به کسب مقام قهرمانی این رشته در رده جوانان و بزرگسالان شدم؛ اما بعدها به دلیل مشغولیت‌های کاری و مسئولیت‌م به عنوان سرپرست خانواده، مربیگری در این زمینه را ادامه دادم. بنابراین یک بخشنامه، فعالیت حرفه‌ای ام قطع شد و پس از آن نیز با شیوع ویروس کووید ۱۹ و تعطیلی چند ساله فعالیت‌های ورزشی، ورزش نفت بخصوص رشته وزنه برداری آسیب دید.

در آن سال‌ها برنامه آموزشی خوبی برای رده نونهالان و نوجوانان طراحی کرده بودیم تا در آینده نزدیک، تیم‌های جوانان و بزرگسالان کشوری را آماده کنیم و به تیم ملی تحویل دهیم؛ اما همه این اتفاق‌ها سبب شد نتوانیم چنین استعدادهایی را شناسایی کنیم و آموزش دهیم.

صالحی پور در پاسخ به این پرسش که تا چه اندازه در انتخاب وزنه برداری به عنوان رشته اصلی ۲ فرزندش تأثیرگذار بوده است، توضیح می‌دهد: علی و ایلیا هردو وزنه بردار هستند؛ البته فرزند بزرگ‌ترم، علی که متولد سال ۱۳۸۰ است، در رده نوجوانان و جوانان فعال بود و پس از آسیب دیدگی شدید، هم‌اکنون به عنوان مربی در این حوزه فعالیت می‌کند. ایلیا هم با قدرت، مسیر قهرمانی را پیش گرفته؛ اما موضوع مهم آن است که من آنها را با زور و اجبار به وزنه برداری دعوت نکردم. وی ادامه می‌دهد: علی از زمان کودکی به فوتبال علاقه داشت و در تیم نوجوانان نف مس دسلیمان بازی می‌کرد. در آن سال‌ها من در کنار مهران و بهمن مطلق، در وزنه برداری فعالیت می‌کردیم. به خاطر دارم در آن دوره، همایش یک هفته‌ای برای شناسایی استعدادها در مسجد سلیمان برگزار شد که نزدیک به ۱۰۰ نونهال در این همایش شرکت داشتند. علی و ایلیا نیز در این همایش حضور داشتند و از همانجا با دنیای وزنه برداری آشنا و شیفته فضای حاکم بر این ورزش شدند. همین مساله سبب شد علی بخواهد فعالیت ورزشی خود را در رشته وزنه برداری ادامه دهد. با توجه به اینکه من هم سابقه مربیگری در این رشته را داشتم، تصمیم گرفتیم به علی در راهی که انتخاب کرده، کمک کنیم.

این مربی با سابقه با اشاره به اینکه در خانه آنها همیشه صحبت از ورزش است، تاکید می‌کند: بچه‌ها از کودکی با وزنه برداری و فضای آن آشنا بودند. در مسابقات شرکتی که برگزار می‌شد، معمولاً در مسجد سلیمان با کمبود وزنه بردار مواجه می‌شدیم. در آن روزها علی و ایلیا برای کمک به تیم می‌آمدند و همه این مسائل سبب





### چالش های مادر ۲ قهرمان

برایشان ایجاد نشود. خانم های شاغل، معمولاً مسئولیت های بیشتری در منزل دارند. حال تصور کنید که من در خانه ۴ ورزشکار دارم با نیازهای خاص؛ یکی دیگر از کارهای من شستن لباس های آنهاست؛ زیرا وقتی از تمرین به خانه برمی گردند، باید تمام لباس های ورزشی شان شسته شود. با توجه به حجم بالای لباس ها، ۳ ماشین لباسشویی در منزل، به طور دائم در حال کار بود تا لباس ها به موقع شسته شود و در اختیار بچه ها قرار گیرد. وی تاکید می کند: یک مادر همیشه نگرانی های خاص خود را درباره فرزندانش دارد. علی و ایلیا برای رسیدن به قهرمانی هر روز در حال تلاش و جنگیدن بودند و باید تمرین های بسیار سختی آن هم در رشته وزنه برداری انجام می دادند. به همین دلیل بیشترین نگرانی ام برای پسرانم این بود که هنگام تمرین یا مسابقه، آسیب نبینند و زمانی که آسیب می دیدند هم این حق را به خود نمی دادم که نگرانی ام را جلوی آنها بروز بدهم؛ بلکه تلاش می کردم در کنار همسر، بهترین شرایط را برای بهبود و افزایش قدرت روحی آنها فراهم کنم که هرچه سریع تر دوباره به دنیای ورزش بازگردند. بخشنده درباره سخت ترین بخش مادر یک قهرمان بودن می گوید: فکر می کنم سخت ترین قسمت مادر یک قهرمان بودن، درست زمانی است که فرزندت مسابقه می دهد. من در این زمان همیشه با استرس بالایی مواجه هستم، حتی قبل از برگزاری یکی از مسابقات، به قدری استرس داشتم که در مدرسه حالم بد شد و یکی از همکارانم مرا به بیمارستان برد. هنگام برگزاری مسابقات، بخصوص مسابقاتی که به صورت زنده از تلویزیون پخش می شود، من به آخرین اتفاقی که در خانه داریم، می روم و گوش هایم را می گیرم تا حتی صدای واکنش اعضای خانواده را هنگام برگزاری مسابقه نشنوم.

شیوا بخشنده، مادر ایلیا به عنوان دبیر ریاضی در مسجد سلیمان مشغول به فعالیت است. او که در کنار مسئولیت خود در مدرسه، مدیریت خانه را نیز به عهده دارد، درباره انتخاب زندگی ورزشی هردو فرزندش می گوید: زمانی که علی و بعد از آن، ایلیا تصمیم گرفتند در رشته وزنه برداری فعالیت خود را به صورت حرفه ای ادامه دهند، من هم به عنوان یک مادر تمام تلاش خود را کردم تا بهترین حمایت را از آنها داشته باشم. مساله مهمی که وجود داشت، این بود که هم علی و هم ایلیا، از هوش و استعداد بالایی برخوردار بودند و براحتمی می توانستند در هر راهی که انتخاب می کنند، موفق شوند. به عنوان مثال، علی رشته ریاضی را انتخاب کرد و موفق به دریافت مدرک مهندسی برق شد. ایلیا هم از همان روزهای اول که در اردوهای ورزشی حضور پیدا می کرد، بعد از بازگشت به خانه در درس ها به او کمک می کردم. ایلیا از نظر هوش و استعداد در سطحی است که اگر ورزش حرفه ای را انتخاب نمی کرد، می توانست براحتمی در رشته پزشکی ادامه تحصیل دهد. وی در بخش دیگری از صحبت های خود اشاره می کند: علی و ایلیا، وقتی به ورزش حرفه ای روی آوردند، برای قهرمانی خیلی تلاش می کردند؛ البته من هم سعی می کردم بهترین شرایط و فضا را در خانه برای رشد و آرامش آنها فراهم کنم. هردو آنها بعد از تمرین به استراحت نیاز داشتند. به همین دلیل همه چیز باید برای پسرها فراهم می شد. من شاغل بودم و باید شرایط را به گونه ای مدیریت می کردم تا خللی در هیچ یک از مسئولیت هایم ایجاد نشود. با توجه به اینکه پسرها باید از رژیم غذایی خاصی پیروی می کردند، گاه تا نیمه شب و گاهی هم صبح های زود قبل از رفتن به سرکار، غذای آنها را آماده می کردم تا از نظر تغذیه، مشکلی



## مجدوب منش پهلوانی در وزنه برداری شدم

پیش از این با ایلیا صالحی پور در هفته نامه «مشعل» گفت و گو داشتیم. او آن روزها تازه وارد عرصه قهرمانی وزنه برداری شده بود و قبل از هر چیز درباره آرزو و اهدافی که به دنبال آن بود، صحبت کرد. ایلیا در پاسخ به اینکه با کسب اولین مدالاش چه احساسی داشته، می گوید: اولین مدالی که دریافت کردم، در مسابقات نوجوانان و جوانان آسیا بود و توانستم یک مدال نقره و ۲ مدال برنز بگیرم. وی می افزاید: درست است که در آن مسابقات، مدال طلا نگرفتم؛ اما اولین مدال هایم در سطح آسیا بود و به این ترتیب متوجه می شدم که هر لحظه به بزرگترین آرزویم نزدیک تر می شوم. در واقع کسب این مدال ها در من این خودباوری را به وجود آورد که می توانم در رده های سنی بالاتر، مدال های خوش رنگی کسب کنم. به همین دلیل تلاش کردم با اعتماد به نفس بیشتری به راه خود ادامه دهم. وی درباره اینکه معمولاً از استعداد او در وزنه برداری سخن گفته می شود، توضیح داد: ورود به رشته های مختلف ورزشی به استعداد نیاز دارد؛ اما موارد دیگری هم برای رسیدن به موفقیت تاثیرگذار است که اهمیت بیشتری دارند. شاید بتوان گفت من استعدادی در وزنه برداری داشتم؛ اما مهم ترین دلیل برای رسیدن به اهدافی که در ذهن داشتم، تلاش و پشتکار بود. هر ورزشکاری که استعداد داشته باشد، می تواند سرعت در رشته مورد نظر خود رشد کند. من در این رشته هر چند بی استعداد نبودم؛ اما نسبت به دیگر وزنه برداران

استعداد کمتری داشتم. به همین دلیل باید تلاشم را برای رسیدن به موفقیت بیشتر می کردم، از این رو به تمام کسانی که می خواهند در یک رشته ورزشی موفق شوند، می گویم که اگر در آن رشته استعداد ندارید؛ اما بسیار علاقه مند هستید، می توانید با تلاش و پشتکار بسیار پیشرفت کنید.

ایلیا درباره اینکه آیا تا به حال دچار غرور ناشی از موفقیت شده است، می گوید: صادقانه اعتراف می کنم گاهی دچار این احساس می شوم که آن هم برمی گردد به غروری که ناخودآگاه درون هر فرد به وجود می آید؛ اما من تمام تلاش خود را می کنم تا این حس را کنترل کنم و اجازه ندهم روی اخلاق و رفتارم با دیگران و حتی تمرین هایم تاثیر بگذارد. واقعا علاقه مند هستم رفتار و منش پهلوانی را در زندگی پیش بگیرم و شاید یکی از مهم ترین دلایلی که سبب شد به وزنه برداری علاقه مند شوم، همین اخلاق و منش پهلوانی بود. این قهرمان جوان کشورمان درباره الگوهای ورزشی خود می گوید: اولین نفری که برای ادامه راهم او را الگو قرار دادم و از همان ابتدا مرا تشویق می کرد، پدرم بود و بعد از آن هم علی، برادر بزرگم.

پدر و برادرم در تمام این دوران، از من حمایت کردند و تنهاییم نگذاشتند، حتی زمانی که در اردوی تیم ملی حضور دارم، برادرم پیش از هر زمان دیگری از من حمایت می کند و با برنامه ریزی و حتی با پیش بینی اتفاقات بد برای من در رشته ورزشی ام، سعی می کند از وقوع آن جلوگیری کند. زمانی که در خانه هستم، با علی تمرین می کنم

و هر زمان هم که در اردو باشم، روزی چند بار تماس می گیرم تا از شرایط جسمی، تمرین و تغذیه من باخبر باشد. از اینکه برادر بزرگم این چنین از من حمایت می کند، احساس افتخار می کنم.

ایلیا درباره آینده ورزشی خود می گوید: درست است که چند مدال معتبر در وزنه برداری به دست آورده ام؛ اما بی شک به این مدال ها راضی نیستم. می خواهم در مسیری که برای رسیدن به هدف اصلی خود انتخاب کرده ام، اول مدال طلای بزرگسالان جهان و بعد هم مدال طلای بازی های آسیایی را کسب کنم و در نهایت هم بتوانم مدال المپیک را به دست آورم.

باتوجه به برنامه فشرده ورزشی، از ۱۴ سالگی در اردوی تیم ملی حضور دارم، به همین دلیل نمی توانستم همیشه در مدرسه یا دانشگاه حاضر باشم؛ اما با کمک مادرم، مدرسه را به پایان رساندم. در حال حاضر هم در رشته تربیت بدنی تحصیل می کنم؛ اما ترجیح می دهم در دانشگاه، رشته فیزیوتراپی را ادامه دهم.

او در پایان صحبت هایش به یکی از بهترین لحظات ورزشی خود اشاره می کند و می گوید: یکی از بهترین خاطرات بالخطاتی که در زندگی ام تجربه کردم، مسابقات لیگ برتر وزنه برداری امسال بود. در هفته دوم مسابقات که برای تیم سپاهان وزنه می زدم، وقتی وارد سالن شدم، شاهد حضور همه اعضای خانواده ام بودم که دیدن این صحنه قوت قلبی برایم بود. فکری می کنم در مسابقات بین المللی حضور حتی یکی از اعضای خانواده در سالن، می تواند برای ورزشکار دلگرم کننده باشد.

## روی ایلیا برای قهرمانی جهان حساب کرده ام

علی صالحی پور، برادر بزرگ ایلیا که خود نیز به صورت حرفه ای وزنه برداری را دنبال می کند، درباره زندگی ورزشی خود و برادرش می گوید: زمانی که در اوج آمادگی بدنی برای حضور در مسابقات وزنه برداری بودم، ایلیا نیز برای تمرین؛ البته نه به صورت حرفه ای به باشگاه می آمد. در آن دوران، در مسابقات بین المللی جهانی و آسیایی حضور داشتم، اما به دلیل پارگی رباط صلیبی، نتوانستم ورزش حرفه ای ام را ادامه دهم؛ اما این مصدومیت به آن معنا نبود که از ایلیا و استعدادی که در وزنه برداری دارد، غافل شوم. به همین دلیل تصمیم گرفتم تمام تجربه ای را که در مسیر رسیدن به تیم ملی به دست آورده بودم، به ایلیا انتقال دهم. وی با اشاره به حمایتی که از ایلیا در وزنه برداری می کند، توضیح می دهد: من و ایلیا ۵ سال تفاوت سنی داریم؛ اما تا به امروز تمام تلاش خود را کرده ام همه آنچه را که می دانم، به او یاد بدهم. ایلیا هم به مدال هایی که یک ورزشکار در رده ۱۹ سالگی می تواند کسب کند، دست یافته؛ اما هدف اصلی ما مسابقات وزنه برداری بزرگسالان است. او در مسابقات بزرگسالان جهان و مسابقات کشورهای اسلامی در رده بزرگسالان نیز شرکت کرده و نتایجی که به دست آورده، نشان می دهد می توان روی توان او به عنوان یک ورزشکار حرفه ای در این رده حساب باز کرد؛ زیرا که معتقدم اصل ورزش قهرمانی، رده سنی بزرگسالان است و من نیز تمام تلاش خود را می کنم تا او در این رده موفق شود؛ البته این راهم بگویم که ایلیا برای مسابقات سال آینده باید در دسته وزن ۹۵ کیلو که وزن المپیک است، آماده شود. علی در پاسخ به اینکه آیا حس برادرانه یا زندگی قهرمانی که او به دنبالش بوده، سبب شده از ایلیا حمایت کند، توضیح می دهد: فکر می کنم مهم ترین دلیلی که دوست دارم از ایلیا در ورزش قهرمانی حمایت کنم، از این ۲ مساله نشات گرفته است: اول اینکه آینده پیش روی ایلیا همان چیزی بود که من می خواستم به آن برسیم و دوم عشق و احساس حمایتی است که در خانواده ما وجود دارد. وقتی ایلیا به قهرمانی می رسد، احساس می کنم خودم موفق به کسب مدال قهرمانی شده ام. در نهایت می خواهم بگویم که این حس مسئولیت پذیری نسبت به خانواده را از پدر و مادرم به ارث برده ام و زمانی که حرف ایلیا به میان می آید، این حس در من چند برابر می شود.

## آرزویم دیدن مدال المپیک ایلیا است

امیررضا، کوچک ترین فرزند این خانواده ورزشکار که متولد سال ۱۳۹۳ است، راه دیگری را انتخاب کرده است؛ او در حال حاضر در تیم فوتبال نونهالان نفت مسجد سلیمان و در پست هافبک دفاعی بازی می کند. امیررضا نیز در بخشی از گفت و گو با خبرنگار «مشعل» گفت: البته پیش از این مانند برادرانم، وزنه برداری کار می کردم، اما چون علاقه خاصی به فوتبال داشتم، تصمیم گرفتم این رشته ورزشی را ادامه دهم. برادرانم، در این رشته از من حمایت می کنند؛ البته علی و ایلیا قبل از وزنه برداری، فوتبال بازی می کردند و در این رشته نیز مهارت دارند. به همین دلیل دوست داشتم فوتبالیست شوم. از اینکه ایلیا در وزنه برداری موفق عمل کرده، بسیار خوشحالم و آرزو می کنم بتواند مدال المپیک را به دست آورد.

روان‌شناس صنعت نفت از راهکارهای خودمراقبتی در شرایط بحران می‌گوید

# سلامت روان برای حفظ جان



**فاطمه دهقان نیری** | در شرایط جنگی، فشار روانی بر کارکنان مناطق عملیاتی، همچنین خانواده‌های آنان بسیار بالاست؛ استرس، ترس، نگرانی برای عزیزان و نبود حس کنترل می‌تواند آسیب‌های جدی روانی به همراه داشته باشد. به گفته سمیه سروش، متخصص روان‌شناسی بیمارستان فوق تخصصی صنعت نفت تهران در کوران جنگ، بحران‌ها، ناامنی و نبود قطعیت، مراقبت از سلامت روان یک ضرورت است، نه یک تجمل. در این میان، خودمراقبتی روان‌شناختی به عنوان یک مهارت کلیدی، نقش حیاتی در حفظ سلامت روان ایفا می‌کند. وی در گفت‌وگو با خبرنگار مشعل، به راهکارهای خودمراقبتی به عنوان سپری در برابر استرس جنگی اشاره می‌کند که در این گزارش می‌خوانید.



برای بازسازی شناختی یا ایجاد چالش با افکار فاجعه ساز را طرح سؤال‌هایی کلیدی مانند «شواهد عینی برای این فکر چیست؟ آیا این اتفاق واقعاً محتمل است؟ اگر دوستم این فکر را داشت، به او چه می‌گفتم؟» بیان می‌کند و می‌گوید: طرح این سؤال‌ها به فعال‌سازی پیش‌پیشانی مغز (Prefrontal Cortex) و بازگرداندن قضاوت منطقی منجر می‌شود.

سروش یادآوری می‌شود: پنجمین راهکار، هدف‌گذاری رفتاری ملموس همراه با حس کنترل است که شامل انجام ۳ اقدام

کوچک در ساعات اولیه بحران مانند آماده‌سازی کیف کمک‌های اولیه، آموزش تنفس به خانواده و جمع‌آوری فهرست شماره‌های اضطراری می‌شود. انجام این راهکار، تأثیر بسیاری بر بازگرداندن احساس قدرت و کنترل دارد. این راهکارها تا ۶۸ درصد اضطراب را کاهش می‌دهد و باعث ایجاد مسیرهای عصبی جدید (Neuroplasticity) در مغز می‌شوند.

ضمن انجام این تکنیک‌هایی که متخصص روان‌شناسی بیمارستان فوق تخصصی نفت تهران توصیه کرد، فراموش نکنیم که در این روزهای پسا بحران و دشوار، سلامت روانمان بیش از همیشه ارزشمند است پس مهربان‌تر از همیشه با خود و دیگران باشیم و یادمان باشد مراقبت از روان، قدمی مهم برای ساختن جامعه‌ای سالم‌تر و تاب‌آورتر است.

خودمراقبتی  
روانی یعنی آگاه  
بودن از وضعیت  
روان خود، توجه  
به نیازهای  
احساسی و  
انجام اقدام‌های  
ساده برای حفظ  
تعادل ذهنی  
حتی در دل  
بحران



هورمون‌هایی مانند آدرنالین و کورتیزول، بدن را در وضعیت آماده‌باش قرار می‌دهد.

سروش درباره راهکارهای علمی برای کنترل تنش عصبی در شرایط بحرانی مانند جنگ، به تمرین و تکرار منظم تکنیک‌هایی اشاره می‌کند که با آن می‌توان مهارت مقابله‌ای جدیدی را در مغز ایجاد کرد که نه تنها برای دوران بحران بلکه برای کل زندگی سودمند است. به گفته وی، نخستین راهکار، بیان احساسات با زبان یا همان تخلیه هیجانی است، یعنی حرف زدن با اعضای خانواده یا دوستان امن که موجب کاهش بار هیجانی و تعدیل سیستم عصبی پاراسمپاتی (کاهش استرس و فعال‌سازی حس آرامش) می‌شود. دومین راهکار، تنفس دیافراگمی (عمیق و شکمی) است که فرمول پیشنهادی ما، ۴ ثانیه دم از بینی و ۶ ثانیه بازدم از دهان شبیه فوت کردن شمع به مدت ۹۰ ثانیه مداومت است که موجب کاهش ضربان قلب و آرام‌سازی سیستم سمپاتی خواهد شد. تثبیت حواس پنج‌گانه یا همان بهره‌گیری از تکنیک ثبات در حال (Grounding) به عنوان سومین راهکار مقابله با آسیب‌های روانی در شرایط بحرانی تعریف شده که در مورد حواس دیداری، یافتن ۴ شیء رنگی متفاوت، درباره حواس شنیداری، تمرکز روی ۳ صدای مختلف و در مورد حواس لمسی، لمس سطح سرد و گرم به طور هم‌زمان پیشنهاد می‌شود تا انتقال تمرکز از آمیگدال مغز به کورتکس حسی (جلوگیری از حمله اضطرابی) نمود پیدا کند.

این متخصص روان‌شناسی بیمارستان فوق تخصصی صنعت نفت تهران، راهکار چهارم

فرقی نمی‌کند در شرایط جنگی باشیم یا آتش بس، روح و روانی که صداهای دلخراش جت‌های جنگنده را تجربه کرده و آثار خرابی ناشی از بمباران را به چشم دیده باشد، تا مدت‌ها ناآرام است و کوله‌باری از پریدن‌های ناگهانی از خواب، استرس شدید، وحشت و ترس را به دوش می‌کشد. حالت‌هایی که به گفته سروش، ضرورت حفظ سلامت روان را دوچندان می‌کند تا نه تنها این دوران دشوار را با آسیب کمتری پشت سر بگذاریم، بلکه به ما قدرت و توانایی لازم را برای حمایت از خود، خانواده و جامعه می‌بخشد.

### تعادل ذهنی با پیام‌های معنوی

روان‌شناس بهداشت و درمان صنعت نفت در تعریف خودمراقبتی می‌گوید: خودمراقبتی روانی یعنی آگاه بودن از وضعیت روان خود، توجه به نیازهای احساسی و انجام اقدام‌های ساده برای حفظ تعادل ذهنی حتی در دل بحران. اولین و مهم‌ترین گام برای خودمراقبتی که به کارکنان شاغل در مناطق عملیاتی توصیه می‌کنم این است که توقف‌های کوتاه برای نفس کشیدن داشته باشید به این صورت که هر چند ساعت، ۲ دقیقه چشمان خود را ببندید، عمیق نفس بکشید و بدن خود را آرام کنید. دومین مورد، پذیرش احساسات است، یعنی اگر می‌ترسید، خسته‌اید یا دلتنگ، خود را سرزنش نکنید و بدانید این احساسات طبیعی هستند. با همکاران گفت‌وگوی همدلانه داشته باشید، زیرا حرف زدن با کسی که شما را درک می‌کند، در پرفشارترین لحظات، یک سوپاپ روانی است، ضمن اینکه روزانه به خود یادآوری کنید که بودن شما در اینجا برای نجات انسان‌ها و حفظ زندگی است. وی تأکید می‌کند: به خانواده‌هایی که دل‌نگران عزیزان خود در مناطق عملیاتی هستند هم توصیه می‌کنم در مورد اخبار، مدیریت به خرج دهند و از پیگیری زیاد اخبار جنگ که اضطراب را تشدید می‌کند، پرهیز کنند و یک برنامه روزانه شامل برنامه خواب، آموزش و سرگرمی برای فرزندان، تنظیم کنید، زیرا این نظم، حس امنیت می‌آورد. نوشتن نامه یا پیام‌های معنوی و فرستادن پیام‌های امیدوارکننده به عزیزان شاغل در منطقه، از لحاظ روانی بسیار مؤثر است پس آن را در برنامه‌های خود بگنجانید و برای کاهش احساس تنهایی خود، گروه‌های حمایت روانی محلی یا مجازی تشکیل دهید.

### راهکارهای علمی برای کنترل تنش عصبی

سیستم عصبی انسان در رویارویی با تهدید، واکنشی طبیعی به نام استرس حاد یا پاسخ جنگ‌گریز نشان می‌دهد. در این حالت، مغز به عنوان مرکز ترس، فعال می‌شود و با ترشح

# مهم ترین پیام عاشورا حفظ عزت انسان است



**مشعل** | ماه محرم هر سال فرصتی برای بازخوانی یکی از بزرگ ترین حوادث تاریخ اسلام است؛ واقعه ای که فراتر از یک رویداد تاریخی، به مکتبی برای تربیت انسان ها تبدیل شده است. فرهنگ عاشورا در طول قرن ها الهام بخش ملت ها در مسیر عدالت خواهی، ایثار، مسئولیت پذیری و مقاومت بوده است. در آستانه ماه محرم، ماهنامه "مشعل" در گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین حمید نیک سیرت به بررسی پیام های عاشورا برای جامعه امروز و نقش این فرهنگ در زندگی فردی، خانوادگی و حرفه ای کارکنان صنعت نفت پرداخته است. او معتقد است با الهام از مکتب امام حسین (ع)، می توان جامعه ای متحدتر، اخلاقی تر و موفق تر ساخت.

داشته وجودی اش، "جان" است که اگر با شهد شهادت آمیخته شود، او را به اعلا ترین درجات نزد خداوند خواهد رساند. این مهم است که بدانیم، ایثار فقط با گذشتن از جان در میدان جنگ معنا پیدا نمی کند. حضرت ابوالفضل العباس (ع) نماد ایثار هستند؛ شخصیتی که در اوج تشنگی، آب را برای خود نخواست و به یاد کودکان خیمه ها بود. امروز نیز ایثار می تواند در زندگی روزمره ما نمود پیدا کند. گاه، یک همکار نیازمند کمک است، گاهی یک خانواده در شرایط سخت قرار دارد و زمانی جامعه به تلاش بیشتری از سوی ما نیاز دارد. گذشتن از منافع شخصی برای منافع جمعی، کمک به دیگران و احساس مسئولیت نسبت به جامعه، نمونه هایی از ایثار در زندگی امروز است.

## نقش فرهنگ عاشورا در تقویت همبستگی اجتماعی را چگونه ارزیابی می کنید؟

عاشورا یک عامل وحدت بخش است. این فرهنگ مردم را به همدلی، همکاری و مسئولیت مشترک دعوت می کند. در جامعه امروز بیش از هر زمان دیگری به انسجام و همبستگی نیاز داریم. اختلافات سلیقه ای نباید ما را از اهداف بزرگ ملی دور کند. در محیط های کاری نیز موفقیت زمانی حاصل می شود که افراد به جای رقابت های ناسالم، روحیه همکاری و مشارکت داشته باشند. صنعت نفت نمونه ای از کار جمعی است؛ موفقیت در این صنعت حاصل تلاش هزاران نفر در بخش های مختلف است و بدون همکاری، دستیابی به اهداف ممکن نیست.

## خانواده به عنوان هسته ابتدایی جامعه می تواند نقش مهمی در ترویج فرهنگ عاشورا ایفا کند. این مهم در خانواده ای مانند صنعت نفت چگونه می تواند نقش آفرین ظاهر شود؟

بخش مهمی از کارکنان صنعت نفت در مناطق مختلف عملیاتی و به صورت اقماری فعالیت می کنند؛ به طوری که مدت های طولانی از خانواده های خود دور هستند. دوری از خانواده یکی از سخت ترین بخش های زندگی شغلی بسیاری در این صنعت به شمار می آید و این مهم شکلیابی زیادی را از سوی خانواده ها می طلبد؛ صبری که نیازمند درک متقابل اعضای خانواده است. در سیره اهل بیت (ع) خانواده دارای اهمیت بسیار و بر پایه محبت، احترام و مشارکت، شکل گرفته است. سیره اهل بیت (ع) و درک صحیح آن بستر بسیار مهمی است که می تواند در شناخت هر چه بیشتر جریان عاشورا به عنوان مکتب ایثار و فداکاری و جریان فرهنگی آن نقش آفرین ظاهر شود و خانواده به عنوان هسته اولیه اجتماع می توان از آن بهره وافر برد. همسران این عزیزان باید بدانند که این دوری برای انجام یک مسئولیت ملی است و کارکنان نیز باید هنگام حضور در کنار خانواده، وقت و توجه کافی به همسر و فرزندان اختصاص دهند. گفت و گو، محبت و توجه به نیازهای عاطفی اعضای خانواده می تواند بسیاری از مشکلات را کاهش دهد.

## برخی معتقدند سبک زندگی امروز باعث کم رنگ شدن برخی ارزش های اخلاقی شده است. راهکار چیست؟

راهکار اصلی بازگشت به ارزش های اصیل دینی و

است. این فرهنگ به ما می آموزد مسئولیت هر فردی، امانت الهی است و افراد صاحب مسئولیت امانت داران هستند. وقتی یک کارمند، مهندس، تکنیسین یا مدیر وظیفه خود را با وجدان کاری، صداقت و احساس مسئولیت انجام می دهد، در حقیقت در مسیر همان فرهنگی حرکت می کند که امام حسین (ع) برای آن جان خود و یارانش را فدا کردند. خدمت رسانی صادقانه به مردم، حفظ منافع ملی، تلاش برای خودکفایی کشور و مراقبت از سرمایه های ملی، همگی از جلوه های عملی این فرهنگ که در ابعاد و جنبه های مختلف مصداق دارد، به شمار می آیند. برای مثال در صنایعی، همچون نفت، مسئولیت پذیری و تلاش برای پیشبرد اهداف در شرایط مختلف، از گرمای طاقت فرسای مناطق عملیاتی تارویارویی بحران ها و حوادث پیش بینی نشده، نشأت گرفته از همین فرهنگ و قابل تقدیر است.

## به نظر شما مهم ترین درسی که می توان از عاشورا به عنوان یک جریان دینی گرفت، چیست؟

یکی از دیگر از مهم ترین آموزه های عاشورا، وفاداری به مسئولیت است؛ موضوع مهمی که لازم است در محیط های مختلف (کار و زندگی) نمود بیشتری پیدا کند. در کریم می بینیم که یاران امام حسین (ع) تا آخرین لحظه در کنار امام خود ماندند و از مسئولیت و عهدی که بسته بودند، عقب نشینی نکردند. این درس بزرگی برای همه ماست. در محیط کار نیز افراد باید نسبت به وظایف خود متعهد باشند. نظم، امانت داری، رعایت حقوق دیگران، پرهیز از اسراف و همکاری با همکاران از مصادیق همین تعهد است. گاه تصور می کنیم اخلاق حرفه ای فقط در تصمیم های بزرگ معنا پیدا می کند، در حالی که احترام به همکار، خوش رفتاری با مراجعه کنندگان و دقت در انجام وظایف، جلوه های دیگری از اخلاق اسلامی و فرهنگ عاشورا است.

## یکی دیگر از آموزه های مهم فرهنگ عاشورا ایثار است؛ چگونه می توان این مفهوم را در زندگی امروز اجرا کرد و آن را تعمیم داد؟

بالا ترین درجه ایثار، گذشت انسان از شیرین ترین



## لطفاً از فلسفه وجودی فرهنگ عاشورا و پیام آن برای جامعه امروز بگویید.

عاشورا فقط یک حادثه و محدود به سال ۶۱ هجری نیست، بلکه یک جریان ماندگار تاریخی و انسانی است که در آن ارزش هایی چون حریت و ظلم ستیزی نمود یافته است. امام حسین (ع) برای حفظ ارزش های الهی و انسانی قیام کرد و به همه نسل ها آموخت که در برابر ظلم، انحراف و بی عدالتی، نباید سکوت کرد. مهم ترین پیام عاشورا حفظ عزت انسان است. همان جمله معروف «هیبهات میا الذله» نشان می دهد که انسان مؤمن هرگز نباید زیر بار تحقیر و ظلم برود. امروز نیز جامعه ما به همین آموزه ها نیاز دارد؛ به صداقت، مسئولیت پذیری، عدالت خواهی و احساس تعهد نسبت به سرنوشت جامعه. اگر این ارزش ها در زندگی فردی و اجتماعی مانده اند، بسیاری از مشکلات و آسیب های اجتماعی کاهش خواهد یافت.

## این آموزه ها چه تاثیری در جامعه دارند و چگونه باید آنها را حفظ کرد؟

عاشورا به عنوان یک فرهنگ دینی، سراسر آموزه

انسانی است. یکی از مشکلات امروز، گسترش مصرف‌گرایی و چشم و هم‌چشمی است. بسیاری از فشارهای اقتصادی و خانوادگی از همین موضوع ناشی می‌شود. اگر خانواده‌ها زندگی خود را بر پایه قناعت، تلاش و توکل به خدا بناکنند، آرامش بیشتری خواهند داشت. فرهنگ عاشورا به ما می‌آموزد که ارزش انسان به اخلاق، ایمان و خدمت اوست، نه به ظواهر زندگی. این نگاه می‌تواند بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهد.

**🔥 اگر ناگفته‌ای هست بیان بفرمایید؟**

ماه محرم فرصتی ارزشمند برای خودسازی و بازنگری در رفتارها و مسئولیت‌های ماست. عاشورا فقط برای عزاداری نیست؛ برای درس گرفتن است. اگر بتوانیم روحیه ایثار، صداقت، مسئولیت‌پذیری، همکاری و خدمت به مردم را در زندگی خود تقویت کنیم، در حقیقت پیام عاشورا را درک کرده‌ایم. در پایان از همه کارکنان پرتلاش صنعت نفت که در شرایط مختلف برای تأمین انرژی کشور تلاش می‌کنند، صمیمانه قدردانی می‌کنم. با الهام از مکتب امام حسین (ع)، می‌توان شاهد جامعه‌ای متحدتر، اخلاقی‌تر و موفق‌تر بود؛ امیدوارم همه ما بتوانیم در مسیر خدمت به مردم و آبادانی ایران اسلامی گام برداریم.

## محرم‌ماه خودسازی

محرم سال ۶۱ هجری قمری درسی بزرگ برای آزادگان جهان بود. امام حسین (ع) با قیام و خون خود پایه گذار مکتبی شدند که با گذشت چندین قرن همچنان به عنوان یک سبک زندگی و سلوک اجتماعی تعریف می‌شود. قیام امام حسین (ع) حرکتی اعتراضی علیه حکومت جبار یزیدین معاویه بود. در آن زمان وقتی جامعه اسلامی از اهداف اولیه شکل‌گیری خود فاصله گرفت و بدعت‌های زیادی در دین به وجود آمد، این امام همام بود که زندگی خود را وقف بازگرداندن جامعه به مسیر اصلی و مبارزه با انحراف ها کرد.

قیام امام حسین (ع) تأثیری شگرف در ادبیات مذهبی و آیینی تمام مسلمانان و به خصوص شیعیان جهان گذاشت و از آن روزگار تا به امروز مکتب محرم و عاشورا به یکی از ستون‌های بزرگ اعتقادی مردم تبدیل شده است.

در روزگار امروز که جامعه درگیر جنگ تحمیلی با یزیدیان زمانه شده و انواع سختی‌ها بر مردم گذشته، تنها ایثار و همدلی که در سایه فرهنگ عاشورایی در جامعه وجود دارد، توانست در مقابل زورگوترین شیاطین عالم ایستادگی کند و با خلق حماسه‌هایی ماندگار قابی جاویدان از تقابل حق در مقابل باطل را پیش روی جهانیان بگذارد. این حرکت مردم تنها در سایه درسی که از قیام امام حسین (ع) برای جامعه ما به یادگار مانده شکل گرفت.

از سوی دیگر گاهی انسان‌ها نیاز دارند در زندگی پرشتاب امروز لحظاتی مکث کنند و در خلوت خود تعریفی دوباره از اخلاق و انسانیت بیابند، محرم چنین فرصتی برای خلوت است تا به خودسازی بپردازند. از همین روی هر ساله با رسیدن به ماه محرم بازخوانی اهداف و مشی فکری امام حسین (ع) و همراهانش تلنگری برای انسان‌هاست تا بتوانند از خیمه فرهنگ عاشورایی توشه‌ای بردارند.



قند خون در سایه بد غذایی  
و کم تحرکی جهش می یابد

# تلخی یک شیرینی



## مشعل | بیماری قند

خون یا دیابت، بیماری نام‌آشنایی است که پنهان و نامرئی، بی سروصدا و بدون هیچ علامت آشکار وارد زندگی می‌شود و وقتی که یک زخم کوچک روی پوست دیر بهبود می‌یابد یا یک احساس غیرعادی در بدن توجه ما را جلب می‌کند، تازه متوجه حضورش می‌شویم. بیماری ای که با کوچک‌ترین انتخاب‌ها در سبک زندگی همانند داشتن یک وعده غذایی سالم یا چند قدم راه رفتن اضافه، عقب می‌نشیند. الناز شهرابی، مسئول شورای تغذیه سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت با تأکید بر این موضوع، معتقد است: در واقع دیابت ممکن است بیاید؛ اما باید بدانیم آگاهی و مراقبت، قدرت ما برای مقابله با آن است. شهرابی در گفت‌وگو با "مشعل" به راهکارهای عملی پیشگیری و کنترل این بیماری شیرین، اما تلخ پرداخته است.

### خط مقدم مقابله

مسئول شورای تغذیه سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت با تأکید بر اینکه در همه بیماری‌ها، بد غذایی و کم تحرکی، پاشنه آشیل سلامتی است، می‌گوید: در مورد افراد دارای پیش دیابت، کاهش وزن بیشترین عامل پیشگیری محسوب می‌شود، به نحوی که کاهش یک کیلوگرم وزن، منجر به کاهش ۱۶ درصد خطر بروز دیابت می‌شود. پرهیز از غذاهای پرکالری، شیرینی‌ها و نوشابه‌ها، بخصوص نوشابه‌های انرژی‌زا که این روزها میان نوجوانان مرسوم شده، بشدت توصیه می‌شود. وی ادامه می‌دهد: برنامه غذایی که به این افراد توصیه می‌کنیم، استفاده از رژیم مدیترانه‌ای، رژیم کم کربوهیدرات و رژیم گیاهخواری است که در همه این رژیم‌ها باید از غلات کامل، حبوبات، آجیل، میوه و سبزی‌های غیر نشاسته‌ای استفاده شود. در مورد میزان مصرف کربوهیدرات‌ها نیز باید یاد بگیریم که چگونه مواد غذایی حاوی کربوهیدرات آزاد را جانشین کربوهیدرات‌هایی مانند نان، ماکارونی، برنج و سیب‌زمینی کنیم. به عنوان مثال ۲ قاشق غذاخوری برنج برابر است با یک واحد کربوهیدرات، بنابراین می‌توان به جای آن، نصف موز یا یک عدد گلابی را جایگزین کرد. شایان ذکر است، استفاده از مواد غذایی با کربوهیدرات آزاد اصلاً محدودیتی ندارد، مانند کلم، قارچ، خیار، شلغم، ترب، بادمجان، کدو، لفل دلمه‌ای، لوبیاسبز، گوجه‌فرنگی، زیتون سبز، ریواس، کرفس و تمامی سبزی‌های سبزی‌رنگی که در این گروه قرار می‌گیرند. فقط سیب‌زمینی و بلال، قند خون را بشدت افزایش می‌دهند و باید حساب شده میل شوند. به گفته وی، نکته مهم اینکه هر چقدر ماده غذایی دارای فیبر بیشتری باشد، آهسته‌تر میزان قند خون را افزایش می‌دهد. به عنوان مثال، سیب‌زمینی سرخ‌کرده، سریع‌تر از پوره سیب‌زمینی قند خون را افزایش می‌دهد؛ زیرا سیب‌زمینی سرخ‌کرده چربی زیادی دارد، ضمن اینکه سرعت غذا خوردن و مقدار آبی که همراه با غذا نوشیده می‌شود، هر چه بیشتر باشد، قند خون را افزایش می‌دهد. چربی رژیم غذایی هم باید از چربی‌های غیراشباع مانند روغن ذرت، روغن زیتون و روغن آفتاب‌گردان باشد و از چربی ترانس (نوعی چربی غیراشباع که به صورت طبیعی در برخی فرآورده‌های حیوانی و به صورت مصنوعی در روغن‌های نیمه‌هیدروژنه و غذاهای فرآوری شده وجود دارد) اجتناب شود.

### ۲۵ هزار

#### دیابتی در صنعت نفت

طبق آمارهای منتشر شده سازمان بهداشت جهانی (WHO)، بیماری دیابت در کنار بیماری‌های قلبی - عروقی و بیماری‌های مزمن تنفسی و سرطان، یکی از ۴ بیماری اصلی غیررواگیر کننده است که از هر ۹ نفر یک نفر به آن مبتلاست. علاوه بر این، حدود ۱۴ درصد (۵۳۷ میلیون نفر) جمعیت بزرگسال دنیا به دیابت مبتلا هستند و بیش از ۵۹ درصد این افراد، راهکار درمانی خاصی را دنبال نمی‌کنند. به این ترتیب، پیش‌بینی می‌شود تعداد افراد مبتلا تا سال ۲۰۳۰ به ۶۴۷ میلیون نفر و تا سال ۲۰۴۵ به ۷۸۳ میلیون نفر برسد. در صنعت نفت هم این آمار قابل توجه بوده و نشان از آن دارد که مجموع مبتلایان ثبت شده در سامانه پرونده الکترونیک سلامت صنعت نفت، افزون بر ۲۵ هزار نفر است. از این تعداد ۲ هزار و ۹۷۷ نفر وابسته به انسولین (نوع یک) و ۲ هزار و ۹۷۷ نفر نیز غیروابسته (نوع ۲) به آن هستند. بیماری که به فراخور تغییر سبک زندگی، فعالیت فیزیکی کمتر و تغییر فرهنگ غذایی و تغذیه، شیوع و اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

### تمرین‌های ورزشی مناسب

شهرابی با تأکید بر اینکه مصرف اسیدهای چرب با زنجیره بلند غیراشباع مانند روغن ماهی، دانه‌ها و مغزها برای جلوگیری از بیماری‌های قلبی - عروقی توصیه می‌شود و از مصرف طولانی مدت ویتامین‌های ای و سی و همچنین مواد معدنی باید پرهیز شود، می‌گوید: در کنار استفاده از رژیم غذایی مناسب، انجام تمرین‌های ورزشی با شدت متوسط و ۱۵۰ دقیقه در هفته توصیه می‌شود. از این رو بهتر است دو بار در هفته ورزش مقاومتی انجام شود. یادآور می‌شویم در صورتی که قند خون قبل از انجام تمرین‌های ورزشی ۳۵۰ باشد، ورزش را به تعویق بیندازید و در صورتی که قند قبل از ورزش ۱۰۰ باشد، اصلاً ورزش نکنید. قند هدف قبل از ورزش ۱۲۰ تا ۱۸۰ است. مسئول شورای تغذیه سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت به افراد مسن مبتلا به دیابت هم توصیه‌هایی دارد: بهتر است ورزش تعادلی مانند یوگا حداقل ۲ تا ۳ بار در هفته انجام دهند. نوشیدن آب و مایعات غیرقندی طی ورزش و بعد از آن لازم است. توجه داشته باشند که قبل از ورزش یک غذای سبک مانند یک عدد میوه یا یک ساندویچ نان و پنیر مصرف کنند. وی در پایان خطاب به افراد دیابتی تأکید می‌کند: اگر قبل از ورزش یا حین ورزش دچار خستگی بی‌علت، کسالت، گیجی، تنگی نفس و تپش قبل شدید، به هیچ وجه ورزش نکنید.

### دیابت در دوچهره

الناز شهرابی، مسئول شورای تغذیه سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت در تعریف این بیماری می‌گوید: قند خون طبیعی ناشتا، ۹۹ میلی‌گرم یا کمتر است؛ اما اگر فردی دارای قند خون ناشتای ۱۰۰ تا ۱۲۵ میلی‌گرم است، دچار پیش دیابت شده و فردی هم که دارای قند خون ناشتای ۱۲۶ میلی‌گرم و بیشتر است، فرد دیابتی عنوان می‌گیرد. به طور کلی بیماری دیابت به دو نوع یک و ۲ تقسیم می‌شود که دیابت نوع یک، سندرم متابولیک مزمن و شایع‌ترین اختلال اندوکراین در دوران کودکی و نوجوانی است که جنبه ارثی قوی یا ارتباطی با چاقی ندارد و چندان هم قابل پیشگیری نیست. درمان اصلی دیابت نوع یک، استفاده از انسولین است. وی ادامه می‌دهد: دیابت نوع ۲ که اغلب در بزرگسالان دیده می‌شود، جنبه وراثتی قوی دارد و بسیار مرتبط با چاقی و کم تحرکی است. پس قابل کنترل و درمان پذیر است، یعنی با اصلاح سبک زندگی یا داروهای خوراکی پایین آورنده قند خون، کنترل آن امکان پذیر خواهد بود.

دیابت دوران بارداری هم نوعی دیابت است که در دوران بارداری و بر اثر هورمون‌های ترشح شده از جفت (که خاصیت ضد انسولینی دارند) بدون علائم واضح ایجاد می‌شود. به همین دلیل تمام مادران باردار باید بین هفته‌های ۲۴ تا ۲۸ بارداری از نظر این مسئله تحت غربالگری قرار بگیرند؛ زیرا اگر درمان نشود، مشکلات خاصی را در جنین به وجود می‌آورد.



## بازنشستگان صنعت نفت مسیر طولانی خدمت را در یک دورهمی بازخوانی کردند

# گنجینه خاطره

مشعل | در یکی از شب‌های بارانی بهار، تعدادی از بازنشستگان صنعت نفت که هر یک، فصل‌هایی از تاریخ زنده این صنعت را در حافظه و سینه خود دارند، گرد هم آمدند و به یاد ایام جوانی با هم گپ و گفت کردند. در این گردهمایی که به میزبانی کانون صنفی کارمندان بازنشسته صنعت نفت ایران برگزار شد، صدای گفت‌وگوها، مرور خاطرات و دیدار پس از سال‌ها، حال و هوایی ایجاد کرده بود که میان گذشته و امروز پل می‌زد. اینجا بازنشستگان صنعت نفت، تنها برای دیدار نیامده بودند؛ آمده بودند تا با مرور خاطرات گرم و تجربه‌های زنده، دوباره جان بگیرند.



شرافت و انسانیت آنها در قلب سختی‌ها می‌درخشید.

### خدمت بی‌وقفه پس از بازنشستگی

مسعود عطار، بازنشسته شرکت ملی حفاری و عضو هیات مدیره کانون صنفی کارمندان بازنشسته صنعت نفت با حدود ۳۲ سال سابقه خدمت، از نسلی است که بخش مهمی از عمر و زندگی‌اش را در دل سخت‌ترین شرایط عملیاتی صنعت نفت گذرانده و از سال ۱۳۹۵ نیز به جمع بازنشستگان پیوسته است. او به سال‌هایی اشاره می‌کند که در کنار فعالیت در حوزه منابع انسانی و تالیف کتاب، در میدان‌های عملیاتی حفاری نیز با واقعیت‌های سخت کار اقماری روبه‌رو بوده؛ جایی که «کار، تنها تخصص نمی‌خواست، بلکه روحیه‌ای پولادین می‌طلبید.» عطار از همکاری یاد می‌کند که در بیابان، دریا و شرایط دشوار آب‌وهوایی کار می‌کردند، اما به تعبیر او

### صبر و همراهی خاموش

رحمت‌الله رحیمی، بازنشسته با حدود ۳۵ سال سابقه کار در صنعت نفت، مسیر حرفه‌ای خود را از سال ۱۳۶۱ با ورود به روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران آغاز و در بخش‌هایی چون شرکت کالای نفت، امور حقوقی صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت و در نهایت در پالایشگاه آبادان، مسئولیت‌های متنوع و اثرگذاری را تجربه کرد. او این سال‌ها را دوره‌ای از کار مداوم در متن تصمیم‌سازی‌ها و اجرایی‌ها دانست؛ جایی که از تدوین مقررات ایثارگران تا ساماندهی اسناد هزاران واحد مسکونی در آبادان، بخشی از کارنامه کاری او را شکل داده است. او می‌گوید: صنعت نفت، فضایی است که کار در آن فقط انجام وظیفه نیست؛ بلکه نوعی مشارکت در ساختن ساختارها و حفظ نظام اداری و انسانی کشور محسوب می‌شود. رحیمی از لحظاتی می‌گوید که تلاش کرده مقررات پراکنده را به یک نظام منسجم تبدیل کند یا در حوزه منابع انسانی، به منظور بهبود مشارکت کارکنان در فرایندهای کاری، نقش آفرینی داشته



غیبت‌های طولانی همسر، بخشی از واقعیت زندگی خانواده‌های نفتی را تشکیل می‌دهد که با تحمل و همدلی شکل گرفته است. در نگاه مشترک او و همسرش، صنعت نفت فقط یک شغل نیست؛ بلکه بخشی از زندگی، هویت و خاطراتی است که همچنان مرور می‌شود.

باشد؛ تجربه‌هایی که به گفته او، بخش مهمی از هویت حرفه‌ای‌اش را ساخته‌اند. در کنار رحیمی، همسر او نیز از زاویه خانواده به این سال‌ها نگاه می‌کند. منصوره امیدالحق از روزهایی می‌گوید که با شیفت‌های طولانی، مأموریت‌های کاری و دوری‌های پرتکرار همراه بوده؛ اما با صبر و همراهی ادامه یافته است. از نگاه او، مدیریت خانه در



### ارزش انسان هادر صنعت نفت



حسین کاشفی، مدیری که مسیر کاری اش با بحران ها، بازسازی ها و گام های اساسی صنعت نفت گره خورده، از چهره هایی است که ۲۹ سال خدمت در بالاترین سطوح شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران را در کارنامه دارد؛ از قائم مقامی مدیرعامل و معاونت وزیر گرفته تا مدیرعاملی در شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران. او عضویت در هیات مدیره پالایشگاه آبادان و چند شرکت مهم دیگر را نیز تجربه کرده؛

دوره هایی که به گفته خودش «سال های نفسگیر خدمت ملی» برای او بوده است. در روایت مسیر حرفه ای اش، بیش از هر چیز بر نیروی انسانی تأکید دارد؛ سرمایه ای که به باور او «گاهی دیده نمی شود و گاهی هم فراموش می شود». همین نگاه سبب شده از همان سال ها بی گیر طرح هایی برای بهبود زندگی کارکنان عملیاتی باشد؛ از برنامه های رفاهی و خدماتی تا تقویت ارتباط با خانواده ها. او معتقد است که ارزش واقعی نفت نه در تجهیزات، بلکه در انسان هایی است که آن را زنده نگه می دارند.

### بدرقه باشک های پنهانی



### همبستگی در مطالبه گری



فرامرز زرعی، رئیس هیات مدیره کانون صنفی کارمندان بازنشسته صنعت نفت ایران، در این نشست از مسیر خدمت خود در صنعت نفت و گاز گفت؛ مسیری ۳۲ ساله که از واحدهای مختلف شرکت ملی گاز ایران آغاز شد و تا مدیریت سی ان جی کشور ادامه یافت. او زمان بازنشستگی اش را در سال ۱۳۹۵ و ۲ سال زودتر از موعد اعلام می کند و می گوید: نزدیک به ۹ سال است که در کانون صنفی و حدود یک سال است که در جایگاه ریاست هیات مدیره آن مشغول به فعالیت هستم. زرعی، هدف اصلی از برگزاری گردهمایی بازنشستگان را حفظ ارتباط، افزایش آگاهی و تقویت همبستگی صنفی عنوان می کند و می گوید: این دوره می ها، فرصتی است تا بازنشستگان دیداری تازه کنند و از وضع یکدیگر مطلع شوند و در جریان فعالیت های کانون قرار بگیرند. به گفته او، این گردهمایی ها افزون بر جنبه فضای صمیمی و خانوادگی حاکم بر آن، مسیر ارتباط مستقیم بازنشستگان با کانون و انتقال مطالبات را نیز هموار می کند.

بازنشستگان این حوزه قرار دارد، با روایت هایی تلخ و شیرین، تصویری روشن از پشت صحنه زندگی یک نیروی کار حفاری ارائه می دهد؛ روزهایی که در غیاب همسر، بار اصلی خانه و مسئولیت فرزندان بر دوش او قرار داشته است. عباسی، امروز بازنشستگی رافرتی برای جبران همان سال های دوری می داند؛ روزهایی آرام تر در کنار همسر، هرچند از نبود فرزندان که امروز هرکدام مسیر خود را طی می کنند، غمگین است؛ آن موقع که بچه ها کوچک بودند، من نبودم؛ حالا که من هستم، آنها در خانه حضور ندارند.

نصرت الله عباسی، بازنشسته شرکت ملی حفاری ایران با ۳۵ سال سابقه، در گفت و گو با «مشعل»، از مسیری سخن می گوید که با سختی، صبوری و عشق به خانواده در هم تنیده شده بود؛ از ۱۵ سال کار اقماری روی دکل های حفاری تا سال های مدیریتی در اهواز. او که در سال ۱۴۰۱ بازنشسته شده، مهم ترین چالش آن سال ها را نه سختی کار؛ بلکه دوری از خانواده می داند و با نگاه به سال های دور ادامه می دهد: به سختی های کار عادت می کنیم، اما به دوری از خانواده هرگز. همسرش، فریده حسینی که خود نیز از کادر درمان بوده و امروز در زمره

### آغاز فصل تازه

حفاظت از نظام پرداخت صنعت نفت می داند.

مجدزاده که در سال ۱۳۸۱ بازنشسته شده، می گوید: کار، انسان را زنده نگه می دارد و نشستن در خانه عمر را کوتاه می کند. همین روحیه باعث شده تا در سن ۸۳ سالگی نیز همچنان پویا و آماده خدمت باشد. او نقش خانواده را بزرگترین پشتوانه مسیر کاری اش می داند؛ اگر صبر و همراهی خانواده نبود، ۳۸ سال خدمت در نفت ممکن نمی شد. از این رو قدر دان همسر و فرزندانم هستم که آرامش خانه را فراهم کردند تا بتوانم بر کارم تمرکز داشته باشم.

فواد مجدزاده از چهره های با سابقه و اثرگذار صنعت نفت، با ۳۸ سال خدمت مستمر در مناطق نفت خیز، از نسلی است که نه تنها در میدان حضور داشته؛ بلکه در لایه های عمیق ساختار اداری و حقوقی صنعت نیز نقشی ماندگار ایفا کرده است. او سال ها در تدوین مقررات، امور سازمانی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران و دفاع از نظام پرداخت صنعت نفت فعالیت داشته است، مسیری که به گفته خودش جاذبه شغلی صنعت نفت است. مهم ترین خاطره حرفه ای اش را



وقتی نفت ایران به امتیاز گذاشته شد

# امضای داری

## در صاحبقرانیه



مشعل | کاخ صاحبقرانیه، واقع در مجموعه فرهنگی-تاریخی نیاوران، همزمان با اواسط دوره قاجار (ناصرالدین شاه) در منطقه خوش آب و هوای شمال تهران بنا شد. وجه تسمیه نامگذاری کاخ، به این علت بود که ناصرالدین شاه، خود را «صاحبقران» می‌دانست. از این رو کاخ تازه تأسیس را صاحبقرانیه گفتند. مجموعه زیبای نیاوران، امروز به یکی از مقاصد گردشگری-موزه‌ای تهران تبدیل شده و به دلیل وجود درختان سر به فلک کشیده، گل‌های رنگارنگ، چمن‌های سبز مخملی و معماری منحصر به فرد باغ ایرانی، محلی دلنشین و آرام در دل شلوغی تهران به حساب می‌آید.

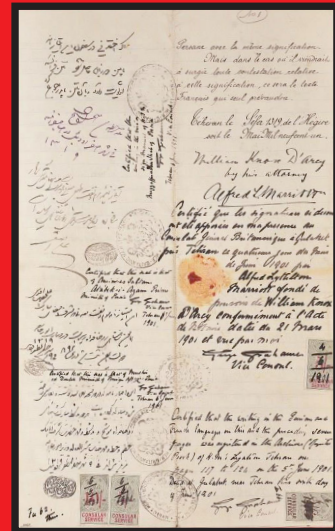
کاخ صاحبقرانیه که امروزه محلی برای عکاسی‌ها و دوره‌های دوستانه است، روزگاری ۲ رویداد مهم تاریخی، یعنی صدور فرمان مشروطیت و امضای قرارداد داری را به خود دیده است. با این توضیح می‌توان گفت که کاخ صاحبقرانیه شاهد بی‌صدای تاریخ معاصر است که رویدادهای در تار و پود آن جا خوش کرده و ما از طریق روایات می‌توانیم قصه این کاخ زیبا را در دل حوادث تاریخ ایران بشنویم.

مجموعه تاریخی نیاوران با سابقه تأسیس در دوره فتحعلی شاه قاجار، دارای چند بخش از جمله موزه‌های کوشک احمدشاهی، صاحبقرانیه، کتابخانه اختصاصی، جهان نما و مجموعه باغ‌هاست. این منطقه در دوره قاجار، بیلاق نشین شاهان شد و به مرور توسعه یافت. هر کدام از کاخ‌های نیاوران در دوره‌های زمانی متفاوتی تأسیس شدند. کاخ صاحبقرانیه، به عنوان یکی از معروف‌ترین کاخ‌های مجموعه نیاوران، در دوره ناصرالدین شاه تأسیس و در زمان شاه بعدی، یعنی مظفردالدین شاه ۲ رویداد تاریخی مهم معاصر یعنی فرمان انقلاب مشروطیت و امضای قرارداد داری را به خود دید. این دو رویداد، به قدری در ساحت سیاسی-اقتصادی ایران موثر بود که می‌توان ردپای نفت و مشروطه را در سطر به سطر کتاب‌های تاریخ معاصر دید.

### قرارداد داری

از نیمه دوم دوره قاجار و بر اثر تحولات داخلی و بین‌المللی، چند امتیاز و قرارداد بین ایران و کشورهای دیگر به امضا رسید که از جمله آنها می‌توان به امتیاز رویترا معادن زغال





سود شرکت داری مقرر شد مربوط به ایران باشد. در جریان این قرارداد، کتابچی خان به عنوان دلال قرارداد، حق دلالی خوبی از این ماجرا گرفت، تا جایی که توانست برای خود و خانواده‌اش در اروپا زندگی مرفه‌ای بسازد. همچنین نماینده داری حدود ۱۰ هزار لیبره هم به اتابک، مشیرالدوله و مهندس الممالک به صورت نقد پرداخت کرد. به این ترتیب، اولین قرارداد مهم نفتی در ایران در کاخ صاحبقرانیه به امضا رسید.

### صاحبقرانیه، راوی قصه نفت

کاخ صاحبقرانیه، محل امضای قرارداد داری در ۲ طبقه با معماری تلفیقی ایرانی - اروپایی جلوه‌ای زیبا به مجموعه تاریخی نیاوران داده است. اهمیت کاخ به قدری نزد شاهان قاجار زیاد بود که برای پذیرایی از مهمانان و سلام عید از آن استفاده می‌شد. وجود فرش‌های نفیس، پارچه‌های گل دوزی شده و نقاشی هنرمندان ایرانی بر پیکره دیوار، چشم هر رهگذری را به خود خیره می‌کرد. شاید همین ویژگی بصری کاخ بود که مظفرالدین شاه را وا داشت تا قرارداد در صاحبقرانیه امضا شود. ملک عبدالله، پادشاه اردن یکی از افرادی است که در دوره رضاشاه، زیبایی کاخ را از نزدیک به چشم خود دید. در سال ۱۳۳۴ شمسی این کاخ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برای مدتی کاخ تعطیل شد تا اینکه در اردیبهشت ۱۳۷۷ مجموعه نیاوران به کاخ موزه‌ای تبدیل شد که همگان بتوانند آن را به نظاره بنشینند و از هنر معماری آن لذت ببرند. در مجموع می‌توان گفت کاخ صاحبقرانیه، کودک نوپایی بوده که فرمان مشروطیت و قرارداد نفتی داری را دید، در نوجوانی رفت و آمد سیاستمداران را به نظاره نشست و در ایام کهولت به موزه‌ای تبدیل شد که مردم می‌توانند در آن فارغ از هیاهوی شهری، در محیطی آرام و زیبا دمی را با تاریخ آن بگذرانند.

ایران مذاکره‌کننده و امتیازی به دست آورند. ماریوت و کتابچی خان، پس از ورود به تهران پیشنهادی تنظیم کردند و به مظفرالدین شاه دادند که او از قبول آن سرباز زد. در روایات آمده، با زنگی که هاردينگ، وزیر مختار انگلیس و اتابک (امین السلطان) به خرج دادند و سفارت روس را از مفاد قرارداد بی‌اطلاع گذاشتند، توانستند رضایت شاه مبنی بر امضای قرارداد را جلب کنند. پس از آن بود که قرارداد داری در تاریخ ۲۸ می ۱۹۰۱ در کاخ صاحبقرانیه تهران امضا شد. مظفرالدین شاه قاجار از طرف دولت ایران و ماریوت به نمایندگی از طرف داری امتیازنامه را امضا کردند. در صفحه آخر قرارداد، عبارت «فی شهر صفر او دئیل در صاحبقرانیه - ۱۳۱۹» آمده است. این امتیازنامه که به مدت ۶۰ سال اعتبار داشت، اجازه اکتشاف و استخراج ماده نفتی را در کل ایران بجز پنج ایالت گیلان، مازندران، خراسان، آذربایجان و استرآباد و حق انحصار لوله نفت تا خلیج فارس را به صاحب امتیاز می‌داد. معاهده داری، دارای صحه (مهر) شاه، مهر اتابک و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و نظام‌الدین غفاری بود. سهم ایران از قرارداد داری ۲۰ هزار پوند به صورت نقد و ۲۰ هزار پوند به صورت سهام بود، به علاوه ۱۶ درصد از

سنگ، آهن، مس، سرب و نفت)، هوترز (استخراج نفت دالکی در نزدیکی بوشهر) و قرارداد داری اشاره کرد. بیش از امضای این قرارداد، شخصی ایرانی - ارمنی به نام «آنتوان کتابچی خان» پس از مطالعه مقاله‌ای در روزنامه معادن فرانسه از «دومرگان» مبنی بر وجود نفت در ایران، نسبت به این موضوع علاقه‌مند شد. از این رو در ملاقاتی که با «سرهانی دروموندولف»، وزیر پیشین مختار انگلیس داشت، تقاضا کرد او را با سرمایه‌داران انگلیسی برای سرمایه‌گذاری آشنا کند. سرهانی دروموندولف، «ویلیام ناکس داری» را تشویق به سرمایه‌گذاری برای استخراج نفت در ایران کرد. داری چند زمین شناس کار آزموده را به ایران اعزام کرد تا در این باره گزارشی جامع به او بدهند. این متخصصان پس از مطالعه روی محل، گزارش رضایت بخشی ارائه دادند و گفتند که کشف نفت در حوالی قصر شیرین و شوشتر بسیار محتمل و در نقاط دیگر هم امید بسیاری وجود دارد. در سال ۱۹۰۱ داری، نماینده‌ای به اسم «ماریوت» را به همراه کتابچی خان به تهران اعزام کرد تا با دولت



# فراخوان

## جذب آثار ادبی و هنری

## با

## موضوع جنگ رمضان

معاونت انتشارات اداره کل روابط عمومی وزارت نفت در نظر دارد با هدف ثبت روایت‌ها، ایستادگی‌ها و همبستگی ملت ایران در جنگ رمضان، مسابقه‌ای با عنوان "روایت جنگ رمضان" برگزار کند. مخاطبان گرامی می‌توانند آثار تولیدی خود را در بخش‌های داستان کوتاه و بلند، خاطره‌نویسی، روایت‌نویسی، یادداشت، قطعه ادبی، شعر، فیلمنامه، فیلم کوتاه، تیزر، کلیپ، عکس و عکس‌نوشت، اینفوگرافی، فیلم‌نوشت، انیمیشن، نقاشی، پادکست و... در قالب فایل متنی یا تصویری در قالب لوح فشرده به آدرس خیابان طالقانی، روبه‌روی وزارت نفت، پلاک ۳۷۸ طبقه چهارم، دفتر نشریه کارکنان صنعت نفت "مشعل" ارسال کنند.

آثار برگزیده پس از ارزیابی و داوری در "مشعل" و سایت "مشعل آنلاین" منتشر و به نفرات برگزیده، جوایزی ارزنده اهدا خواهد شد.





MASHAL Online

خانواده بزرگ صنعت نفت را در

**مشعل آنلاین**

پینید

**به زودی...**

